





دانشگاه باقرالعلوم (ع)  
( غیر دولتی - غیر انتفاعی )

دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشتهء تاریخ

**مبانی نظری نهضت های شیعی - صوفی در ایران**

**(قرون 7 تا 10 هـ ق)**

استاد راهنما:

**جناب آقای دکتر حسن حضرتی**

استاد مشاور:

**جناب آقای دکتر حسین ایزدی**

نگارش:

**منیره ناصح ستوده**

تیرماه 1389

بسم الله الرحمن الرحيم

تقدیم به

انوار مطهری که مشعشع از شعاعی واحدند

## تقدیر و تشکر

پیش از هر چیز بر خود لازم می‌دانم از کلیه کسانی که به نحوی اینجانب را در تدوین این پژوهش یاری دادند قدردانی نمایم.

در ابتدا از استاد ارجمند جناب آقای دکتر حسن حضرتی که با راهنمایی‌های بی‌دریغ خود، به بهترین نحو راه‌گشای شاگرد خود در نگارش این پژوهش بودند؛

از استاد گرامی جناب آقای دکتر حسین ایزدی که مشاوره‌های پربارشان در هر چه بهتر نگاشتن این پژوهش مؤثر بود؛

از حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محسن الویری و همچنین سرکار خانم دکتر امیری که محنت داوری رساله را متقبل گشتند و نیز از دیگر استادان محترم گروه تاریخ که دانسته‌های خود را مدیون زحمات بی‌شائبه ایشان می‌باشم؛

از همکار محترم جناب آقای جواد جواهری که مسئولیت سنگین تایپ و ویراستاری رساله را به نحو شایسته به انجام رسانیدند و در نهایت از همسر عزیزم جناب آقای مهندس حسین آشوری که حضور گرمش در تمامی برهه‌های حساس زندگی‌ام به درخشندگی تمام مشهود است، کمال تشکر، سپاس و قدردانی را می‌نمایم.

توفیق رفیق راهشان

## چکیده

رساله‌ای که پیش رو دارید تحت عنوان «مبانی نظری نهضت‌های شیعی - صوفی در ایران (قرون 7 تا 10هـ.ق)» بر اساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه، در صدد دریافت چیستی مبانی نظری قیام‌های یاد شده

برآمده، بر این اساس، مدعای خود را شکل‌گیری گفتمان شیعی - صوفی طی قرون مورد نظر و تلاش آن برای حاشیه‌رانی رقیب به عنوان عامل اساسی پیدایش این جنبش‌ها قرار داد.

به منظور اثبات یا رد فرضیه فوق ضروری بود پیش از هر چیز چگونگی شکل‌گیری گفتمان شیعی - صوفی و نیز هویت این گفتمان مورد بررسی قرار گرفته، آنگاه فرآیند حاشیه‌رانی رقیب به عنوان فرایندی جداناپذیر از روند شکل‌گیری و تسلط هر گفتمان در قالب قیام‌های شیعی - صوفی به تصویر کشانده شود.

لذا پس از ارائه طرح پژوهش و چارچوب نظری، بازتاب هجوم مغول در برخورد با سه گفتمان تسنن، تشیع و تصوف به عنوان اصلی‌ترین گفتمان‌های موجود در جامعه آن روز و نیز روند فکری پیش آمده تا شکل‌گیری و بسط گفتمان شیعی - صوفی، دومین بخش رساله را به خود اختصاص داد.

پس از آن با گزینش سید حیدر آملی به عنوان موضوعی فعال که در فضای پر التهاب پیش آمده پس از هجوم مغول به طرح و انسجام گفتمان شیعی - صوفی پرداخته و با تحلیل محتوای متن جامع‌الاسرار و منبع الانوار، عناصر، مؤلفه‌ها هسته مرکزی، گفتمان‌های رقیب و نیز فرآیندهای هویت‌بخشی گفتمان شیعی - صوفی مورد بررسی قرار گرفت.

در بخش آخر با ارائه نمایی کلی از آنچه گذشت و آنگاه برتری سه جنبش سربداران، مرعشیان و مشعشعیان به عنوان بارزترین نمود قیام‌های شیعی - صوفی، اثبات نمود که مبنای تمامی این حرکت‌ها چیزی نبود جز همان گفتمان شیعی - صوفی به عنوان گفتمان مسلط جامعه و تلاش این گفتمان برای برجسته‌سازی خود و حاشیه‌رانی رقیب قوی‌پنجه‌ای چون تسنن.

**مفاهیم کلیدی:** قیام‌های شیعی - صوفی، سید حیدر آملی، سربداران، مرعشیان، مشعشعیان، نظریه وعمل، گفتمان، لاکلا و موفه.

## فهرست مطالب

- 1- کلیات تحقیق و چارچوب نظری ..... 6
- 1-1- کلیات تحقیق..... 7
- 1-1-1 بیان مسأله ..... 8
- 1-1-2 علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن ..... 9
- 1-1-3 پیشینه پژوهش ..... 10
- 1-1-4 پرسش بنیادین ..... 23
- 1-1-5 مدعای اصلی ..... 23
- 1-1-6 عبارتهای مفهومی ..... 23
- 1-1-7 سؤالات فرعی پژوهش ..... 24
- 1-1-8 پیش فرض های پژوهش ..... 24
- 1-1-9 اهداف پژوهش ..... 24
- 1-1-10 روش پژوهش..... 25
- 1-1-11 روش گردآوری اطلاعات و داده ها ..... 25
- 1-1-12 روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و دادهها ..... 25

25.....	13-1-1	سازماندهی پژوهش
27.....	14-1-1	معرفی و نقد برخی از مراجع محوری
31.....	2-1	مبانی نظری
32.....	1-2-1	چارچوب مفهومی
38.....	2-2-1	چارچوب نظری
49.....		جمع بندی
50.....	2-	مبانی شکل‌گیری گفتمان شیعی - صوفی
51.....		مقدمه
	1-2-	مبانی سیاسی - اجتماعی شکل‌گیری گفتمان شیعی - صوفی
	53.....	
54.....	1-1-2-	مغول و تسنن
70.....	2-1-2-	مغول و تشیع
84.....	3-1-2-	مغول و تصوف
92.....		جمع بندی
	2-2-	مبانی فکری شکل‌گیری گفتمان شیعی -
	94.....	صوفی
95.....		مقدمه
96.....	1-2-2-	تغییر زاویه دید علمای شیعی به تصوف



- 99..... تغییر زاویه دید بزرگان صوفی به تشیع ..... 2-2-2
- 102..... ظهور چهره‌های شیعی - صوفی ..... 3-2-2
- 110..... جمع‌بندی ..... 3-2-2
- 112..... گفتمان شیعی - صوفی ..... 3
- 113..... مقدمه ..... 3-2-2
- 1-3-1 گام نخست، بازخوانی دال‌های تصوف و تشیع، طرح مفهوم "مؤمن ممتحن" ..... 3-2-2
- 114..... 3-2-2
- 2-3-2 گام دوم، تثبیت جایگاه تصوف از طریق بازخوانی دال‌های "شریعت، طریقت، حقیقت" طرح دال "شریعت محمدی" ..... 3-2-2
- 136..... 3-2-2
- 3-3-3 گام سوم، پردازش هسته مرکزی گفتمان شیعی - صوفی؛ دال "ولایت" ..... 3-2-2
- 151..... 3-3-3
- 1-3-3-1 ولایت مطلقه و مقیده ..... 3-3-3
- 153..... 3-3-3-2 تثبیت ولایت مطلقه علی (ع) ..... 3-3-3
- 163..... 3-3-3-3 تثبیت ولایت مهدی (عج) به عنوان خاتم ولایت مقیده ..... 3-3-3
- 177..... 3-4-3 گام چهارم، ساختار شکنی تشیع سنتی و تصوف سنی از طریق مقایسه علوم اکتسابی و علوم ارثی و ذکر مراتب سه گانه اسلام، ایمان، ایقان ..... 3-4-3
- 187..... جمع‌بندی ..... 3-4-3
- 211..... 4-3-4 جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ..... 3-4-3
- 214..... 5-3-4 فهرست منابع و مآخذ ..... 3-4-3
- 241..... 5-1-4 منابع و مآخذ فارسی ..... 3-4-3
- 242.....

- 249..... منابع و مأخذ عربی ..... 2-5
- 251..... مراجع لاتین ..... 3-5
- 251..... مقالات ..... 4-5

### فهرست نمودار

- 140..... 1-2-3 در یکسان بودن آبشخور معنوی ..... 140
- 142..... 2-2-3 شریعت، طریقت، حقیقت، لایه های مختلف شرع محمدی ..... 142
- 159..... 3-3-3 تشعشع حقیقت محمدیه در قالب نبوت و ولایت ..... 159
- 160..... 4-3-3 نسبت رسالت، نبوت و ولایت برحسب گستره مصداقی ..... 160
- 161..... 5-3-3 نسبت رسالت، نبوت و ولایت بر حسب شرافت و بزرگی ..... 161
- 162..... 6-3-3 نسبت رسالت، نبوت و ولایت برحسب سلسله مراتب و شؤون ..... 162
- 162..... 7-3-3 ترتیب کسب مقامهای ولایت، نبوت و رسالت ..... 162
- 165..... 8-3-3 ختم ولایت مطلق در دو گفتمان "سنی-صوفی" و "شیعی-صوفی" ..... 165
- 178..... 9-3-3 ختم ولایت مقیده در دو گفتمان "سنی-صوفی" و "شیعی-صوفی" ..... 178

## 1 - کلیات تحقیق و چارچوب نظری

**1-1- کلیات تحقیق**

### 1-1-1- بیان مسأله

چنانچه می‌دانیم هجوم مغولان به سرزمین ایران و ورود ایشان در صحنه سیاسی این کشور برهه‌ای از تاریخ را رقم زد که نه تنها در عرصه سیاسی، بلکه در حیطه فرهنگی، مذهبی و عقیدتی مردمان ایران زمین نیز تحولی عمیق و ماندگار را ایجاد نموده، تا جایی پیش رفت که می‌توان قرون هفتم تا دهم هجری قمری را از جمله مقاطع حساس و قابل تأملی برشمرد که با طرح سؤالات بی‌شماری در اذهان پژوهشگران، اقتضای هر نوع کاوش علمی - پژوهشی را می‌نماید.

از جمله نکات ویژه و قابل توجه در این حیطه زمانی شکل‌گیری و رخداد یک دسته قیام‌هایی است که به عنوان عکس‌العمل سیاسی - مذهبی در شرایط پیش آمده، صورت پذیرفت و نه با اعتقادات شیعی صرف و نه با عقاید سنی، بلکه با رویکردی شیعی - صوفی، وارد منازعات سیاسی گشته، در صدد یافتن جایگاهی ممتاز در این میان بودند.

طبیعی است با در نظر گرفتن سیاست پیشین صوفیان مبنی بر انزوای طلبی و گوشه‌نشینی و پرهیز از مداخله در صحنه‌های سیاسی - اجتماعی تا این زمان و نیز با تأمل در خودداری شیعیان از مبارزات علنی، به دلیل خفقان حاکم بر جامعه مذهبی ایران زمین طی قرون گذشته، و همچنین با دقت بر شقاق و شکاف عقیدتی نسبتاً عمیق میان دو طیف شیعی و صوفی از مسلمین تا پیش از قرن هفتم، چگونگی شکل‌گیری قیام‌های شیعی-صوفی طی قرون هفتم تا دهم هجری و قرارگیری دو گروه شیعیان و صوفیان در صف مبارزه علنی علیه حکام وقت، به عنوان ابهامی جدی در حوزه پژوهشی یاد شده قلمداد گشته، برطرف نمودن این ابهام، پژوهشی متین و استوار را طلب می‌نماید.

لذا این پژوهش در نظر دارد به کنکاش در قرون مورد نظر به منظور بررسی مبانی نظری قیام‌های شیعی - صوفی قرون هفتم تا دهم هجری پرداخته، با طرح و ارائه چارچوبی از نظریه گفتمان، پاسخ پرسش مورد نظر خود را با اثبات یا رد فرضیه بیرون کشیده شده از دل این چارچوب به دست آورد.

### 1-1-2- علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن

غالباً علاقه به کشف زوایای نهفته و تاریک تاریخ، نخستین و مهم‌ترین محرک محققان در روی آوردن به موضوعات پژوهشی است. در این میان گاه اموری نه‌چندان تاریک و نه‌چندان دور از بحث و نظر در تاریخ یافت خواهد شد که نگرستن از منظری جدید و تغییر زاویه دید نسبت به آن، جذابیت و اهمیتی در خور توجه به آن خواهد بخشید.

توجه به بی‌ثباتی اوضاع سیاسی - مذهبی اواخر حکومت خلفای عباسی و هرج و مرج ناشی از هجوم مغولان، دریافت رمز و راز چگونگی شکل‌گیری قیام‌های مردمی با رویکرد شیعی - صوفی به عنوان داروی شفابخش جامعه بیمار ایران و رساننده آن به قدرت و اقتداری چونان جامعه عهد صفوی، در قالب نظریه نسبتاً نوظهور گفتمان می‌تواند از اهمیت بالای این پژوهش پرده برکشد.

بدین ترتیب این رساله ضمن کنکاش در قرون هفتم تا دهم هجری با هدف به آزمون گذاردن مدعای بیرون کشیده شده از دل چارچوب نظریه گفتمان، نمونه‌ای عملی از شیوه پژوهش تاریخی، با اتکا بر نظریه سیاسی گفتمان را در اختیار پژوهشگران فرزانه در حوزه تاریخ و اندیشه قرار داده، زمینه رویکردی نو در پژوهش‌های تاریخی را فراهم می‌آورد.

### 1-1-3- پیشینه پژوهش:

مشعشعیان ماهیت فکری-اجتماعی و فرایند تحولات تاریخی، محمد علی

رنجبر، تهران: آگه، 1382.

این کتاب که با هدف بررسی تفصیلی ماهیت و فرایند جنبش مشعشعیان، به عنوان حادثه‌ای خاص، علاوه بر بهره‌گیری از روش نمونه پژوهی، با استفاده از روش تطبیقی به بررسی همانندیها و ناهمانندیهای جنبشهایی از این نوع نیز توجه نموده، در سه بخش به قرار زیر سازمان یافته است:

بخش یکم: بررسی اجمالی جنبشهای فکری و سیاسی، بخش دوم: دوران جنبش و حکومت مستقل مشعشعیان و بخش سوم: دوران تابعیت و والی گری مشعشعیان.

رنجبر پیش از ورود به مباحث اصلی کتاب خویش در مقدمه طرحی جامع از موضوع و عنوان مورد پژوهش خود ارائه داده بارعایت بندبند اصول وقواعد تنظیم طرحنامه، ارزش و اعتبار علمی کتاب خویش را تاحد پژوهشی وزین ورساله ای کاملاً علمی و متین ارتقا بخشیده است.

بررسی و نقد دقیق و جامعی از منابع و نیز تحقیقات جدید نگارش یافته پیرامون جنبش مشعشعیان نیز از دیگر نقاط قوت این کتاب به شمار می‌رود. کلام المهدی، بیانیه به ثبت رسیده سید محمد بن فلاح رهبر مشعشعیان، تاریخ غیاثی نگاشته عبدالله بن فتح الله بغدادی ملقب به غیاث، مجالس المومنین تالیف قاضی نورالله شوشتری، تاریخ مشعشعیان نوشته سید علی خان بن سید عبدالله خان بن سید علی موسوی، تذکره شوشتر تالیف سید عبدالله بن جزایری شوشتری متخلص به فقیر و تاریخ کبیر نگاشته جعفر بن محمد جعفری و نیز منابعی از دوره صفوی چون تاریخ جهان آرا، تاریخ عالم آرای عباسی و تکمله الاخبار از جمله متون کهن و دست اولیست که به عنوان نخستین منابع اطلاعاتی پیرامون جنبش مشعشعیان مورد بررسی و معرفی رنجبر قرار گرفته است.

احمد کسروی، جاسم حسن شبر، کامل مصطفی شیخی، و. کسکل (w.caskel)، عباس عزاولی، محمد علی سلطانی و مینورسکی نیز از جمله پژوهشگران و محققان معاصر هستند که به دلیل مطالعه در حوزه جنبش مشعشعیان نگاه نقادانه دکتر محمد علی رنجبر را به خود معطوف داشته‌اند. پس از آن نگارنده وارد مباحث اصلی خود شده طی بخش اول و در قالب شش فصل ضمن ارائه چشم اندازی کلی از اوضاع سیاسی - اجتماعی دو سده هشتم و نهم هجری، به اذعان خود می‌کوشد با بررسی جنبشهای سرمداران، حروفیان، نوربخشیان، صفویان و اهل حق افزون بر مطالعه فضای کلی اجتماعی - فرهنگی دوره مورد نظر توجه مخاطبان را به همانندی‌ها و یا ناهمانندی‌های این جنبش‌ها در مقایسه با جنبش مشعشعیان معطوف بدارد.

لیکن نکته قابل توجه اینکه رنجبر در عمل تنها به ذکر و معرفی ابعاد سیاسی - اجتماعی و فکری جنبشهای یاد شده پرداخته و جز مواردی کوتاه در باب اهل حق و صفویان بدون ارائه مقایسه ای میان این قیام‌ها با قیام مشعشعیان، درک و استنباط این تشابهات و تفاوتها را بر عهده خود مخاطبین نهاده است.

بخش دوم کتاب مشعشعیان ماهیت فکری- اجتماعی و فرایند تحولات تاریخی، نیز مبحث جنبش و حکومت مستقل مشعشعیان یعنی فاصله میان سالهای 840 تا 914 قمری را ضمن شش فصل مورد بررسی قرار می دهد. اوضاع سیاسی پیرامون منطقه فعالیت مشعشعیان، شخصیت سید محمد بن فلاح و تکاپوهای تبلیغی- سیاسی او به عنوان رهبر خیزش مشعشعیان، حکومت دراز مدت سلطان محسن پسر سید محمد بن فلاح طی سالهای 870 تا 905 قمری، دوران فترت مشعشعیان و متلاشی شدن حکومت مستقل آنها به دست اسماعیل یکم در سال 914 قمری، ماهیت فکری مشعشعیان حول دو محور مهدویت و الوهیت با تکیه بر متن کلام المهدی، و نهایتاً ماهیت اجتماعی مشعشعیان در دوران جنبش و حکومت مستقل، به ترتیب مباحثی است که فصول ششگانه این بخش را به خود اختصاص می دهد.

بخش سوم نیز که در صدد است دوران فرمانروایی محلی و تحت تابعیت مشعشعیان (914-1135 ق) را مورد مطالعه قرار دهد، به شیوه توالی تاریخی، از فرمانروایان مشعشعی و مسائل درونی و بیرونی آنها یاد می نماید، لیکن پیش از آن در فصل نخست از ساختار و ویژگی های حکومتی صفوی و چگونگی مناسبات حکومت مرکزی صفوی با مراجع قدرت پیرامونی پرده بر میدارد. فصل دوم تا ششم فرمانروای والیان مشعشعی در طول حکومت صفوی را به تصویر کشانده است. فصل هفتم به نقش والی هویزه (سید عبدالله) در جریان رویارویی صفویان با افغانها پرداخته و نهایتاً آخرین فصل بخش سوم روند ماهیت فکری و اجتماعی مشعشعیان را در دستور کار قرار می دهد.

پس از آن فصل ضمیمه ای به تشریح حکمرانی مشعشعیان پس از صفویان تا حکومت پهلوی اختصاص یافته است. در آخر نیز مولف صفحاتی چند تحت عنوان "نتایج پژوهش" به مرور کلی بر مباحث کتاب و چگونگی اثبات فرضیه های مورد نظر خویش اختصاص داده است.

در نگاه کلی به مباحث کتاب مشعشعیان ماهیت فکری- اجتماعی و فرایند تحولات تاریخی، می توان گفت مولف با بررسی نسخ خطی متعدد بر جای مانده از کلام المهدی و نیز ترجمه و مقایسه "متون سست و متشتت عمده منابع عربی" توانسته اطلاعاتی کامل و همه جانبه در ارتباط با جنبش مشعشعیان در اختیار علاقه مندان به این حوزه از تاریخ قرار داده به عنوان نمونه ای در خور در زمینه جنبش های ایران زمین به شمار رود.



بالتبع مباحث فکری مطرح شده در این کتاب علی الخصوص مبحث الوهیت و مهدویت به عنوان اندیشه‌های مرکزی سید محمد بن فلاح برگرفته از متن کلام المهدی، در پژوهش در دست ما بسیار سودمند افتاد. لیکن از آنجا که رنجبر بخش عمده ای از صفحات کتاب خویش را به بررسی تحولات تاریخی - سیاسی نه فقط جنبش مشعشعیان که حتی دیگر جنبش‌های در دستور کار خویش، اختصاص داده است و نیز از آنجا که تمامی این جنبشها به صورت مستقل و نه در بافتی همگون و یکپارچه از نظام اعتقادات و باورها مورد بررسی قرار گرفته است، طبیعتاً تفاوتی اساسی با کار ما خواهد داشت.

به دیگر سخن رنجبر به معرفی و بررسی ماهیت خود جنبش مشعشعیان و نیز دیگر جنبش‌های صورت گرفته طی قرون هشتم تا دهم هجری پرداخته، حال آنکه ما در صدد به تصویر کشاندن مبانی نظری این قیامها بر آمده از اساس پژوهشی تاریخی - اندیشه ای صورت خواهیم داد. بی شک نگرستن به قیامهای شیعی - صوفی شکل گرفته طی قرون مورد نظر از دریچه نظریه گفتمان نتیجه ای کاملاً متفاوت از آنچه دیگر پژوهشها نظیر پژوهش محمد علی رنجبر به دست آورده اند در اختیار ما قرار خواهد نهاد. علی الخصوص که مولف این کتاب علی رغم در پیش گرفتن روال کاملاً علمی در روند پژوهشش، هیچ گونه چهارچوب نظری برای پردازش اطلاعات تاریخی خویش در نظر نگرفته است.

**زندگی فرهنگی و اندیشه‌ی سیاسی شیعیان از سقوط بغداد تا ظهور صفویه «656-»**

**907 ق»، محسن الویری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، 1384.**

این کتاب که به اذعان نویسنده، نسخه‌ی تکمیل شده‌ی رساله‌ی دکتری رشته‌ی تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران در سالهای 1375 و 1376 می‌باشد در صدد پاسخگویی به این پرسش اصلی است که «زمینه‌های فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی گسترش تشیع با آموزه‌هایی از تصوف در مقطع تاریخی پیش از قرن دهم چه بوده است؟» نویسنده پیش از ورود به مباحث اصلی کتاب خود، در پیشگفتار به آسیب شناسی رشته‌ی تاریخ و پژوهش‌های تاریخی پرداخته پس از آن فصل اول طی عنوان «کلیات» روند حیات سیاسی - اجتماعی شیعه از آغاز تا کنون را به اجمال به تصویر می‌کشاند.

طرح نامه‌ی کتاب با عنوان «این کتاب و جایگاه آن در مطالعات تاریخ شیعه» گرچه پرسش‌های اصلی و فرعی را به تفکیک بازگو نموده لیکن فرضیه‌ی ای در پاسخ به آن‌ها ارائه نداده است. عنوان بعدی از فصل اول «بحثی در منابع» است که به گفته‌ی خود مؤلف نه تحلیلی عمیق و دقیق درباره‌ی منابع و سنجش و ارزیابی آن‌ها که ارائه یک دسته بندی کلی از منابع و مآخذ برای شناخت بهتر آن هاست. مروری کوتاه بر اوضاع و احوال سیاسی دوره‌ی بررسی شده عنوان دیگری است که بخشی از مطالب فصل اول را به خود اختصاص داده و قریب به سی حکومت محلی را که در دوره‌ی مورد نظر می‌زیسته اند به اجمال معرفی نموده است.

مبحثی که علیرغم شأن علمی کتاب و نویسنده آن در فصل کلیات و پیرامون طرح نامه‌ی پژوهش ناگفته باقی مانده، در ذهن مخاطب جای بسی سؤال باقی می‌گذارد، فقدان هر گونه نظریه و چارچوب نظری ای است که مطالب بر حول محور آن‌ها سازماندهی گشته، جهت و سمت و سوی اندیشه‌ی مؤلف در پردازش داده‌های خویش را ملموس و شفاف تر سازد.

پس از فصل کلیات، فصل دوم تحت عنوان گزارش و تحلیلی از تألیفات شیعه در این دوره، در صدد به تصویر کشاندن تلاش‌های وسیعی است که توسط بزرگان شیعه در جهت گستراندن تشیع در شاخه‌های مختلف علمی و از نیمه‌ی قرن هفتم تا آغاز قرن دهم هجری صورت پذیرفته است. فصل سوم با عنوان «فعالیت‌های آموزشی»، گستره‌ی جغرافیایی فعالیت‌های آموزشی شیعیان، مهمترین نهادهای آموزشی و کانون‌های اصلی این فعالیت‌ها را طی قرون مورد نظر به تصویر می‌کشاند.

فصل چهارم با معرفی ابنیه و اوقاف ساخته شده در دوره‌ی مورد بحث، حکایتی است از اهتمام حکومت‌ها، علما و عامه‌ی مردم به عمران و آبادانی آرامگاه امامان (ع) و امامزادگان به عنوان نشانه و پیامدی از تلاش ایشان در راستای گسترش تشیع.

فصل پنجم نیز به تأثیر و تأثرات نزدیکی تشیع، و تصوف به یکدیگر و جریان‌های فکری، سیاسی، اجتماعی متأثر از تصوف پرداخته است.

«روابط متقابل شیعیان و سنیان» عنوان فصل ششم است که ضمن آن مؤلف موضع واقع بینانه و ارتباط دوستانه و مسالمت آمیز شیعیان با جهان تسنن و به دنبال آن نزدیکی هرچه بیشتر امیران،

شاعران و عالمان اهل سنت به محور محبت اهل بیت(ع) را در حیطةی زمانی مورد بحث به تصویر می کشاند.

آخرین فصل کتاب نیز تحت عنوان « اندیشه‌ی سیاسی» با بررسی متون کلامی و متون فقهی شیعیان طی قرون مورد نظر و نیز احکام وارد شده پیرامون مسائلی چون اقامه‌ی نماز جمعه، زکات، خمس، امر به معروف، قضا، افتا، پذیرش ولایت از سوی حاکم جائز، اقامه‌ی حد، وصیت، تقیه و نقش رضایت عامه در حکمرانی بر مردم و نیز با بررسی متون حکمت عملی و اخلاقی و بیرون کشیدن مبانی رفتار سیاسی علمای شیعه از دل آن ها، می‌کوشد سیمای سیاسی اندیشه‌ی شیعیان در نیمه‌ی دوم قرن هفتم تا قرن دهم را به تصویر کشاند.

در آخر نیز نتیجه گیری نمایی کلی از مباحث کتاب را ارائه داده پس از آن صفحاتی چند از کتاب به نقشه‌هایی اختصاص یافته که زادگاه صحرانوردان، دولت مغولان در آسیا و اروپا و دولت‌هایی که از آن منشعب شد، محدوده‌ی جغرافیایی حکومت ایلخانان، برخورد مذاهب در آسیای مقارن با حضور مغول ها، دولت تیموریان و... را به تصویر می کشاند.

کتابنامه و نمایه شامل اشخاص، اماکن، کتابها و گروه‌ها و حجم نسبتاً زیاد صدو سی صفحه ای آن نیز در پایان توجه خواننده را به خود جلب خواهد نمود.

آنچه از این کتاب به طور مستقیم مربوط به موضوع مورد پژوهش ما می‌باشد فصل پنجم تحت عنوان جریانهای فکری، سیاسی، اجتماعی متأثر از تصوف است که در آن نویسنده پیش از ورود به جریان‌های شیعی-صوفی چون نعمت‌اللهیان، حروفیان، صفویان و... به عنوان مدخل بحث کلیاتی پیرامون زمینه‌ی گرایش به تصوف و ویژگی‌های عمومی تصوف در این دوره ارائه داده است.

در خلال این مباحث اشاره ای محدود به جریان نو ظهوری از تصوف تحت عنوان «تصوف متشیع» رفته است که مؤلف در این جا بیشتر به بیان نظرات و دیدگاه‌های دیگران پیرامون این موضوع پرداخته صراحتاً بیان نمی‌دارد آیا چنین جریان‌هایی را که منجر به شکل گیری حرکت‌هایی چون سربداران، مرعشیان و سادات کیایی گردیده است، ناشی از تشیع آمیخته شده با تصوف و یا تصوف شیعی شده می‌داند؟! گرچه تا حدی می‌توان از عنوان «تصوف متشیع» اگر در معنای مصطلح واژه‌ی متشیع یعنی «شیعی نما» به کار رفته باشد، غرض مؤلف را دریافت!!!

نکته‌ی قابل توجه دیگر این که به تفکیک جنبش‌های سربداران، مرعشیان، سادات کیایی جنبش‌هایی برآمده از تصوف آمیخته با تشیع به شمار رفته و حال آن که نعمت‌اللهیان حروفیان، نوربخشیان، و صفویان به عنوان چهار جریان فکری مهم شیعه قلمداد گشته‌اند.

مؤلف در تحلیل این جریان‌ها معتقد است «سه جریان نخست از این چهار جریان شیعیانی بودند که از یکسو واردکنندگان اندیشه‌های محی‌الدین بن عربی بویژه در زمینه‌ی وحدت وجود و مقام ولایت و خلیفه‌اللهی انسان در میان شیعیان بوده‌اند و از سوی دیگر به طور گسترده در صحنه‌ی اجتماع و سیاست بصورت حمایت از مردم و تلاش برای ایجاد صمیمیت و یکرنگی در میان آن‌ها و یا به صورت درگیری با حاکمان وقت، حضور داشته‌اند.

جریان چهارم یعنی صفویه گرچه در دوره‌های نخستین پیدایش خود نه شیعه بود و نه متأثر از اندیشه‌های ابن عربی، ولی به دلیل نقش مهمی که اعقاب صفی‌الدین اردبیلی... در دوره‌های بعد ایفا کردند و شیعه را در سراسر ایران گسترانده‌اند بررسی شده است.<sup>1</sup> و این دقیقاً همان نقطه اختلاف نظر نویسنده‌ی کتاب با پژوهش در دست ماست. از آن رو که ما بدون قائل شدن هیچ تفکیکی تمامی این جنبش‌ها را برخاسته از آبشخور فکری گفتمان شیعی-صوفی دانسته اختلاف آن‌ها را محدود به برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی برخی ابعاد و المان‌های گفتمانی شان می‌دانیم.

همچنین در جای دیگر مؤلف آورده است: «در زمینه‌ی برخورد شیعیان با صوفیان و متصوفان نیز باید گفت: گرچه در آغاز عده‌ای با عنوان شیعه‌ی صوفی در جامعه ممتاز بودند و فرقه‌های شیعی صوفی نیز پدید آمد، ولی به تدریج با آمیخته شدن هرچه بیشتر آموزه‌های تصوف و تشیع و جذب بسیاری از ویژگی‌های تصوف توسط تشیع، رفته رفته تصوف به عنوان یک جریان و یا گروه اجتماعی از جوامع شیعی رخت بر بست و علما و دانشمندانی پیدا شدند که با وجود طی مراحل سلوک نفسانی و تهذیب نفس به هیچ یک از فرقه‌های صوفیه وابستگی نداشتند و در پی ایجاد فرقه‌ای همانند صوفیه نیز نبوده‌اند»<sup>2</sup>

1. محسن الویری، زندگی فرهنگی و اندیشه سیاسی شیعیان از سقوط بغداد تا ظهور صفویه «656 - 907 ق»، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، 1384، ص 265.

2. همان، ص 267.

لیکن تعبیر ما از این معنی در پژوهش در دست انجام چنین خواهد بود که در فاصله‌ی قرون هفتم تا دهم ه.ق فضای سیاسی، فکری، عقیدتی جامعه به سمت شکل‌گیری گفتمان جدیدی به نام گفتمان شیعی-صوفی رفته پس از آن دیگر نه شیعه، شیعه‌ی قبلی و نه صوفی، صوفی گذشته بود بلکه شیعی-صوفیانی با نام مؤمنین ممتحن بازیگران فعال حوزه‌ی سیاست و اجتماع به شمار رفته، حرکت‌هایی به وسعت جنبش‌های یاد شده ایجاد نمودند.

**نهضت سربداران خراسان، ای.پ. پطروشفسکی، ترجمه‌ی کریم کشاورز، شاهرضا، انتشارات پیام، 1351.**

کتاب بدون فهرست مطالب با مقدمه‌ی مترجم آغاز می‌گردد که در واقع سخنی است کوتاه در باب وضعیت ایران پس از هجوم مغولان، فقدان اثری در خود در زمینه‌ی سربداران و نیز نکاتی چند پیرامون ترجمه‌ی این اثر.

«وضع ایران در دوران انقراض دولت هلاکوئیان»، «ویژگی‌های کلی نهضت‌های قرن چهاردهم»، «معتقدات این نهضت‌ها»، «صفویه، حیدریه، نعمه‌اللهیه و غیره»، «منابع و مآخذ تاریخ نهضت سربداران»، «زمینه‌های نهضت سربداران در خراسان»، «پیدایش دو جریان در میان سربداران»، «دولت سربداران پس از مرگ وجیه‌الدین»، «دولت سربداران در حدود سال 1350 میلادی و سقوط سلاله‌ی هلاکوئیان»، «مبارزه میان سربداران خراسان»، «انقراض دولت سربداران در خراسان»، «ویژگی‌های کلی دولت سربداران خراسان»، «انعکاس نهضت سربداران در مازندران و گیلان و کرمان» به ترتیب عناوینی است که مطالب کتاب یاد شده را شامل می‌شود.

بخش ضمیمه که افزوده‌ی مترجم به کتاب است، مجمل فصیحی درباره‌ی سربداران برگرفته از مجمل فصیحی، فصیح احمد بن جلال‌الدین محمد خوافی (777-847 ه) به تصحیح و تحشیه‌ی محمود فرخ، مشهد، ناشر: کتابفروشی باستان، 1339. به صورت‌گزینش به ذکر حوادث مهم و مرتبط با تاریخ سربداران در فاصله‌ی سالهای 772 تا 808، پرداخته است.

در معرفی زاویه‌ی دید و نگرش پطروشفسکی به موضوع مورد بحث اشاره به این یک جمله کافی است که وی نهضت‌های صورت گرفته طی قرن هفتم تا دهم ه.ق راجبش‌های آزادیبخش قرن

چهاردهم میلادی و سردمداران آن را ماکین فتودال ایرانی و تاجیک معرفی می کند. همچنین وی علت عمده ی شرکت مالکین کوچک و متوسط اسکان یافته ی محلی در این نبردها را ناراحتی ایشان از تصرف املاک موروثی شان توسط خان های مغول اعلام می کند.<sup>1</sup>

از نگاه نویسندگان جنبش های آزادیبخش قرن چهاردهم بدون هیچ برنامه ریزی قبلی و تنها با هدف مبارزه علیه ظلم فتودالی مغول ها صورت گرفته و همواره پس از شکل گیری این نهضت ها درگیری درون نهضتی رخ داده است. به عبارت دیگر هر جا خروج آزادیبخشی به کامیابی انجامیده دولتهای خودرویی پدید آمده است. خروج سربداران و دولتهای سربداران در خراسان غربی، سادات مازندران و گیلان، سربداران در سمرقند و پیروان و پیروان محمد مشعشع نیز از این سنخ شمرده شده اند. در دولتهای نوع سربداران حکومت یا در دست فتودال های کوچک بوده یا بر سر آن بین ایشان و پیشه وران و بینوایان شهری و روستایی منازعه در می گرفت.

معتقدات دینی این نهضت ها را نیز پطروشفسکی مذهب شیعه و مسلک تصوف دانسته معتقد است «لغافه ی مذهبی عقیدتی نهضت های مردم ایران زمین و کشورهای هم مرز آن به هیچ وجه ماهیت جنبش ها را تغییر نداده<sup>2</sup>» و به عبارتی «دین در نهضت های اجتماعی تابع و نه متبوع بوده است<sup>3</sup>» حال آن که پژوهش ما در صدد به آزمون گذاردن نقطه ی مقابل این امر است.

در تحلیل پطروشفسکی نهضت های قرن چهاردهم همچون نهضت های اروپایی غربی در قرون وسطی با شعار مبارزه علیه مذهب رسمی (و همچنین علیه یاسای چنگیز) و با «رجعت به قوانین صدر اسلام» که در نظر عامه مردم کمال مقصود بود، جریان داشت.

همچنین اشاره می نماید در عقاید نهضت های مردم ایران تشیع یا جریان مخالف مذهب رسمی با «می سی سیزم» - عرفان و تصوف - اسلامی تلفیق شده بود. و نهایتاً در یک جمله اعلام می دارد: «شیعیان مدتی دربارهی تصوف نظر منفی داشتند ولی در دورانی که مورد مطالعه ما می باشد بعضی

1 . ای . پ . پطروشفسکی، نهضت سربداران خراسان، ترجمه ی کریم کشاورز، شاهرضا: انتشارات پیام، 1351، صص 11 و 12.

2 . همان، ص 14.

3 . همان.

از طریق تصوف با مسالک شیعیان و بویژه با شعب افراطی تشیع نزدیک شدند و بسیاری از طریق درویشان به رنگ تشیع در آمدند.<sup>۱</sup>

پطروشفسکی در باب علت و چگونگی شیوع تصوف در فاصله قرن یازدهم تا چهاردهم میلادی در خراسان و سپس سراسر ایران می گوید: « ویرانی وحشت انگیز کشور بعد از هجوم سلجوقیان و اقوام غز و مغول و فشار و سنگینی ظلم و بیداد فاتحان صحرانشین سبب شد که نظر بدبینانه‌ی تصوف بزندگی و تبلیغ و چشمپوشی از علائق دنیوی و اختیار فقر و غیره رایج شود.»<sup>۲</sup>

همچنین پطروشفسکی ذیل عنوان «صفویه، حیدریه، نعمت اللهیه و غیره» پس از اشاره ای کلی به چگونگی شیوع تصوف در جامعه قرون یازدهم تا چهاردهم م. و اشاره ای کوتاه به خصلت عمومی تصوف این قرون به سیر ورود بزرگانی چون فریدالدین عطار نیشابوری شیخ ابوسعید ابوالخیر، سیدنورالدین نعمت الله مؤسس طریقت نعمت اللهیه، مولانا حسن سلیمی و... پرداخته، فضای کتاب را کمی داستانی می نماید.

«تاریخ سربداران» مؤلف نامعلوم، تألیف قرن چهاردهم میلادی، «زبدۀ التواریخ»، حافظ ابرو، «مطلع السعدین» عبدالرزاق سمرقندی و میرخواند، معین الدین محمد اسفزاری، خواندمیر، تواریخ و مورخانی هستند که پطروشفسکی آنان را به عنوان رده‌ی نخست منابع پیرامون تاریخ سربداران قابل اهمیت بر شمرده، رویکرد ایشان نسبت به قیام سربداران را مثبت ارزیابی می نماید.

فصیحی در مجمل فصیحی و ظهیرالدین مرعشی در تاریخ طبرستان و مازندران و نیز دولت‌شاه سمرقندی در تذکره‌ی خویش نیز دیگر منابعی هستند که با رویکردی متفاوت اما با همان درجه‌ی اول اهمیت در تاریخ سربداران توجه پطروشفسکی را به خود جلب می نماید. لیکن غیاث الدین علی فریومدی، نویسنده‌ی ذیل مجمع الانساب محمد شبانکاره ای و ابن بطوطه جهانگرد عرب حدود سالهای 1340 م. و 741 ه. دو نویسنده ای هستند که پطروشفسکی اهمیت مطالب ایشان پیرامون سربداران را در درجه‌ی دوم نام برده به ذکر ویژگی‌های تاریخنگاری ایشان می پردازد. در مجموع

1 . همان ، ص 16 .

2 . همان ، ص 19 .

می توان گفت این بخش یکی از مفیدترین بخشهای کتاب کم حجم پطروشفسکی را به خود اختصاص داده است.

شکل گیری قیام سربداران ، پیدایش دو جناح میان ایشان تا انقراض این دولت عمده ترین صفحات کتاب «نهضت سربداران خراسان» را تشکیل می دهد که طی آن پطروشفسکی با همان دیدگاه مبتنی بر نظام فئودالیت به شرح و تفسیر آن می پردازد.

در بیان ویژگی های کلی دولت سربداران خراسان می آورد: «دولت سربداران یک دموکراسی روستایی نبوده بلکه دولت خرده مالکین شمرده می شد. ولی در عین حال فقط به سبب گذشت های مهمی که بر روستائیان کرده باقی مانده بود. در دولت سربداران اشکال دیرین سلطنت اسلامی مبتنی بر فقه اسلامی حفظ گشته بود.»<sup>1</sup>

همچنین پطروشفسکی معتقد است «سران اعتدالی سربدار می کوشیدند تا از اشکال سلطنت فئودالی اسلامی تقلید کنند.»<sup>2</sup>

وی در جایی دیگر در معرفی افکار و اهداف جنبش سربداران می آورد: «علی الرغم ظاهر مذهبی و عرفانی (میستیک)، نهضت سربداران را باید ترقی خواهانه دانست زیرا جنبش مزبور قشرهای وسیع تولیدکنندگان را در بر گرفت و آنان را بمبارزه بخاطر منافع اجتماعی خویش، علیه بهره کشی فئودالی و فاتحان بیگانه دعوت کرد.»<sup>3</sup>

نهضت مرعشیان مازندران نیز قیامی است که پطروشفسکی آن را به دنبال رواج افکار سربدار در نواحی ساحل دریای خزر و با ترکیبی اجتماعی-فکری کاملاً شبیه به آن بالاخص به جناح افراطی سربداری می داند. پطروشفسکی با این دلیل که درویشان شیخ قوام الدین شعار مساوات در اموال را اعلام می کردند ایشان را پیشه ور و روستایی می داند. همچنین در تحلیل علت درگیری پیروان سیدقوام با افراسیاب معتقد است از آنجا که درویشان علیه تجمل و ثروت قیام کرده، خواهان برابری همگانی بودند، اتحاد ایشان با افراسیاب که از اخلاف خاندان فئودال کهن محلی بود، نمی توانست استوار باشد.

1 . همان ، ص 98 .

2 . همان ، ص 99 .

3 . همان ، ص 102 .



در باب دستاوردهای قیام سربداران نیز می‌آورد خوارج و عوارض فئودالی که مبتنی بر موازین شرعی نبوده ملغی گشت و به احیای اراضی بایر مبادرت شده و ساختمان‌های فراوان احداث گشت... ولی افکار مساوات اجتماعی در دولت سادات مازندران جامه‌ی عمل نپوشید. در آغاز نیز مانند قلمرو سربداران خراسان، اعیان و بزرگان نو رسیده‌ای پدید آمدند و اراضی‌ای که از فئودال‌های پیشین منتزع شده بود میان ایشان تقسیم گردید.

آل کیا در گیلان و نهضت سربداران در کرمان به رهبری اسدبن طوغان شاه از دیگر جنبش‌هایی است که پطروشفسکی از آن تحت عنوان جنگ‌های داخلی فئودالی برگرفته از نهضت سربداران یاد کرده و در صفحات پایانی کتاب خویش اوراقی را به آن اختصاص داده.

در نتیجه‌گیری نهایی نیز نویسنده تمام نهضت‌های یاد شده در قرن چهاردهم را به لحاظ ترکیب اجتماعی، معتقدات و تمایلات به نهضت سربداران خراسان نزدیک و تا حدی انعکاس جنبش مزبور می‌داند و آخرین بند جمع‌بندی پطروشفسکی از کتاب خویش این‌که: «پس از مرگ تیمور ایران دوران جدیدی از نهضت آزادیبخش و جنبش‌های عامه مردم را پشت سر گذارد که طی آن افکار اشتراک اموال، و اتوپیها و اوهام دور و دراز اجتماعی بصورت شدیدتری - شدیدتر از نهضت‌های نیمه‌ی اول قرن چهاردهم - تجلی کرده بود.»<sup>1</sup>

#### **1-1-4- پرسش بنیادین:**

- مبانی نظری شکل‌گیری نهضت‌های شیعی - صوفی در قرون هفتم تا دهم هجری در ایران چیست؟

#### **1-1-5- مدعای اصلی:**

---

1 . همان ، ص 109 .

شکل‌گیری گفتمان جدید شیعی - صوفی در این دوران - که نه فقط به معنی تقریب دو اندیشه تشیع و تصوف که حاصل بازخوانی مجدد آن دو بود - و تلاش آن برای به حاشیه‌رانی رقیب، قیام‌های مورد نظر را موجب گشت.

### 6-1-1- عبارتهای مفهومی:

مبیین: شکل‌گیری گفتمان جدید شیعی - صوفی و تلاش گفتمان جدید برای به حاشیه‌رانی رقیب

متبیین: رخداد قیام‌های شیعی- صوفی قرون هفتم تا دهم ه.ق

### 7-1-1- سؤالات فرعی پژوهش:

- 1- گفتمان شیعی - صوفی چگونه شکل گرفت؟
- 2- زمینه‌های سیاسی - اجتماعی آن چه بود؟
- 3- زمینه‌های فکری - کلامی آن چه بود؟
- 4- هسته مرکزی گفتمان شیعی - صوفی چیست؟
- 5- تثبیت معنایی در گفتمان شیعی- صوفی چگونه محقق گردید؟
- 6- فرایند حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی گفتمان رقیب چگونه در قالب قیام‌های شیعی- صوفی قرون هفتم تا دهم هـ متبلور شد؟

### 8-1-1- پیش‌فرض‌های پژوهش:

- 1- گفتمان حاکم بر هر جامعه جهت‌دهنده کنش‌های اجتماعی آن جامعه است.
- 2- هر گفتمان جهت حفظ بقا و موجودیت خویش، ناچار از حذف گفتمان‌های رقیب است.
- 3- قیام مسلحانه از جمله شدیدترین ابزار حاشیه‌رانی رقیب در هر گفتمان است.

### **1-1-9- اهداف پژوهش:**

پژوهش پیش رو در صدد است ضمن بررسی و دریافت مبانی نظری قیام‌های شیعی- صوفی قرون هفتم تا دهم هجری، نمونه‌ای عملی از شیوه پژوهش تاریخی، با اتکا بر نظریه سیاسی نسبتاً نوظهور «گفتمان» را در اختیار پژوهشگران فرزانه در حوزه تاریخ و اندیشه قرار داده، زمینه رویکردی نو در پژوهش‌های تاریخی را فراهم آورد.

### **1-1-10- روش پژوهش:**

توصیفی - تحلیلی

### **1-1-11- روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها:**

کتابخانه‌ای

### **1-1-12- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها:**

روش تحلیل گفتمان که به طور مستقل در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

### **1-1-13- سازماندهی پژوهش:**

پژوهش پیش رو تلاش می کند در قالب چهار بخش اصلی و نیز فصل‌های متعددی به قرار زیر اثبات یا رد فرضیه مورد نظر را به آزمون بگذارد.

بخش نخست ناظر به کلیات تحقیق و مبانی نظری است. بخش دوم با عنوان «مبانی شکل‌گیری گفتمان شیعی - صوفی» خود شامل دو فصل است اولی تحت عنوان «مبانی سیاسی - اجتماعی شکل‌گیری گفتمان شیعی - صوفی» تأثیر هجوم مغول بر سه گفتمان تسنن، تشیع و تصوف را مورد بررسی قرار می دهد. دومی با عنوان «مبانی فکری - کلامی گفتمان یاد شده» تغییر زاویه دید علمای

شیعی به تصوف، تغییر زاویه دید بزرگان صوفی به تشیع و نیز ظهور چهره‌های برجسته شیعی - صوفی در قرون 7 تا 10 هجری را به تصویر می‌کشاند.

بخش سوم، «گفتمان شیعی - صوفی» نیز متشکل از 4 فصل است که به ترتیب گام‌های طی شده توسط سوژه گفتمانی و نظریه پرداز گفتمان شیعی - صوفی به منظور تثبیت و تسلط گفتمان یاد شده در جامعه مورد نظر را، مورد بررسی و مذاقه قرار می‌دهد:

طی گام نخست سید حیدر با بازخوانی دال‌های تصوف و تشیع و طرح مفهوم «مؤمن ممتحن» تلاش می‌نماید باورهای قبلی اهل تصوف و اهل تشیع را نسبت به یکدیگر درهم شکسته، ذهنیتی مثبت نسبت به هر گروه در اذهان دیگری ایجاد نماید. همچنین سید حیدر در این گام موفق می‌گردد افراد داخل در مدینه فاضله خویش را نه شیعیان جدا از تصوف و نه صوفیان دور از تشیع، بلکه همان مؤمنین ممتحن معرفی نماید.

گام دوم با عنوان تثبیت جایگاه تصوف از طریق بازخوانی دال‌های "شریعت"، "طریقت"، "حقیقت" و تعریف دال "شریعت محمدی"، در برگزیده مفصل بندی‌هایی است که سید حیدر از طریق آن می‌کوشد با ارائه سه لایه متفاوت از شریعت واحد محمدی، شیعیان را در نخستین لایه دین یعنی شریعت، صوفیان را در لایه زیرین شریعت یعنی طریقت و نهایتاً مؤمنین ممتحن را در بطن دین یعنی مرحله حقیقت قرار دهد. از این طریق وی ضمن برتر دانستن جایگاه صوفیان از شیعیان، ایشان را نیازمند شیعیان دانسته، نهایتاً پیروان گفتمان خویش را واصلان به حقیقت دین معرفی می‌نماید.

گام سوم پردازش هسته مرکزی گفتمان شیعی - صوفی: "دال ولایت" را بر عهده داشته، نشان می‌دهد که چگونه سیدحیدر به قطعیت بخشی ختم ولایت مطلق در حضرت علی X و ختم ولایت مقید در حضرت مهدی (عج) نائل می‌گردد.

گام چهارم نیز با مقایسه علوم اکتسابی و علوم ارثی و انتساب علوم اکتسابی به علمای اهل ظاهر یا همان شیعیان و علوم ارثی به علمای اهل باطن یا متصوفه، جایگاه تصوف نسبت به تشیع را برتری بخشیده، با ذکر مراتب سه گانه «اسلام»، «ایمان»، و «ایقان»، شیعیان را در مرحله اسلام، صوفیان را در مرحله ایمان و پیروان گفتمان شیعی - صوفی یا همان مؤمنین ممتحن را واصل به مرحله ایقان معرفی می‌نماید.

بخش نهایی این پژوهش نیز با عنوان «جمع‌بندی و نتیجه‌گیری» ضمن ارائه نمایی کلی از فرایند تحقیق نخست چگونگی تجلی فرایند حاشیه‌رانی رقیب سرسخت گفتمان شیعی - صوفی یعنی تسنن را در قالب جنبش‌های سربداران، مرعشیان و مشعشعیان به عنوان برجسته‌ترین قیام‌های شیعی - صوفی قرون هفتم تا دهم، به تصویر می‌کشد. سپس مروری دارد بر روند اثبات یا رد فرضیه ارائه‌شده در آغاز پژوهش.

### 1-1-14- معرفی و نقد برخی از مراجع محوری:

جامع‌الاسرار و منبع‌الانوار، با دو مقدمه از هنری کربن و عثمان اسماعیل یحیی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و انجمن ایرانشناسی فرانسه، 1347.

مؤلف این کتاب سید حیدر بن علی بن حیدر عبید حسینی آملی از خانواده بزرگ و شیعی سید آمل و متولد 719 و یا 720 هجری است. تا سال 750 ه. و سن 30 سالگی به مطالعه شریعت دوازده امامی پرداخته، همزمان وزارت آخرین فرمانروای سلسله باوندیان، فخرالدوله حسن بن شاه کیخسرو بن یزدگرد ساسانی را نیز به عهده داشت. لیکن در این سال و در اوج مکنّت و ثروت و افتخار، با ندایی از درون و دعوتی از جانب حق، به تمام داشته‌هایش پشت نموده، سیر باطنی خویش را با زیارت اماکن مقدسه شیعه، بیت‌المقدس و مکه آغاز می‌نماید.

شیخ نورالدین تهرانی، عارف بزرگ و زاهد بلندآوازه، مولانا نصیرالدین کاشانی حلی و فخرالمحققین شیخ فخرالدین محمد بن حسن بن مطهر حلی، از جمله استادانی هستند که سید حیدر دل در گرو ارادت ایشان سپرده، به کسب فیض از ایشان همت گمارد. "رابعه‌الخلافا" نخستین رساله‌ای است که سید حیدر با کسب اجازه از محضر فخرالمحققین در سال 761 هـ تحریر نموده و آخرین تاریخی که از سید حیدر بر جای مانده سال 787 هـ یعنی سال تحریر رساله "العلوم العالیه" است که در این سال شصت و پنج سال داشته است.

اینکه سید حیدر در چه سنی و در چه زمان و مکانی وفات یافته است، اطلاعی در دست نیست. لیکن از آثار علمی بر جای مانده از او و نیز از گزارش‌هایی که خود از خواب‌ها و رؤیاهایش ارائه می‌دهد، می‌توان به ابعادی از شخصیت وی پی برده از جمله اینکه از خیالی خلاق و توانی بالا

در مشاهده عالم معقول در مرتبه عالم مثال برخوردار بود. سید حیدر آملی یک شیعی امامی است که برای او تشیع، تمامی اسلام و باطن و حقیقت آن است. در این منظر شریعت، ظاهر حقیقت و حقیقت، باطن شریعت است و امامان معصوم، خود گنجینه و خازن این معرفت باطنی اند.

لیکن سید حیدر نه فقط یک شخصیت مذهبی بلکه با سابقه‌ای که از حضور وی در حکومت و منصب وزارت سراغ داریم، یک چهره سیاسی - حکومتی است و گرچه به ظاهر از حکومت و سیاست دست شسته، لیک اکنون در دیار غربت رسالتی را احساس می‌نماید که شاید اندکی پیش در عالم خواب و رؤیا به او تفویض گشته بود؛ با این تفاوت که این بار سید حیدر نه در مقام و منصب حکومتی، که در جامه درویشی و لباس پیغمبری، قلم به دست در متن جامع‌الاسرار و منبع‌الانوار، اتحاد جامعه مسلمین را رقم می‌زند.

در این کتاب سید حیدر ضمن سه اصل که هر یک شامل چندین قاعده است، سخن از باب توحید و اقسام آن را آغاز کرده، فضیلت توحید، تعریف توحید، تقسیم توحید و کیفیت توحید را طی چهار قاعده به طور مبسوط بیان می‌دارد؛ آنگاه ذیل قاعده چهارم به طرح و پاسخگویی شبهات وارد در مبحث توحید پرداخته، اشاره ای به تصوف و اسرار ولایت و امامت می‌نماید. اصل دوم، طی چهار قاعده شامل استشهاداتی است از کلام الله، کلام رسول الله، کلام اولیاء و نیز کلام مشایخ در باب حقیقت توحید. اصل سوم، تحت عنوان توابع و لواحق اسرار شریعت الهی، اساسی‌ترین بحث کتاب جامع‌الاسرار و به عبارتی جان سخن را در برگرفته، مبحثی است که سید حیدر در قالب آن به طور غیر مستقیم آنچه را که در فاتحه‌الکتاب به عنوان هدف اصلی نگارش جامع‌الاسرار عنوان نموده بود، تأمین می‌نماید.

قاعده اول در بیان شریعت، طریقت و حقیقت، همان حقیقت محمدی واحدی را که سید حیدر در صدد تأمین اتحاد مسلمین بر مبنای آن است به تصویر کشانده، با منسوب داشتن شریعت به اهل ظاهر، طریقت به اهل باطن و حقیقت به مؤمن ممتحن و تأکید بر نقص هر یک از مراتب دوگانه شریعت و طریقت بدون دیگری و عجزشان در درک حقیقت، تشیع بدون تصوف و تصوف بدون تشیع را محروم از حقیقت دین معرفی می‌نماید.

قاعده دوم در اسرار نبوت، رسالت و ولایت، به شرح جایگاه نبی، رسول و ولی پرداخته، آنگاه با تعیین خاتم اولیاء در دو سطح مطلق و مقید تلاش می‌نماید جایگاه امام علی  $X$  و حضرت مهدی (عج) را به عنوان خاتمان ولایت تثبیت نموده، باور به ارث برده صوفیان از ابن عربی در باب ولایت را درهم شکند؛ چیزی که در این پژوهش به طور مبسوط تحت عنوان هسته مرکزی گفتمان شیعی - صوفی مورد بحث واقع شده است.

قاعده سوم نیز در بیان وحی، الهام و کشف، ضمن تعریف مراتب هر کدام، بیان علوم کسبی و ارثی و بیان چگونگی کسب این دو علم در صدد است با کسبی دانستن علوم اهل ظاهر یا علمای شیعی و با ارثی دانستن علوم اهل باطن یا علمای صوفی، جایگاه صوفیان در نزد شیعیان را ارتقاء بخشیده، مانع از طرد و ردهایی شود که تاکنون از سوی شیعیان نسبت به صوفیان اعمال می‌گشت.

قاعده چهارم نیز با بیان مراتب اسلام، ایمان و ایقان، تدین شیعیان را اسلام و صوفیان را ایمان دانسته، شیعی - صوفیان یا همان مؤمنین ممتحن را تنها واصلان به مرتبه ایقان معرفی می‌نماید. در خاتمه سید حیدر با مرور مجدد آنچه در فاتحه‌الکتاب ذکر نموده بود، هدف خویش از نگارش کتاب جامع‌الاسرار را پاکسازی ذهن شیعیان از صوفیان و صوفیان از شیعیان از طریق معرفی صحیح اعتقادات هر یک از شیعه و صوفی به دیگری عنوان نموده، تلاش می‌نماید اثبات کند که شیعه راستین، غیر از صوفی پایبند به اصول و مؤمن حقیقی کسی جدای از این دو گروه نیست.

سید حیدر مباحث فوق را با چنان زیرکی و کیاستی مطرح نموده که به جرأت می‌توان اذعان داشت جامع‌الاسرار نه فقط یک کتاب اعتقادی صرف و آنگونه که نگارنده در فاتحه‌الکتاب بیان می‌دارد به منظور پاسخ‌گویی درخواست جماعتی از اخوان المسلمین پیرامون تشیع و تصوف بلکه بر طبق چیدمانی حساب‌شده و به عنوان متنی منطبق بر اسلوب و سازوکارهای گفتمانی تدوین گشته است. از این رو متن جامع‌الاسرار به عنوان سازمان‌یافته‌ترین متن نگارش یافته در قرون هفتم تا دهم هـ پیرامون بررسی عقاید دو گروه شیعه و صوفی و به منظور بررسی فرضیه ارائه شده در این پژوهش مورد تحلیل قرار گرفته است.

## 1-2- مبانی نظری



### 1-2-1- چارچوب مفهومی

اولین قدم‌ها در ایجاد نظریه گفتمان را **سوسور**، زبان شناسی سوئیسی، با طرح ساختارهای زبانی برداشت. هر چند مدت‌ها طول کشید تا نظریه وی برای فهم و توضیح فرایندهای اجتماعی به کار آید. سوسور زبان را نظامی از اصطلاحات مرتبط بدون ارجاع به زمان<sup>۱۲</sup> در نظر می‌گرفت و خصلت در زمانی<sup>۱۳</sup> و متحول آن را فرعی تلقی می‌کرد. در اینجا ساخت ثابت زبان مد نظر سوسور است که به عنوان شبکه‌ای از نشانه‌ها<sup>۱۴</sup>، که هر یک به دیگری معنا می‌دهند، در نظر گرفته می‌شود. زبان به این معنا با گفتار<sup>۱۵</sup> متفاوت می‌شود؛ گفتار عمل فردی است اما زبان امری اجتماعی است.<sup>۱۶</sup>

در این معنی هویت و معنای هر نشانه یا دال در زبان نه با ارجاع به جهان خارج بلکه در تمایز با نشانه‌های دیگر تثبیت می‌گردد. بنابراین نشانه‌ها هویتی ارتباطی دارند و در تمایز با دیگر نشانه‌ها در درون یک نظام معنایی معنا می‌یابند؛ برای مثال مفهوم پدر در تمایز با مادر، برادر، خواهر و ... درک می‌شود. سوسور زبان را به بازی شطرنج تشبیه می‌کند که هر نشانه، هویت و ارزش خود را در ارتباط با دیگری و در چارچوب یک نظام قواعد کسب می‌کند.<sup>۱۷</sup>

نظریه پردازان گفتمان نظریه سوسور در مورد هویت ارتباطی نشانه‌ها را می‌پذیرند، ولی تمایز دقیق زبان و گفتار را نمی‌پذیرند و معتقدند نشانه‌ها در کاربرد به معنا دست می‌یابند.

---

12 . Synchronic.

13 . diachronic.

14 . Langue.

15 . Parole.

16 . فردینال دو سوسور، دوره‌ی زبان شناسی عمومی، ترجمه کوروش صفوی، تهران: هرمس، 1378، ص 21.

17 . همان، ص 126.

هر نشانه بر اساس موقعیت‌های مختلف، معانی متعددی به دست می‌آورد. به همین دلیل در این نظریه تثبیت معنای نشانه موقتی و زمانمند است و ساخت زبان همواره در طی کاربرد تغییر می‌کند.

**لوی استروس** با استناد به نظریات سوسور، تحلیل ساختاری وی را به حوزه‌ی علوم اجتماعی تسری داد. در نظریات مردم شناسانه وی بر ساختارهای عمیق و ناآگاهانه ای تأکید می‌شود که اعمال و کنش‌های مختلف را در بر می‌گیرند و در زبان، اسطوره‌ها و نظام‌های طبقه بندی و تمایز گذاری مثل توتمیسم، نوع لباس و آداب و رسوم نمود پیدا می‌کنند. ساختار گرایی استروس کوششی برای یافتن ساختارهای غیر قابل تغییر یا کلیاتی صوری<sup>۱۸</sup> است که بازتاب دهنده‌ی ماهیت خرد آدمی‌اند.<sup>۱۹</sup>

برخی از متفکران مارکسیست نیز مجذوب ساختارگرایی شدند و این موضوع آن‌ها را به تحلیل ساختارهای کلان اجتماعی برانگیخت. **آلتوسر**، متفکر مارکسیست فرانسوی، مهمترین نظریه پرداز ساختار گرایی است که بر نظریه‌های گفتمان به خصوص در فهم از سوژه تأثیر گذاشته است. وی سوژه را مقهور ساختارهای ایدئولوژیک می‌دید و برای آن استقلال و آزادی عمل قائل نبود. به نظر او، ایدئولوژی، فرد را در موقعیت‌های خاص قرار می‌دهد<sup>۲۰</sup> و اعمال خاص ناشی از این موقعیت از فرد انتظار می‌رود. ساختارگرایی گرچه خود در نقد پوزیتیویسم موفقیت‌های بسیاری داشت، اما تأکید بر اولویت ساختارها و خصلت بسته و تثبیت شده‌ی آن‌ها و نیز عدم تاریخ مندی ساختارها و خصلت محافظه کارانه‌ی این نظریه ضعف‌هایی بود که آن را به تدریج به حاشیه‌راند. ضعف‌هایی که نظریه سوسور نیز با آن مواجه بود.

**ژاک دریدا** با تأکید بر ضعف‌های نظریه سوسور و ساختارگرایی، پسا ساختارگرایی را مطرح کرد. شالوده شکنی<sup>۲۱</sup> مهمترین مفهومی است که دریدا مطرح می‌کند. این مفهوم به معنای جست و جوی نهادها و بنیادها و ساختار شکنی سنت و کشف عناصر سازنده‌ی آن است.<sup>۲۲</sup> شالوده شکنی نشان می‌دهد که چگونه گفتمان‌های استعلایی از درون آسیب پذیرند و موجودیت و هویت خود را مدیون غیریت و تقابل با دیگری هستند.<sup>۲۳</sup>

---

#### 18 . Formal universals.

19 . محمد ضمیران، ژاک دریدا و متافیزیک حضور، تهران: هرمس، 1379، ص 134.

#### 20 . interpellation.

#### 21 . Deconstruction.

22 . همان، ص 44.

23 . محمد ضمیران، نیچه پس از هایدگر، دریدا و دولوز، تهران: هرمس، 1382، ص 272.

هدف دریدا رفع ضعف‌های نظریه سوسور با شالوده شکنی تمایز مفهومی دقیق سوسور بین نوشته و گفتار و دال و مدلول و همچنین نقد کاربرد ساختارگرایی سوسور در علوم اجتماعی است. دریدا نظریه سوسور در مورد اولیت گفتار بر نوشتار را همچون سایر تمایزات دوگانه در اندیشه‌ی غربی مردود می‌شمارد.<sup>۲۴</sup> دریدا می‌گوید اگر غیر طرد شده برای تعریف ماهیت ضروری است پس خود بخشی از هویت آن را تشکیل داده است. بنابراین مفاهیم با غیر خود معنا می‌یابند و غیر، جزئی از هویت آن‌ها تلقی می‌شود. وی از بحث‌های پدیدار شناسی و هرمنیوتیکی برای شناخت و تحلیل زبان استفاده می‌کند و مفاهیم جدیدی را ارائه می‌دهد.<sup>۲۵</sup>

در اندیشه‌های دریدا مفهوم سوژه‌ی انسانی نقش می‌بازد. انسان در درون و محدوده‌ی ساختارهای موجود و از جمله زبان عمل می‌کند. در واقع انسان زبان را نمی‌سازد و آن را برای فهم جهان به کار نمی‌گیرد، بلکه زبان فهم انسان را شکل می‌دهد.<sup>۲۶</sup>

اندیشمند دیگری که تحولی اساسی در مفهوم گفتمان به وجود آورد **میشل فوکو** است. فوکو دو برداشت نسبتاً متفاوت تحت عنوان دیرینه شناسی و تبارشناسی ارائه می‌کند. نظریه گفتمان فوکو بخشی از نظریه دیرینه شناسی اوست. از منظر فوکو گفتمان از تعداد محدودی گزاره تشکیل شده که برای ظهور آن‌ها شرایط خاصی می‌تواند تعریف شود. گفتمان در این معنا ابدی و آرمانی نیست و از ابتدا تاریخی و زمان مند است.

به نظر او حقیقت محصول گفتمان‌هاست و نظام‌های مختلف معرفت تعیین می‌کند که چه چیزی درست و چه چیزی غلط است، لذا جست و جوی حقیقت ناب بیرون از گفتمان‌ها بیهوده است. هدف فوکو جست و جوی نظام‌های مختلف دانش و گفتمان‌ها و قواعدی است که تعیین می‌کنند چه چیزی را باید گفت یا نباید گفت و کدام درست و کدام غلط است.<sup>۲۷</sup>

همچنین فوکو می‌کوشد گزارش‌های انسان محور از گفتمان را طرد کند، زیرا به تعداد اینها یک سوژه بنیان‌گذار را به عنوان منشأ گفتمان مطرح می‌کنند که عامل تداوم و هویت آن نیز محسوب می‌شود، در حالیکه چنین سوژه‌ای وجود ندارد.

---

24 . مایکل پین، لاکان، دریدا، گریستوا، . ترجمه‌ی پیام یزدان جو، تهران: نشر مرکز، 1380، ص 198.

25 . **Howath,D**, Discourse, Open university press, **P.43**.

26 . **Ibid**.

27 . محمد ضمیران، میشل فوکو، دانش و قدرت، تهران: هرمس، 1378، ص 48.

فوکو همچنین به فرایندهای تولید گفتمان اشاره می‌کند. در طی این فرایندها برخی از گفتمان‌ها، ممنوع یا سرکوب و برخی دیگر پذیرفته می‌شوند. گفتمان‌ها در این فرایند به مستدل و نامستدل و درست و غلط تقسیم می‌شوند و در طی فرایندی که فرایند معطوف به حقیقت نامیده می‌شود گفتمان‌های درست بر غلط ترجیح داده می‌شوند. هدف فوکو در اینجا کشف قواعدی است که در تعیین گزاره‌ها به عنوان درست و غلط نقش دارند. فوکو در آثار متأخر خود به تبارشناسی رو می‌آورد. در اینجا وی عمدتاً به رابطه‌ی قدرت، دانش و حقیقت می‌پردازد و می‌کوشد خصلت قدرت محور گفتمان‌های حاکم را بسط دهد. به نظر فوکو قدرت را نباید به نهادهای سیاسی محدود کرد؛ قدرت در تمام جامعه جاری است و نقشی مستقیماً مولد ایفا می‌کند.<sup>۲۸</sup> فوکو در تبار شناسی، پیدایش علوم اجتماعی و بسط آن‌ها را با قدرت پیوند می‌زند. به نظر او دانش عمیقاً با روابط قدرت درآمیخته و همپای پیشرفت در اعمال قدرت پیش می‌رود؛ به عبارت دیگر هر جا قدرت اعمال شود دانش نیز تولید می‌شود.<sup>۲۹</sup>

از این منظر علوم انسانی در درون شبکه روابط قدرت شکل گرفته‌اند و در مقابل، خود به پیشبرد تکنولوژی‌های قدرت یاری رسانده‌اند. بنابراین فوکو می‌کوشد تا روابط متقابل قدرت و دانش را بررسی کند.

**لاکلا و موفه** نیز دو متفکر هستند که نظریه خود را با استفاده از سنت مارکسیستی به خصوص اندیشه‌های گرامشی و ساختارگرایی آلتوسر و پسا ساختارگرایی دریدا و فوکو اولین بار در کتاب هژمونی و استراتژی سوسیالیستی در سال 1985 بسط دادند.

هدف لاکلا و موفه استفاده از روش گفتمانی برای تبیین جامعه معاصر و ارائه استراتژی رادیکال دموکراسی به عنوان راهبردی مطمئن برای احزاب و متفکران چپ در دنیای معاصر است. آن‌ها بر ارزش‌های لیبرال دموکراسی همچون آزادی و برابری تأکید می‌کنند و معتقدند به جای طرد این ارزش‌ها باید سرمایه داری را به عنوان نظام سلطه‌ای که امکان تعمیق این ارزش‌ها را از بین برده است به نقد کشید.<sup>۳۰</sup>

---

28 هیوبرت دریفوس، میشل فوکو، فرا سوي ساخت گرايي و هرمنیوتیک، ترجمه‌ي حسین بشیریه، تهران: نشر نی، 1376، ص 312.  
29. همان، ص 24.

30. Laclau, E and Mouffe, C, Hegemony and Socialist Strategy (2001) London: Uerso, Second edition, P.XV.

تا پیش از این تصور همگان بر این بود که طبقات پدیده‌های عین و ضروری اند و هویت فرد را کاملاً تثبیت می‌کند. از گرامشی مفهوم هژمونی به عنوان یک فرایند سیاسی که عناصر مختلف را مفصل بندی می‌کند و هویت‌ها را شکل می‌دهد وارد اندیشه مارکسیستی شد. فرایند هژمونی فرایند تثبیت موقت هویت‌ها بود.<sup>31</sup>

لاکلا و موفه نظریه خود را بر بسط مفهوم هژمونی و پیامدهای آن متکی می‌کنند و از طریق بسط این مفهوم به این نتیجه می‌رسند که هویتی که به کارگزاران اجتماعی داده می‌شود تنها با مفصل بندی درون یک صورت بندی هژمونیک به دست می‌آید و هیچ ثبات و عینیتی ندارد. فرایند هژمونی و صورت بندی‌های هژمونیک نیز خود موقتی اند و لذا هیچگاه جامعه به تثبیت نهایی نمی‌رسد.

بنابراین تأکیدی که مارکسیسم بر کارگران به عنوان کارگزاران سوسیالیسم می‌گذاشت در منطق هژمونی رنگ می‌بازد؛ هیچ ارتباط ضروری میان سوسیالیسم و موقعیت کارگزاران اجتماعی در روابط تولید وجود ندارد. همچنین در تحولات تاریخی نیز هیچ گونه قانون ضروری وجود ندارد. جهت گیری تاریخ را نمی‌توان پیش‌بینی کرد. همه چیز بستگی به صورت بندی‌های هژمونیک سیاسی دارد که نزاع‌ها و تقاضاهای مختلف اجتماعی را در درون خود مفصل بندی می‌کنند و به آنان جهت می‌دهند. منطق نظریه هژمونی نفی سوژه‌های تاریخی است که کارگزار تحولات اجتماعی تلقی می‌شدند. بنابراین لاکلا و موفه با استفاده از نظریه گرامشی و مفهوم هژمونی، نظریه گفتمانی خود را توضیح می‌دهند. در ادامه تبیین این نظریه را با مفاهیم اصلی آغاز می‌کنیم.

---

31 . Laclau, E, Butler, J. Zizek, S, Contingency, Hegemony, Universality, London: Verso, 2000, PP. 53-57.

## 1-2-2- چارچوب نظری:

از آنجا که این پژوهش درصدد است پاسخ پرسش مورد نظر خویش را از دل نظریه گفتمان و در چارچوب تحلیل گفتمانی جستجو نماید، ضروری است پیش از هر چیز نمایی کلی از بازخوانی نظریه گفتمان از دریچه ذهن لاکلا و موفه ارائه نموده، مفاهیم مورد نیاز در تحلیل پیش رو را از آن استخراج کنیم.

از نظر لاکلا و موفه گفتمان<sup>۳۲</sup> مجموعه‌ای معنادار از دال‌های به هم مرتبط است که معنای خود را از صورت-بندی گفتمانی و در تمایز با گفتمان‌های مخالف به دست آورده است.<sup>۳۳</sup> بی‌شک اینکه صورت‌بندی گفتمانی چیست و گفتمان مخالف کدام است، امری است که به جای خود به آن خواهیم پرداخت، لیکن نکته مهم اینکه تصور و فهم انسان از واقعیت و جهان ناشی از گفتمان‌ها همواره نسبی است.<sup>۳۴</sup> از این منظر نه فقط زبان که تمام حوزه اجتماعی زندگی انسان گفتمانی است. تحلیلگر گفتمانی با مجموعه‌ای وسیع از داده‌های زبانی و غیر زبانی همچون هر عمل و رویداد اجتماعی مواجه است. اقتصاد، سیاست، حقوق، قانون و... نه تنها مقولاتی گفتمانی پنداشته می‌شوند که خود ابزاری برای ظهور و استمرار یک گفتمان به حساب می‌آیند. لذا با تمایز قائل نشدن میان امور گفتمانی و غیرگفتمانی، این امکان حاصل می‌شود که بتوان هر دوی این‌گونه اعمال را در قالب یک نظریه توصیف و تبیین کرد.<sup>۳۵</sup>

بر اساس دیدگاه لاکلا و موفه گفتمان فضایی است که انسان‌ها فقط در آنجا دنیای پیرامون خود را درک نموده، به واسطه فهمی که گفتمان به آنها ارائه می‌دهد اعمال و رفتار اجتماعی خویش را صورت می‌دهند. لذا تحلیل گفتمان صرفاً تحلیل کارکردها و تأثیرات ایدئولوژیک زبان نبوده، تحلیل همه پدیده‌های اجتماعی از جمله زبان را شامل می‌شود.<sup>۳۶</sup> در این منظر سیاست<sup>۳۷</sup> مجموعه‌ای از اعمال گفتمان‌ها و نهادهایی است که به منظور

---

### 1. Discourse

33 . سید محمدعلی حسینی‌زاده، "نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی"، فصلنامه علوم سیاسی، ش 28، 1383، ص 181.

34 . همان، ص 189.

35 . سید علی‌اصغر سلطانی، قدرت، گفتمان و زبان؛ سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر نی، 1384، ص 106.

36 . همان، ص 107.

### 2-political

ایجاد نظم خاص و سازماندهی اجتماع، درصدد طرد و غلبه بر جایگزین‌های احتمالی خود برآمده، تثبیت ولو موقت گفتمان مورد نظر خویش را هدف قرار می‌دهد.<sup>۳۸</sup>

به منظور درک روشن‌تر از فرآیند تثبیت گفتمان‌ها و صورت‌بندی امور اجتماعی به واسطه هر گفتمان، مفاهیم پرکاربرد نظریه گفتمان را معرفی نموده به طور مختصر شرحی پیرامون هر یک ارائه می‌دهیم:

**گفتمان:** حوزه‌ای که مجموعه‌ای از نشانه‌ها در آنجا به صورت شبکه‌ای درآمده معنایشان تثبیت می‌شود. تلاش برای تبدیل عنصر به وقته.<sup>۳۹</sup>

**وقته<sup>۴۰</sup>:** هر دال، نشانه و یا عنصری که وارد این شبکه گفتمانی شده و با عمل مفصل‌بندی با نشانه‌های دیگر جوش بخورد، یک وقته است.<sup>۴۱</sup>

**مفصل‌بندی<sup>۴۲</sup>:** هر عملی که میان عناصر پراکنده ارتباط برقرار کند، به نحوی که هویت و معنای این عناصر در نتیجه این عمل اصلاح و تعدیل شود.<sup>۴۳</sup> به عبارت دیگر «گردآوری عناصر مختلف و ترکیب آنها در هویتی نو»<sup>۴۴</sup>

**عنصر<sup>۴۵</sup>:** دال‌های شناوری که در حوزه گفتمان‌گویی و دارای چندگانگی معنایی می‌باشند.<sup>۴۶</sup>

**دال شناور<sup>۴۷</sup>:** نشانه‌هایی که هنوز معنای آنها تثبیت نشده و گفتمان‌های مختلف در تلاشند آنها را به شیوه خاص خودشان معنا بخشند.<sup>۴۸</sup>

**حوزه گفتمان‌گویی<sup>۴۹</sup>:** محفظه‌ای از معانی اضافه و بالقوه در بیرون از منظومه گفتمانی خاص که بوسیله آن طرد شده و مواد خامی برای مفصل‌بندی‌های جدید محسوب می‌شوند. به بیان دیگر «معانی‌ای که از یک گفتمان

---

38 . سید محمدعلی حسینی زاده ، ص 196 .

39 . سید علی اصغر سلطانی ، ص 76 .

## 5 - Moment

41 . همان .

## 7-Articulation

43 . سید محمدعلی حسینی زاده ، ص 189 .

44 . دیوید هوارث، "نظریه گفتمان"، فصلنامه علوم سیاسی، ترجمه سید علی اصغر سلطانی، ش 2، 1377، ص 163 .

## 4-Element

46 . همان؛ سید علی اصغر سلطانی، ص 79 .

## 6-Flating Signifier

48 . سید محمدعلی حسینی زاده، همان؛ سید علی اصغر سلطانی، همان .

## 5-Field of discursivity

سرریز می‌شوند.»<sup>۵۰</sup> معانی‌ای که یک نشانه در گفتمان‌های دیگر داشته ولی به منظور حفظ انسجام معنایی گفتمان مورد نظر، از آن حذف و طرد می‌شوند.<sup>۵۱</sup>

**دال مرکزی**<sup>۵۲</sup>: «نشانه برجسته و ممتازی که سایر نشانه‌ها در اطراف آن نظم گرفته، مفصل‌بندی می‌شوند.»<sup>۵۳</sup> همان هسته مرکزی منظومه گفتمانی.<sup>۵۴</sup>

**انسداد و توقف معنایی**<sup>۵۵</sup>: تقلیل معانی متعدد یک نشانه به معنایی ثابت و برطرف شدن ابهام معنایی آن نشانه، که البته همواره امری موقتی و نسبی است.<sup>۵۶</sup>

**هژمونی**: پذیرش معنای یک نشانه در سطح وسیعی از افکار عمومی و حصول انسداد معنایی آن.<sup>۵۷</sup> روند تولید معنا.<sup>۵۸</sup>

**تولید معنا**: مهم‌ترین اقدام گفتمانی و ابزاری برای ثبات روابط قدرت.<sup>۵۹</sup> مقدمه‌ای برای قیام مردم علیه شرایط موجود.<sup>۶۰</sup>

**اعمال هژمونیک**: تلاش پروژه‌های سیاسی برای تثبیت گفتمان‌های محدود و معین.<sup>۶۱</sup>

**شرط بروز اعمال هژمونیک**: وجود خصومت و نیروهای متخاصم؛ بی‌ثباتی مرزهایی که این نیروها را متمایز می‌کند.<sup>۶۲</sup>

---

50 . سید محمدعلی حسینی‌زاده ، ص 190 .

51 . سید علی‌اصغر سلطانی، صص 77 و 78 .

## 9-Nodal point

53 . همان؛ سید محمدعلی حسین‌زاده ، ص 190 .

54 . همان .

## 11-Closure

56 . همان .

57 . سید علی‌اصغر سلطانی، ص 83 .

58 . سید محمدعلی حسینی‌زاده ، ص 194 .

59 . سید علی‌اصغر سلطانی، همان .

60 . همان، ص 84 .

61 . سید محمدعلی حسینی‌زاده ، همان .

62 . همان .



مداخله هژمونیک: «مفصل‌بندی‌ای که وضعیت غیر مبهمی را به کمک زور بازسازی نموده، ... موجب امحاء

گفتمان‌های متخاصم و ایجاد یک گفتمان جدید می‌شود.»<sup>۶۳</sup>

هژمونیک شدن گفتمان: موفقیت گفتمان در تثبیت معانی مورد نظر خود.<sup>۶۴</sup> با هژمونیک شدن دال‌های

یک گفتمان کل آن گفتمان به هژمونی دست پیدا می‌کند.<sup>۶۵</sup>

سیاست: سازمان‌دهی جامعه به شیوه‌ای خاص و به گونه‌ای که دیگر شیوه‌های ممکن را نفی و طرد نماید.<sup>۶۶</sup>

عینیت: نتیجه تاریخی فرایندها و نزاع‌های سیاسی. گفتمان رسوب کرده.<sup>۶۷</sup>

قدرت: چیزی که اجتماع را تولید می‌کند، دانش، هویت و موقعیت فردی و اجتماعی را شکل می‌دهد.<sup>۶۸</sup>

امکانیت و تصادف<sup>۶۹</sup>: فقدان قانون‌های عینی تحول تاریخی و نفی ضرورت، تصادفی دیدن پدیده‌های تاریخی

که ناشی از وابستگی آنها به مفصل‌بندی هژمونیک است.<sup>۷۰</sup> اینکه شرایط وجود هر ماهیت در بیرون موجود است،

همواره این احتمال را باقی می‌گذارد که گفتمان‌های مسلط تضعیف‌شده و در پس آن تعداد فزاینده‌ای از عناصر

اجتماعی به دال‌های شناور تبدیل شوند و در معرض گفتمان‌های جدید قرار گیرند.<sup>۷۱</sup>

خصومت<sup>۷۲</sup>: رابطه یک پدیده با چیزی در بیرون که نه تنها موجب شکل‌گیری و انسجام آن پدیده که در

عین حال عامل تهدید و فروپاشی آن است. خصومت از یک سو مانع شکل‌گیری و تثبیت گفتمان‌هاست، از سوی

دیگر سازنده هویت و عامل انسجام گفتمانی است.<sup>۷۳</sup>

---

63 . سید علی‌اصغر سلطانی ، ص 94 .

64 . سید محمدعلی حسینی‌زاده ، همان ؛ سید علی‌اصغر سلطانی، ص 83 .

65 . همان .

66 . همان ، ص 86 .

67 . همان .

68 . سید محمدعلی حسینی‌زاده ، ص 195 ؛ سید علی‌اصغر سلطانی، ص 87 .

#### 7-Contingency

70 . سید محمدعلی حسینی‌زاده ، ص 190 .

71 . همان ، ص 195 .

#### 4-Antagonism

73 . همان ، ص 192 .

**غیر یا بیرون سازنده**<sup>۷۴</sup>: معنایی از یک دال یا نشانه که از گفتمان مورد نظر طرد شده و در گفتمان رقیب

مورد پذیرش است. چیزی در خارج از هویت که خود باعث شناختن هویت داخلی می‌گردد.<sup>۷۵</sup>

**منطق هم‌ارزی**: «منطق ساده‌سازی فضای سیاسی»،<sup>۷۶</sup> چینش هویت‌های مرتبط به صورت خطی در کنار

هم و در مقابل با هویت‌های منفی دیگری که به نظر، تهدیدکننده آنها هستند.<sup>۷۷</sup> تلاش برای کاهش دادن تمایزات

و منسجم نمودن نیروها در مقابل غیر و یا همان خصم از طریق مفصل‌بندی‌های جدید.<sup>۷۸</sup>

**منطق تفاوت**: تلاش برای به هم ریختن زنجیره‌های هم‌ارز از طریق تأکید بر تمایزات و مرزهای موجود میان

نیروهای منسجم، تأکید بر خصلت‌های متکثر جامعه.<sup>۷۹</sup>

**زنجیره هم‌ارزی**<sup>۸۰</sup>: مجموعه دال‌هایی که به خودی خود بی‌معنا بودند اما با قرار گرفتن در کنار سایر نشانه‌ها

از طریق عمل مفصل‌بندی، خصلت‌های متفاوت و معناهای رقیب خود را از دست داده، در معنایی که گفتمان

جدید ایجاد نموده منحل گشته‌اند.<sup>۸۱</sup>

**هویت**: «موقعیتی که در درون گفتمان‌ها به فرد یا گروه اعطا می‌شود.»<sup>۸۲</sup> از آنجا که هویت‌ها تنها در پرتو

غیر یا خصم شکل می‌گیرند لذا همواره متزلزل و ناپایدارند.

**سوژه و موقعیت سوژگی**: از نظر لاکلا و موفه سوژه به عنوان شخصیتی عاقل، شفاف و خودآگاه که منشأ

روابط اجتماعی و سازنده نهادها و اشکال اجتماعی تلقی شود، وجود ندارد. بلکه همواره تکثری از موقعیت‌ها و

گفتمان‌ها وجود دارد که انسان در آنها می‌تواند به هویت دست یابد و بر اساس آن دست به عمل بزند، لذا در این

نظریه موقعیت‌های سوژگی جایگزین مفهوم سوژه در نظریات عقل‌گرا و تجربه‌گرا می‌شود. لیکن نکته مهم اینکه

---

## 6-Constitutive outside

75 . سید علی‌اصغر سلطانی، ص 112.

76 . سید محمدعلی حسینی‌زاده، ، صص 191 و 192.

77 . همان، صص 92 و 93.

78 . همان.

79 . همان؛ سید محمدعلی حسینی‌زاده، ص 192.

## 2-Chain of equivalence

81 . همان.

82 . سید محمدعلی حسینی‌زاده، ص 192.

در نظریه لاکلا و موفه سوژه در شرایط خاص از نوعی استقلال و اختیار برخوردار است و این نیست مگر به دلیل خصلت امکانی و تصادفی بودن گفتمان‌ها و جوامع و بروز نوعی تزلزل و بحران همیشگی در آنها.<sup>۸۳</sup> در واقع هنگامی که گفتمان‌ها دچار تزلزل گشته، توانایی اعطای هویت به عاملان اجتماعی را از دست می‌دهند، افراد به عنوان رهبران، سیاست‌مداران و متفکران بزرگ در نقش سوژه سیاسی ظاهر گشته، نه "در درون" گفتمان که "در مورد" گفتمان تصمیم‌گیری نموده، مفصل‌بندی‌های جدید را ایجاد می‌نمایند.<sup>۸۴</sup>

**برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی:** فرایندی که طی آن گفتمان‌ها نقاط قوت خود و وجوه ضعف دشمن را برجسته نموده نقاط ضعف خویش و جنبه‌های مثبت گفتمان رقیب را به حاشیه می‌رانند.

### چگونگی بروز و ظهور گفتمان‌ها:

به نظر لاکلا برای بازنمایی و تبیین یک فضای اجتماعی پیش از هر چیز ضروری است به طرح فضایی پردازیم که دارای وجهی استعاری و اسطوره‌ای باشد. «اسطوره نوعی بازنمایی و تبیین شرایط بی‌قرار اجتماعی است» که می‌کوشد با ارائه پاسخی مناسب به بحران موجود، فضای اجتماعی را به شکل آرمانی بازسازی نموده، از طریق مفصل‌بندی مجدد دال‌های متزلزل، یک عینیت جدید اجتماعی فراهم آورد.<sup>۸۵</sup>

در شرایط بحرانی سوژه‌ها ظهور کرده، به طرح فضایی اسطوره‌ای پرداخته و آنگاه که اسطوره‌ها به گفتمان عینیت یافته بدل می‌گردند سوژه‌ها نیز به موقعیت سوژگی تقلیل می‌یابند. به عبارت دیگر حوزه اسطوره‌ای که توسط سوژه‌ها ساخته و پرداخته می‌گردد شکل منطقی مشابهی با ساختار موجود نداشته، به عنوان نقد و جایگزینی بر آن به شمار می‌رود.<sup>۸۶</sup>

از این رو هر گفتمان نوظهور برای یافتن وجهی اسطوره‌ای ضروری است «از سطح بی‌قراری‌ها و تقاضاهای موجود فراتر رفته، شکلی استعاری به خود گیرد». از آنجا که در جامعه تقاضاها متنوع و گوناگون بوده امکان بازنمایی تمامی آنها توسط یک گفتمان موجود نمی‌باشد، گفتمان ناچار به فاصله گرفتن از واقعیات یا همان تقاضاهای خاص، و جهان شمول نشان دادن خود با توسل جستن به استعاره است. لذا می‌توان گفت «زمانی یک گفتمان فراگیر و مسلط می‌شود که عام و جهان‌شمول به نظر آید.»<sup>۸۷</sup> از نظر لاکلا ظهور گفتمان‌های جدید از آنرو

83 . همان، صص 192 و 193؛ سید علی‌اصغر سلطانی، صص 91 - 87.

84 . سید محمدعلی حسینی‌زاده، ص 193.

85 . سید محمدعلی حسینی‌زاده، ص 200.

86 . همان.

87 . همان.

ممکن است که شکاف و فاصله میان تقاضاها و بی‌قراری‌های ساختار متزلزل موجود و فضای اسطوره‌ای که گفتمان جدید مدعی ایجاد آن است، همواره عمیق است.<sup>۸۸</sup>

چگونگی تبدیل اسطوره به گفتمان مسلط را لاکلا با بکارگیری دو مفهوم بیان می‌نماید: یکی قابلیت دسترسی<sup>۸۹</sup> و دیگر قابلیت اعتبار؛<sup>۹۰</sup> اینکه یک گفتمان در شرایط بی‌قرار اجتماعی، خود را به عنوان تنها برقرارکننده نظم و آرامش مورد نیاز جامعه، در دسترس نشان دهد، کافی است تا پیروزی آن گفتمان خاص را تضمین کند. این کفایت از آن روست که میان محتوای بی‌قراری‌های موجود و اسطوره‌ای که به بازنمایی آن می‌پردازد، هیچ مقیاس مشترکی وجود نداشته، اهمیت محتوای گفتمان، ثانویه است. به عبارت دیگر در شرایط بی‌نظمی و بحران، همگان در جستجوی نظم و آرامش بوده، گفتمانی را طلب می‌کنند که این تحفه را به ارمغان آورد و اینکه محتوای واقعی این نظم چیست؟ دغدغه‌ای ثانویه خواهد بود.<sup>۹۱</sup> لذا امکان هویت‌یابی و تسلط یک گفتمان بیش از آنکه در گرو خصوصیت‌ها یا محتوای واقعی آن باشد به توان آن در تضمین و برقراری نظم و تداوم اجتماعی بستگی داشته، این توانایی است که افراد را جذب می‌نماید. در واقع گفتمان‌ها، با انگشت نهادن بر روی دال‌های خالی است که می‌توانند اعتبار و تسلطی دوجندان برای خود جلب نمایند. دال‌های خالی بیانگر چیزهای غایب و بازنمای وضعیت مطلوب و آرمانی هستند. به عنوان مثال در شرایط بی‌نظمی، نظم دالی است که حکایت از امر غایب و تقاضای عموم دارد.

**قابلیت اعتبار** به آن معنی است که «اصول پیشنهادی گفتمان نباید با اصول بنیادین جامعه ناسازگار باشد.»<sup>۹۲</sup> به عبارت دیگر، گرچه اصول و اساس جامعه بحران‌زده تا حد زیادی پراکنده و شکسته شده است، لیکن گفتمان جدید اجازه ستیز با تنها باقی‌مانده‌های اصول گفتمان پیشین را نداشته، می‌بایست برخوردی مسالمت آمیز با آن داشته باشد.<sup>۹۳</sup>

---

88 . همان .

89 . availability

90 . credibility

91 . همان ، صص 200 و 201 .

92 . همان ، ص 201 .

93 . همان ، ص 202 .

در باب **ضعف و اضمحلال گفتمان‌ها** نیز باید گفت همان عامل تقویت و تسلط گفتمان، خود منبع ضعف آن به شمار رفته، وجه استعاری و اسطوره‌ای هر گفتمان از آنجا که نمایانگر کمال و آرمانی بی نقص است، پاسخ-گویی به تمامی بحران‌ها و تقاضاهای جامعه را وعده می‌دهد؛ امری که در عمل هرگز ممکن نبوده، پس از اندکی خلف وعده‌اش را برملا می‌گرداند.<sup>۹۴</sup>

درواقع وقتی گفتمان مسلط نتواند خواسته‌های تمام جامعه را برآورده سازد، به تدریج رو به زوال نهاده فضا برای ظهور دیگر اسطوره‌های مدعی کمال فراهم می‌گردد.<sup>۹۵</sup>

گفتیم که هویت‌یابی سوژه به واسطه وجود تعارض میان درون و بیرون همچون شیوه معنایابی یک نشانه از طریق بیرون سازنده است. درواقع نشانه همواره در تعارض با بیرونی است که هم موجب توقف و انسداد معنایی آن نشانه و هم پیش‌شرطی برای شکل‌گیری هویت درونی آن نشانه است. درواقع هر یک از درون و بیرون نسبت به دیگری، غیر و خصم به شمار رفته، به عبارت دیگر، سوژه‌ها و نشانه‌ها برای هویت‌یابی همواره نیازمند یک غیر و یا دشمن خارجی می‌باشند.<sup>۹۶</sup>

هویت‌جمعی و گروهی نیز دقیقاً همانند هویت سوژه یا هر نشانه دیگر به واسطه غیریت‌سازی اجتماعی ایجاد می‌شود. هر گفتمان برای هویت‌یابی ناگزیر محتاج به گفتمان رقیب بوده، به ناچار شروع به جستجو و یا حتی تولید دشمن برای خود می‌کند. در اکثر موارد گفتمان‌ها بیش از یک غیر داشته، برای هویت‌یابی خود از مجموعه‌ای متعدد از غیریت‌ها بهره می‌جویند. به طوری که گاه می‌توان میان غیر داخلی و غیر خارجی تفاوت قائل شد.<sup>۹۷</sup>

پرسش اساسی در این میان اینکه وقتی سوژه‌ها در موقعیت‌های سوژگی گفتمان‌ها قرار می‌گیرند، چگونه عمل نموده، دیگر گفتمان‌ها چه تأثیراتی بر ذهن، کردار و گفتار سوژه وارد می‌آورند؟!

براساس نظریه لاکلا و موفه گفتمان‌ها ذهنیت سوژه را در راستای دو قطب "ما" و "آنها" سامان داده، بر این اساس کلیه رفتار و کردار و گفتار سوژه به گونه‌ای شکل می‌گیرد که تمامی پدیده‌ها را در قالب دوگانه "ما"، "آنها" ریخته، این رفتار و گفتار به صورت برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی متجلی می‌گردد. "ما" برجسته و "آنها" به حاشیه رانده می‌شوند.<sup>۹۸</sup>

---

94 . همان .

95 . همان .

96 . سید علی اصغر سلطانی، ص 110.

97 . همان، ص 111.

98 . همان، ص 112.

## برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی — غیریت‌سازی — هویت‌یابی

قدرت موجود در پس یک گفتمان همزمان که با مفصل‌بندی دال‌های مورد نظر بر حول دال مرکزی سعی در هژمونیک نمودن آن دال‌ها و ایجاد اجماع نسبت به آن گفتمان می‌نماید، همزمان با ساختارشکنی<sup>۹۹</sup> دال مرکزی گفتمان رقیب، مدلول‌ها را از دال‌ها جدا و در نتیجه هژمونی‌اش را در هم می‌شکند.<sup>۱۰۰</sup>

نکته دیگری که ذکر آن ضروری به نظر می‌رسد اینکه برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی به دو شکل نرم‌افزاری و سخت‌افزاری بروز و ظهور یافته، نوع نرم‌افزاری آن در قالب زبان، اعم از گفتار یانوشتر و نوع سخت‌افزاری آن به صورت‌های مختلفی چون قیام، شورش، تظاهرات، اعدام، حبس، ترور و ... بروز می‌نماید.<sup>۱۰۱</sup>

این دو نوع برجسته‌سازی رابطه‌ای تنگاتنگ داشته، به عنوان عامل تقویت‌کننده هم و در یک راستا مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر می‌توان گفت کل حوزه اجتماع و پدیده‌های اجتماعی عرصه برجسته‌سازی‌ها و حاشیه‌رانی‌های میان گفتمان‌ها به شمار می‌رود.

### جمع‌بندی

بر اساس چارچوب ارائه شده، در این پژوهش سعی می‌شود مرزبندی‌ها و غیریت‌سازی‌هایی را که سید حیدر آملی میان گفتمان «شیعی - صوفی» به عنوان «ما» و دو گفتمان «تشیع» و «تصوف»<sup>۱۰۲</sup> به عنوان «آنها» ترسیم نمود، به عنوان برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی نرم‌افزاری و نیز قیام‌های صورت‌گرفته توسط حامیان گفتمان «شیعی - صوفی» علیه گفتمان «تسنن» رقیب، به عنوان حاشیه‌رانی سخت‌افزاری، مورد بررسی واقع گردد.

بی‌شک کانون اصلی تحلیل، سازوکارهای برجسته‌ساز و حاشیه‌ران نرم‌افزاری است که در قالب متن «جامع-الاسرار و منبع‌الانوار» تألیف سید حیدر آملی، به منظور طرح و بسط «گفتمان شیعی - صوفی»، نمود پیدا کرده است. لیکن در آخر، سه جنبش سربداران، مرعشیان و مشعشعیان به عنوان برجسته‌ترین قیام‌های شیعی - صوفی، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی سخت‌افزاری پیروان گفتمان مسلط قرن علیه خصم سنی مذهب خویش را به نمایش خواهد گذارد.

---

## 2-Deconstruction

100 . همان .

101 . همان .

102 . در این پژوهش، منظور از گفتمان تشیع به عنوان گفتمان رقیب، تشیع منهای تصوف، که گاه از آن به عنوان تشیع سنتی نیز یاد شده است و منظور از گفتمان تصوف به عنوان گفتمان رقیب، تصوف منهای تشیع و به عبارتی تصوف سنی است.



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

# پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی

عنوان

## تأثیر جهانی شدن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر فرهنگ)

استاد راهنما

جناب آقای دکتر محمد ستوده آرانی

استاد مشاور

حجه الاسلام والمسلمین دکتر نجف لکزایی

نگارش و پژوهش



## شهریار نجف پور

1385

تقدیم به:

به پدر و مادر عزیز و مهربانم که با همه مشکلات و سختی‌های زندگی  
ساختند و چونان شمعی سوختند تا من به تحصیل پردازم.

## تقدیر و تشکر

بر خود لازم می‌دانم به مصداق حدیث شریف، «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ» از کلیه عزیزان و سرورانی که در تهیه و تدوین این پژوهش، مرا یاری و مساعدت فرمودند، خصوصا استاد ارجمندم، «جناب آقای دکتر محمد ستوده» که با راهنمایی‌های ارزنده و مشفقانه خویش، چراغ راهم بودند و زحمات بسیاری را در این جهت متقبل شدند، و همچنین از استاد بزرگووارم، «جناب آقای دکتر نجف لک‌زائی»، که مشاوره این اثر را بر عهده داشتند، تشکر و قدردانی را داشته باشم، و در نهایت از دوست فاضل و ارجمندم جناب آقای محسن کبیری که در مطالعه و بازبینی این اثر بنده را مساعدت و راهنمایی فرمودند، تشکر می‌نمایم.

## چکیده

در حال حاضر جهانی شدن با رشد و گسترش تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات، کشورها را در سطوح مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی، تحت تأثیر قرار داده است؛ این تأثیرات می‌تواند به دو صورت، محدودیت‌ها و فرصت‌ها ظاهر شود. از سوی دیگر نگاه سنتی به امنیت ملی تغییر یافته است و مفهوم نوین امنیت جنبه‌های مختلف کیفی و نرم‌افزاری آن را نیز در بر می‌گیرد و امنیت کشورها متأثر از ابعاد مختلف جهانی شدن می‌باشد. پیامدها و تأثیرات جهانی شدن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران صرفاً محدود کننده و یا تهدیدزا نیست، بلکه مفاهیم برآمده از آن می‌تواند فرصت‌ها و امکاناتی را برای ایران در زمینه فرهنگ توسعه، حقوق شهروندی و جامعه مدنی به همراه آورد که در صورت استفاده و بکارگیری آن می‌تواند در تنظیم روابط دولت و ملت مؤثر واقع شود و در نتیجه ضریب امنیت ملی کشور را افزایش دهد و کشور را در کنترل تأثیرات محدودیت کننده جهانی شدن؛ مانند تنش‌های قومی، مسئله هویت و ارزش‌ها کمک نماید.

## فهرست مطالب

- مقدمه: طرح تحقیق ... 1
- 1- بیان مسئله ... 2
- 2- علت انتخاب موضوع و اهمیت آن ... 3
- 3- سابقه پژوهش ... 3
- 4- سؤال اصلی پژوهش ... 3
- 5- فرضیه پژوهش ... 3
- 6- مفاهیم و متغیرها ... 4
- 7- سؤالات فرعی پژوهش ... 5
- 8- پیش فرض های پژوهش ... 5
- 9- اهداف پژوهش ... 5
- 10- روش پژوهش ... 5
- 11- روش گردآوری اطلاعات و چارچوب نظری ... 6
- 12- سازماندهی پژوهش ... 6

## فصل اول: مفاهیم، کلیات و چارچوب نظری ... 7

مقدمه ... 8

1- جهانی شدن ... 9

الف) پیشینه تاریخی جهانی شدن ... 9

ب) مشکلات تعریف جهانی شدن ... 12

1- گستردگی موضوع و چند وجهی بودن پدیده یا فرآیند جهانی شدن ... 12

2- مرحله انتقالی ... 12

3- مشکل نظری و نوپا بودن نظریه پردازی ... 12

ج) تعاریف جهانی شدن ... 13

تعریف جهانی سازی ... 16

تفاوت جهانی شدن با جهانی سازی ... 18

جهانی شدن به مثابه یک پروژه ... 18

جهانی شدن به مثابه یک فرآیند یا پروسه تاریخی ... 20

د) نظریه‌های جهانی شدن ... 21

1- نظریه‌های مارکسیستی و نئومارکسیستی در مورد جهانی شدن ... 22

2- نظریه‌های لیبرالیستی و جهانی شدن ... 24

ه) ابعاد جهانی شدن ... 28

1- جهانی شدن اقتصادی ... 29

2- جهانی شدن سیاست ... 30

3- جهانی شدن فرهنگ ... 32

رابطه فرهنگ و جهانی شدن ... 33

الف - همگونی فرهنگی ... 33

ب - خاص‌گرایی فرهنگی ... 36

ج - همزیستی و تحوّل فرهنگی ... 38

2- امنیت ملی ... 39

الف: تعریف امنیت ملی ... 39

ب: نظریه‌های امنیت ملی ... 41

1- نظریه‌های سنتی امنیت (امنیت سخت‌افزاری) ... 42

2- نظریه‌های مدرن امنیت (امنیت نرم‌افزاری) ... 42

3- نظریه‌های امنیتی فراساختارگرایان ... 43

ج: ابعاد امنیت ملی ... 47

1- امنیت اقتصادی ... 47

2- امنیت سیاسی ... 48

3- امنیت فرهنگی ... 49

جمع‌بندی ... 51

فصل دوم: امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ... 52

مقدمه ... 53

1- تعریف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ... 54

2- دیدگاه‌های مربوط به امنیت ملی ... 55

الف - دیدگاه سخت‌افزاری ... 55

ب - دیدگاه نرم‌افزاری ... 57

3- سیاست‌های امنیتی ایران ... 59

الف - دوران انقلاب (1357-1359) ... 60

ب - دوران جنگ (1367-1359) ... 63

ج - دوران بازسازی و توسعه (1385-1367) ... 65

- 4- شاخص‌های امنیّت ملی جمهوری اسلامی ایران ... 66
- الف - امنیّت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران ... 67
- تعریف امنیّت اقتصادی ... 67
- مؤلفه‌های اقتصادی در تأمین «امنیت ملی» ... 68
- ب - امنیّت سیاسی جمهوری اسلامی ایران ... 68
- تعریف امنیّت سیاسی ... 68
- جهانی شدن و امنیّت سیاسی جمهوری اسلامی ایران ... 69
- ج) جهانی شدن و امنیّت فرهنگی ... 72
- تعریف امنیّت فرهنگی ... 72
- 1 - تهاجم فرهنگی ... 73
- 2 - گسترش تجدد و فرهنگ مصرف ... 74
- جهانی شدن و امنیّت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ... 75
- جمع بندی ... 77

#### فصل سوم: جهانی شدن و محدودیت‌های امنیّت ملی جمهوری اسلامی ایران «با تأکید

بر امنیّت فرهنگی» ... 78

مقدمه ... 79

1 - مسئله قومیت ... 80

جهانی شدن و مسئله قومیت در ایران ... 81

مسئله‌ی قومیت در ایران ... 84

الف) بحران کردستان ... 85

ب) بحران آذربایجان ... 87

ج) بحران بلوچستان ... 88



- د) بحران خوزستان ... 89
- 2 - مسئله هویت ... 91
- تعریف هویت ... 91
- الف) ویژگی‌های هویت ... 93
- 1 - چند لایگی ... 93
- 2 - پویایی ... 94
- ب) نسبی شدن هویت در عصر جهانی ... 94
- ج) بحران هویت ... 96
- 1- تعریف بحران هویت ... 96
- 2- شاخصه‌های بحران هویت ... 97
- الف) بیگانگی ... 97
- ب) تنش‌ها و آشوب‌های اجتماعی ... 97
- ج) مد گرایی ... 97
- د) وازدگی در مقابل فرهنگ بیگانه ... 98
- ه) تقویت و تضعیف ... 98
- و) تعارض هویت‌ها ... 98
- سابقه هویت و هویت ملی در ایران ... 99
- هویت ایرانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ... 101
- بحران هویت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ... 102
- 3 - مسئله ارزش‌ها ... 104
- الف) ارزش‌ها و امنیت ملی ... 105
- ب) جهانی شدن و ارزش‌ها ... 106
- ج) ارزش‌های بومی (اسلامی - ایران) ... 108

د) ارزش‌های وارداتی (فرهنگ مصرفی) ... 110

جمع‌بندی ... 113

فصل چهارم: جهانی شدن و فرصت‌ها و امکانات امنیتی ملی جمهوری اسلامی ایران «با»

تأکید بر امنیت فرهنگی ... 114

مقدمه ... 115

آثار و پیامدهای کلی جهانی شدن ... 118

1 - افزایش آگاهی‌های عمومی ... 118

2 - افزایش سواد و تحصیلات ... 118

3 - ایجاد و تقویت فرهنگ توسعه ... 119

الف) فرآیند جهانی شدن و توسعه‌ی سیاسی ... 120

ب) فرآیند جهانی شدن و مشارکت سیاسی ... 122

شاخصه‌های مشارکت سیاسی ... 123

الف) احزاب ... 124

ب) انتخابات ... 125

ج) مطبوعات و رسانه‌های گروهی ... 126

1 - نقش مطبوعات در عرصه توسعه‌ی فکری ... 126

2 - آزادی مطبوعات و ثبات و امنیت کشور ... 127

ج) فرآیند جهانی شدن و گسترش احزاب ... 129

نقش احزاب در یکپارچگی و امنیت آن ... 131

مقایسه کشور از نظر امنیت ملی در دو دوره پیش و پس از دوم خرداد ... 132

1 - در سطح بین‌المللی ... 132

2 - در سطح حرکت‌های تجزیه طلب ... 133

- 3 - در سطح حرکت‌های برانداز ... 133
  - 4 - در سطح اقلیت‌های قومی و مذهبی ... 134
  - 5 - در سطح شکاف دولت - ملت ... 135
  - (د) فرآیند جهانی شدن و حقوق شهروندی ... 135
  - تعریف حقوق شهروندی ... 136
  - (ه) جهانی شدن و جامعه‌ی مدنی ... 138
  - (الف) تعریف جامعه‌ی مدنی ... 141
  - (ب) شاخص‌های جامعه‌ی مدنی ... 142
  - 1 - قانون‌مندی ... 143
  - 2 - مشارکت تمام گروه‌ها در تصمیم‌گیری‌های جامعه ... 144
  - 3 - برخورد آزادانه آراء و اندیشه‌ها ... 145
  - 4 - نظارت مردم بر نهادهای قدرت ... 145
  - 5 - آزادی مطبوعات و فعالیت احزاب سیاسی ... 146
  - 6 - تکثرگرایی ... 146
  - 7 - سایر مؤلفه‌ها و ویژگی‌های جامعه‌ی مدنی ... 147
- جمع‌بندی ... 149
- نتیجه‌گیری ... 150
- (الف) راهکارهای سیاسی ... 152
  - (ب) راه کارهای اقتصادی ... 152
  - (ج) راه کارهای فرهنگی ... 153



فهرست منابع ... 154

1- منابع فارسی ... 155

الف) کتابها ... 155

ب) نشریات ... 160

2- منابع لاتین ... 162



مقدمه:

## طرح تحقیق

## 1- بیان مسئله

بحث از امنیت ملی کشورها یکی از موضوعات و مسائل اساسی و حیاتی کشورها محسوب می‌گردد، و در حال حاضر امنیت از بعد سخت‌افزاری و نگاه سنتی خارج شده و جنبه‌های نرم‌افزاری آن از اهمیت خاصی برخوردار گردیده است. دولت‌ها برای تأمین امنیت ملی در سطوح مختلف آن، باید ضمن مطالعه راهبردها و ساز و کارهای اجرائی آن، شرائط و زمینه‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی آن را مورد توجه قرار دهند. و در حال حاضر، امنیت ملی کشورها تا حد زیادی متأثر از متغیرهای بیرونی از جمله فرآیند جهانی شدن می‌باشد، و کشورها بدون توجه به ساختار نظام بین الملل و مسائل مربوط به آن نمی‌توانند امنیت خویش را تأمین نمایند.

امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نیز تحت تأثیر این متغیرهاست، ایران به عنوان یکی از بازیگران روابط بین المللی، باید ضمن شناسایی دقیق چالش‌ها، محدودیت‌ها و فرصت‌ها، زمینه‌ها و شرائط تأمین امنیت ملی را فراهم سازد. در این رساله تلاش می‌شود تا امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با جهانی شدن با تأکید بر امنیت فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد.

## 2- علت انتخاب موضوع و اهمیت آن

امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در طول دو دهه گذشته دستخوش تغییراتی به ویژه در سطح فرهنگی گردیده است، مطالعه آن می تواند ما را در رفع محدودیت‌ها، چالش‌ها و استفاده از فرصت‌ها و تدوین سیاست‌های توسعه فرهنگی مؤثر کمک نماید.

## 3- سابقه پژوهش

در زمینه مسئله جهانی شدن و امنیت جمهوری اسلامی ایران، تنها چند کتاب و مقاله وجود دارد، که بررسی آن‌ها نشان می‌دهد که خلاء زیادی در این رابطه وجود دارد. مانند کتاب **جهانی شدن و پیامدهای آن برای ایران** از بهرام نوازی، این کتاب پیامدهای اقتصادی جهانی شدن را برای ایران بیان کرده است و از جنبه‌های فرهنگی و سیاسی جهانی شدن بحثی نکرده است. و همچنین مقاله با عنوان **تأثیر جهانی شدن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران** از محمدرحیم عیوضی که بیشتر روی جنبه‌های سخت‌افزاری امنیت ملی و جهانی شدن و تأثیرات آن بحث کرده است و از جنبه‌های نرم‌افزاری آن بحث نکرده است. بنابر این در پژوهش حاضر سعی بر این است که بحث تأثیرات نرم‌افزاری امنیت ملی و جهانی شدن تبیین گردد. شاید بتوان گفت که نحوه طرح این موضوع به گونه‌ای که در این پژوهش دنبال خواهد شد، کمتر مورد توجه واقع شده است.

## 4- سؤال اصلی پژوهش

جهانی شدن چه محدودیت‌ها یا چالش‌ها و فرصت‌ها و امکاناتی را برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به ویژه در بُعد فرهنگی ایجاد کرده است؟

## 5- فرضیه پژوهش

جهانی شدن از سویی باعث ایجاد محدودیت‌ها و چالش‌های امنیتی در زمینه قومیت،

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد

هویت، ارزش‌ها (مصرف‌گرائی) گردیده و از سوی دیگر، فرصت‌ها و امکان گسترش فرهنگ توسعه، توسعه سیاسی، حقوق شهروندی و جامعه مدنی را افزایش داده است.

## 6- مفاهیم و متغیرها

الف - مفاهیم

جهانی شدن

«جهانی شدن عبارت است از فرآیند فشردگی فزاینده زمان و فضا که به واسطه آن مردم دنیا کم و بیش و به صورتی نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی واحد ادغام می‌شوند.»<sup>۱۰۳</sup>

امنیت ملی

در تعریف امنیت ملی می‌توان گفت:

«امنیت ملی یعنی حفظ راه و روش زندگی قابل پذیرش برای همه مردم و مطابق با نیازها و آرزوهای مشروع شهروندان. این امر شامل رهایی از حمله یا فشار نظامی، براندازی داخلی و نابودی ارزش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌شود که برای کیفیت زندگی ضروری هستند.»<sup>۱۰۴</sup>

امنیت فرهنگی

عبارت از فقدان تهدید و آسیب علیه ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی جامعه از جمله ارزش‌های هویتی، قومی، مذهبی، زبانی و... می‌باشد.

۱۰۳. احمد گل‌محمدی، جهانی شدن، فرهنگ، هویت تهران: نشر نی، ۱۳۸۱، صص ۲۱-۲۰، ۱۰۳.

۱۰۴. علی ربیعی، مطالعات امنیت ملی مقدمه‌ای بر نظریه‌های امنیت ملی در جهان سوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی ۱۰۴.

و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳، ص ۱۳.



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

ب - متغیرها

متغیر مستقل: جهانی شدن

متغیر وابسته: امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

### 7- سؤالات فرعی پژوهش

الف - مفهوم جهانی شدن و امنیت ملی چیست و چه دیدگاه‌هایی در این رابطه وجود دارد؟

ب - امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چیست و از چه مؤلفه‌هایی تشکیل شده است؟  
پ - محدودیت و چالش‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، به ویژه در بُعد فرهنگی آن کدام است؟

ج - فرصت‌ها و امکانات جهانی شدن برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، به ویژه در بُعد فرهنگی آن کدام است؟

### 8- پیش فرض‌های پژوهش

الف - جهانی شدن امنیت ملی کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ب - در حال حاضر بُعد نرم‌افزاری امنیت از اهمیت خاصی برخوردار است.

ج - تدوین سیاست‌های امنیتی کشور بدون توجه به متغیرهای فرامرزی امکان‌پذیر نیست.

### 9- اهداف پژوهش

هدف مهم و اساسی پژوهش بررسی و مطالعه پیامدها و تأثیرات جهانی شدن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، به ویژه در بُعد امنیت فرهنگی کشور می‌باشد.

## 10- روش پژوهش

روش پژوهش، به صورت توصیفی و تحلیلی می باشد.

## 11- روش گردآوری اطلاعات و چارچوب نظری

جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و در چارچوب نظری از دیدگاه فراساختارگرایان در امنیت ملی استفاده می شود.

## 12- سازماندهی پژوهش

این پژوهش شامل چهار فصل می باشد.

فصل اول؛ کلیات و چارچوب نظری، که از دو قسمت تشکیل شده است.

در قسمت اول، ضمن بررسی مفهوم جهانی شدن و جهانی سازی و تفاوت آن‌ها، و با تبیین نظریه‌های رایج درباره آن، به ابعاد مختلف جهانی شدن اشاره خواهیم کرد.

در قسمت دوم، نیز مفهوم امنیت و امنیت ملی، نظریه‌های مختلف در راستای امنیت ملی و ابعاد امنیت ملی بیان خواهد شد.

فصل دوم؛ در این فصل، ابتداء به تعریف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت و سپس سیاستهای امنیتی ایران مورد بررسی قرار گرفته، و در نهایت به شاخص‌های امنیت ملی ج.ا.ا. خواهیم پرداخت.

فصل سوم؛ در این فصل، چالش‌ها و محدودیت‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در سه بخش مسئله قومیت‌ها، مسئله هویت‌ها و مسئله ارزش‌ها بررسی خواهیم کرد. فصل چهارم؛ در این فصل نیز، فرصت‌ها و امکانات جهانی شدن برای امنیت ملی ج.ا.ا. در بخش، گسترش توسعه سیاسی، حقوق شهروندی و جامعه مدنی بیان خواهد شد.

## فصل اول:

# مفاهیم، کلیات و چارچوب نظری

## مقدمه

موضوع «جهانی شدن» یکی از مسائل رایج و مطرح سیاست کنونی است که بیشتر پژوهشگران مسائل جهانی و سیاست بین الملل برای توصیف وضعیّت کنونی نظام بین الملل آن را به کار گرفته‌اند. و در حال حاضر از طریق فرآیند جهانی شدن، بهتر می‌توان تحولات و تغییرات ملّی، منطقه‌ای و بین المللی را توصیف و تحلیل نمود، فرآیندی که کمابیش تمام قلمروهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی را در سطوح مختلف در بر گرفته و همه کشورهای کوچک و بزرگ از پیامدهای آن متأثر هستند. این فرآیند نه تنها زمینه‌ساز همانند شدن جهانی، بلکه از عوامل تشدیدکننده هویت‌های قومی و ملّی نیز محسوب می‌شود. از سوی دیگر پیامدهای متعارض جهانی شدن، باعث چالش‌های اساسی در فرهنگ، اقتصاد، سیاست و امنیّت ملّی کشورها گردیده و فرصت‌های نوینی را نیز برای بازشناسی ارزش‌ها، هویت‌ها، مرزها و امنیّت ملّی فراهم نموده است. در عصری که انفجار اطلاعات، کامپیوتر و اینترنت و جهانی شدن از مختصات آن است، مطالعه امنیّت ملّی بدون لحاظ فرآیندها و وضعیّت‌های موجود، امکان‌پذیر نیست. اگر از حیثه مفهوم سنتی امنیّت ملّی که ناظر بر فقدان خطر و آسودگی از حملات نظامی دشمن است، خارج شده و به مفهوم جدید امنیّت ملّی ملتزم شویم، آنگاه گستره پیوند عمیق امنیّت در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... با جهان خارج به روشنی محقق می‌شود، بنابراین در عرصه جهانی شدن نیاز به بازتعریف مجددی از مفهوم امنیّت و امنیّت ملّی احساس می‌شود.

در این فصل مفاهیم جهانی شدن، جهانی سازی، نظریه‌های جهانی شدن و ابعاد جهانی شدن و همچنین مفاهیم امنیت، نظریه‌های امنیت و ابعاد امنیت ملی توضیح داده خواهد شد. و در چارچوب نظری تحقیق، با توجه به این که ادبیات نظری فراساختارگرایان بر جداناپذیری امنیت ملی و امنیت جهانی، مفهوم نوین امنیت و به ویژه بُعد نرم‌افزاری امنیت مانند هویت، ارزش‌ها و هنجارها تأکید دارند از آن استفاده شده و از دیدگاه‌های اشلی، شاپیرو، کمپل و... در این زمینه بهره خواهیم گرفت.

## 1- جهانی شدن<sup>۱۰۵</sup>

### الف) پیشینه تاریخی جهانی شدن

کاربرد واژه «جهانی» در ادبیات سیاسی دارای قدمت طولانی است، اما اصطلاح جهانی شدن، جهانی کردن و جهانی گرایی قدمت چندانی ندارد و تنها پس از حدود سال 1960، رواج عام یافت.<sup>۱۰۶</sup> لذا نظریه‌پردازان مختلف، مراحل آغازین فرآیند جهانی شدن را در دهه‌ها، صدها و حتی هزارها سال پیش جستجو و شناسایی می‌کنند. آنان پرشتاب‌تر و گسترده‌تر شدن فرآیند جهانی شدن را در دهه‌های اخیر می‌پذیرند، ولی آن را بسیار قدیمی‌تر می‌دانند. و بر سر این قدمت اختلاف نظر فاحشی وجود دارد.

برخی نظریه‌پردازان علاقه‌مند به بررسی ریشه‌های تاریخی ساختارها و شبکه‌های نظام جهانی کنونی، بر آنند که مبدأ فرآیند جهانی شدن را باید در تمدن‌های باستان جستجو کرد. از دیدگاه آنان با شکل‌گیری چنین تمدن‌هایی در واقع فرآیند جهانی شدن هم آغاز شد. چرا که آن تمدن‌ها به اقتضای منطقی و ساختار درونی خود، تمدن‌هایی گسترش‌طلب بودند. چنین

---

105 Globalization.

. رونالد رابرتسون، *جهانی شدن، تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی*، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر ثالث، 1380، ص 106.36

تمدن‌هایی همواره از لحاظ سیاسی، نظامی و فرهنگی، گرایش به گسترش و جهانگیر شدن داشتند و با نفوذپذیر کردن مرزهای واحدهای اجتماعی کوچک و بسته، ادغام آن‌ها در واحدهای اجتماعی بزرگ‌تر و فراگیرتر را ممکن می‌ساختند.<sup>۱۰۷</sup>

از دیدگاه نومارکسیست‌هایی مانند آندره گوندر فرانک و ایمانوئل والرشتین، فرآیند جهانی شدن هنگامی آغاز شد که نطفه نظام جهانی بسته شده است و این تاریخ به 2500 سال پیش از میلاد مسیح برمی‌گردد. دسته دیگری از نظریه‌پردازان، تاریخ جهانی شدن را همان تاریخ تمدن جهانی می‌دانند که حدود 1500 سال پیش از میلاد و از مصر باستان و تمدن سومر آغاز می‌شود: نویسندگانی مانند اریک ولف<sup>۱۰۸</sup> و ویکینسن<sup>۱۰۹</sup> به این دسته تعلق دارند. نویسندگانی مانند علی‌مزروعی نیز نخستین نشانه‌های فرآیند جهانی شدن را در تمدن اسلام و شرق باستان شناسایی می‌کنند.<sup>۱۱۰</sup> دسته دیگری از نظریه‌پردازان، شکل‌گیری و نقطه آغاز فرآیند جهانی شدن را بسیار کوتاه‌تر از نظریه‌پردازان نام‌برده می‌دانند. شماری از این نظریه‌پردازان اعتقاد دارند که با شکل‌گیری تجدد، فرآیند جهانی شدن نیز آغاز شد. مثلاً گیدنز فرآیند جهانی شدن را چیزی جزء گسترش تجدد نمی‌داند. مارکس و انگلس هم درک تاریخ جهانی شدن و آغاز این فرآیند را مستلزم درک و شناخت تاریخ سرمایه‌داری می‌دانند، چون از دیدگاه آنان نظام سرمایه‌داری همواره دست‌اندرکار یکپارچه‌سازی اقتصادی و فرهنگی جهان بوده است. پس با توجه به این دیدگاه، جهانی شدن را باید همزاد سرمایه‌داری دانست.<sup>۱۱۱</sup>

از نظر مالکوم واترز: در مورد پیشینه تاریخی جهانی شدن عمدتاً سه احتمال یا فرضیه را می‌توان مطرح کرد:

---

۱۰۷. احمد گل‌محمدی، *جهانی شدن فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی، ۱۳۸۱*، ص ۱۰۷.۲۲

۱۰۸ E.Wolf.

۱۰۹ Wikinson.

۱۱۰. همان، ص ۱۱۰.۲۳

۱۱۱. همان، ص ۱۱۱.۲۴

- 1- جهانی شدن فرآیندی است که ریشه در تاریخ حیات اجتماعی بشر دارد و بنابر این، از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته است و در عصر حاضر شتاب بیشتری به خود گرفته است.
  - 2- جهانی شدن هم‌زمان با نوگرایی (مدرنیزاسیون) و توسعه سرمایه‌داری شکل گرفته و اخیراً از شتاب ناگهانی و بیشتری برخوردار شده است.
  - 3- جهانی شدن فرآیندی متأخر و همراه با سایر فرآیندهای اجتماعی نظیر فراصنعتی شدن فرانوگرایی یا شالوده‌شکنی سرمایه‌داری است.<sup>۱۱۲</sup>
- رابرتسون که خود از نخستین نویسندگان این موضوع به شمار می‌آید، بر این باور است که جهانی شدن چیز تازه‌ای محسوب نمی‌شود، بلکه تاریخ آن به زمان نوگرایی و ظهور سرمایه‌داری برمی‌گردد. نوگرایی فرآیند جهانی شدن را خلق نمی‌کند، بلکه آن را تسریع می‌نماید. با این تفاوت که جهانی شدن کنونی ماهیت واکنشی بودن را دارد؛ بدین معنا که جهان از وضعیت «در درون خود بودن» به حالت «بودن برای خود» تبدیل شده است.<sup>۱۱۳</sup>
- باری آکسفورد نیز ضمن تأیید رابطه جهانی شدن با تجدد و مدرنیته، از نظر پیشینه تاریخی میان عوامل جهانی شدن و نمودهای آن تفاوت می‌گذارد. در نظر وی، نمودهای اصلی جهانی شدن نظیر صنعت محوری، سرمایه‌داری و دولت - ملت را بیشتر در تجدد غرب شاهد هستیم. در حالی که عوامل و نیروهای جهانی کننده بر اساس فهم متعارف پیش از دوره مدرن نیز وجود داشته است.<sup>۱۱۴</sup>
- از نظر این پژوهش‌گر، جهانی شدن نه مترادف با تجدد است و نه مولود آن، بلکه وضعیتی است که با روند تجدد شتاب بیشتری می‌گیرد و روند تجدد را نیز سرعت می‌بخشد. به هر حال با

---

. مالکوم واترز، *جهانی شدن*، ترجمه اسماعیل مردانی و سیاوش مریدی، تهران: سازمان مدیریت صنعتی، 1379، صص 112

.14-13

. رونالد رابرتسون، پیشین، ص 113.55

. باری آکسفورد، *نظام جهانی، اقتصاد، سیاست و فرهنگ*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی، 114،

.1378، ص 32.

پرشتاب تر و گسترده شدن فرآیند جهانی شدن به واسطه پیشرفت‌های حیرت‌آور در حوزه فن‌آوری‌های ارتباطی، این واژه بیش از پیش اهمیت یافت و جواز ورود به عرصه‌ها و رشته‌های مختلف علمی را کسب کرد.

### ب) مشکلات تعریف جهانی شدن

گرچه جهانی شدن از مفاهیم رایج در هزاره‌ی جدید و عصر کنونی است، اما تعریف دقیقی از آن وجود ندارد. در آثار گوناگون و پرشمار مربوط به فرهنگ، اقتصاد و سیاست در جهان معاصر، تعریف‌های متفاوت و گاهی متضادی از این فرآیند عرضه می‌شود، این ابهام، اختلاف و تناقض مضاعف موجود در تعریف جهانی شدن از عوامل گوناگونی ریشه می‌گیرد که مهم‌ترین آنها عبارتند از<sup>۱۱۵</sup>:

#### 1- گستردگی موضوع و چند وجهی بودن پدیده یا فرآیند جهانی شدن

جهانی شدن جمیع ابعاد زندگی انسان را تحت تأثیر قرار داده و متحوّل ساخته است. از کوچک‌ترین واحد و کنش‌گر اجتماعی (یعنی فرد) تا بزرگ‌ترین واحد (یعنی جامعه جهانی) از طریق گذر از گروه‌ها، نهادها و حکومت‌ها هم متأثر از جهانی شدن هستند و هم‌زمان بر آن اثر می‌گذارند.

امروزه همه جوانب زندگی در دنیای معاصر، کم و بیش از فرآیند جهانی شدن تأثیر می‌پذیرند و فرآیند مورد نظر، هم اقتصادی است، هم سیاسی و هم فرهنگی. بی‌گمان تأکید بر هر کدام از جنبه‌های این فرآیند، به تعریف‌ها و مفهوم‌بندی‌های خاص معطوف به مصداق‌های معین می‌انجامد.

---

۱۱۵. داریوش اخوان زنجانی، *جهانی شدن و سیاست خارجی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۳، صص ۱۱۵.



## 2- مرحله انتقالی

جهانی شدن یک مرحله گذار در زندگی بشریت است. فرآیندی تاریخی است که به شکل امواج حرکت می کند و تا زمانی که به یک وضعیت پایدار تبدیل نشود، تعاریف آن همچنان متنوع و متحول خواهد بود.

## 3- مشکل نظری و نوپا بودن نظریه پردازی

تعریف هر پدیده‌ای، به ویژه اگر پدیده مورد نظر از ابعادی این چنین گسترده برخوردار باشد، نیازمند چارچوبی نظری است تا با استفاده از آن چارچوب پدیده مورد نظر مفهوم‌سازی شود، مفاهیم و متغیرها تعریف شوند، داده‌ها گزینش، دسته‌بندی و بالاخره تفسیر شوند به نحوی که از کارکرد توصیفی، که حداقل کارکرد یک نظریه است، برخوردار باشند. اما در این خصوص باید اذعان نمود که نظریه‌های مسلط با مشکلات عدیده‌ای روبرو هستند که در عمل ناکارکردی و شاید به طور دقیق‌تر بی‌کارکردی آنها را مشخص می‌کند.<sup>۱۱۶</sup>

از سویی، نظریه‌ها تا آن اندازه متفاوت و متضاد هستند که تنها تصاویر متفاوتی از یک جهان واحد را ارائه نمی‌دهند بلکه جهان‌های متفاوتی را ترسیم می‌کنند، و از سوی دیگر، گرچه در دهه‌های اخیر به ویژه دهه نود، آثار پرشماری در قالب کتاب و مقاله به علاقه‌مندان موضوع جهانی شدن عرضه شده، ولی نظریه‌پردازی درباره این پدیده قدمت چندانی ندارد. حتی در دانشگاه‌ها نیز رشته مستقلی وجود ندارد و رشته‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تنها جنبه‌هایی خاصی از این فرآیند را بررسی می‌کنند.

## ج) تعاریف جهانی شدن

تعریف واحد و مورد اجماع از جهانی شدن وجود ندارد. جهانی شدن، همچون سایر

مفاهیمی که در دوره خاص مرسوم و متداول می‌شوند، با جدایی از حوزه علوم اجتماعی امروزه به عبارتی معمول و رایج، تبدیل گشته و دارای معانی مختلفی در عرصه‌های گوناگون اقتصاد، سیاست، فرهنگ و... می‌باشد و تعریف‌های متفاوتی از سوی صاحب‌نظران در مورد آن ارائه شده است. زیرا این پدیده به حد تکامل نهایی خود نرسیده و همچنان دستخوش تحوّل و تکامل است، و هر روز شکل تازه‌ای از ابعاد گوناگون آن مشخص و نمایان می‌شود. از این جهت جهانی شدن بر خلاف تصوّر بعضی‌ها، پدیده‌ای صرفاً اقتصادی نیست بلکه پدیده‌ای چندبعدی که قابل تسری به حوزه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، فن‌آوری، محیط زیست و... است.

لذا جهانی شدن برای هر کس و گروه مفهومی خاص دارد. جهانی شدن عمدتاً و برای نخستین بار در عرصه اقتصاد و توسعه تجارت جهانی مطرح شد، اما دیگر ابعاد آن را نمی‌توان از نظر دور داشت. جهانی شدن با یک سیستم فکری خاص و جهان‌بینی خاص معنا می‌یابد و اجزای آن به هم پیوسته است. باورها، ارزش‌ها و اخلاق در عرصه‌های جهانی شدن با سیاست و اقتصاد در هم می‌آمیزد. بنابر این، طبقه‌بندی تعاریف مرز دقیق حوزه‌های اجتماع را ترسیم نمی‌کند، بلکه صرفاً برای سهولت درک و استفاده از روش طبقه‌بندی بازگوکننده رویکرد غالب پژوهش‌گر در بررسی مقوله جهانی شدن می‌باشد، به همین دلیل برخی از تعاریف بیشتر اقتصاد، برخی سیاست و بعضی هم جهانی شدن فرهنگ را مد نظر دارد.<sup>۱۱۷</sup>

با توجه به وجه غالب جهانی شدن، عمدتاً جهانی شدن از منظر اقتصادی تعریف می‌شود و ناظر به:

**«افزایش جریان جابجایی منابع و تولیدات میان کشورها با حضور تشکیلات سازمان یافته برای اداره فعالیت‌های اقتصادی بین المللی است،**

---

. سید عبدالقیوم سجادی، *سرآمدی بر اسلام و جهانی شدن*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، 1383، ص 117.16

**برای اقتصاددانان، جهانی شدن به معنی ادغام کامل بازارهای جهانی و****استفاده از بازارهای کار و سرمایه در اقصی نقاط جهان است.»<sup>۱۱۸</sup>**

بنابر این تعریف جهانی شدن از منظره اقتصاد بین الملل تنها یک وجه آن را بازگو می کند، با توجه به وجوه مختلف این پدیده، تعاریف متفاوتی برای آن ارائه شده است: برخی جهانی شدن را غربی شدن<sup>۱۱۹</sup> تفسیر می کنند و بر این باورند که این مفهوم ادامهانیدیشه‌های افرادی چون دورکیم و ماکس وبر در رابطه با تکامل جامعه مدرنیزه غربی است.<sup>۱۲۰</sup> دسته دیگر جهانی شدن را مترادف با آمریکایی شدن<sup>۱۲۱</sup> می‌دانند و ماهیت آن را با تحمیل الگوی اقتصادی سیاسی و فرهنگی آمریکا بر سایر کشورها توضیح می‌دهند. دسته‌ای هم حوزه وسیع‌تر را برای آن در نظر گرفته، جهانی شد را با گسترش و توسعه سرمایه‌داری جهانی<sup>۱۲۲</sup> تحلیل می‌کنند. در این نگاه، جهانی شدن فرآیندی تاریخی است که در انقلاب صنعتی قرن نوزده ریشه دارد. دیدگاه‌های چپ در مورد جهانی شدن، این مقوله را در چارچوب امپریالیسم به گونه‌ای دیگر تفسیر می‌کنند. در این تلقی، جهانی شدن به مثابه استعمار نو<sup>۱۲۳</sup> مطرح می‌گردد که هدف آن استیلای همه جانبه برخی از بازیگران جهانی بر دیگران می‌باشد.<sup>۱۲۴</sup> مارتین آلبرو در تعریف جهانی شدن می‌گوید:

---

۱۱۸ . منوچهر توسلی نائینی، «تأثیرات جهانی شدن اقتصاد بر روابط کار»، مجموعه مقالات سومین همایش ملی کار، ۱۱۸،

تهران: ۱۳۸۱، ص ۲۵.

119 Westerization.

۱۲۰ . حسین دهشیار، «جهانی شدن تکامل فرآیند برون برای ارزش‌ها و نهادهای غربی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۸، ص ۱۵۷، ۱۲۰.

121 Americanization

122 World Capitalism.

123 New Colonialism.

۱۲۴ . عبدالقیم سجادی، *درآمدی بر اسلام و جهانی شدن*، پیشین، ص ۱۸، ۱۲۴.



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

«جهانی شدن فرآیندی است که بر اساس آن همه مردم جهان در یک  
جامعه واحد و فراگیر جهانی با هم پیوند می‌خورند.»<sup>۱۲۵</sup>  
تأکید بر افزایش بی سابقه ارتباطات و برخوردهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، ویژگی

---

۱۲۵. پرویز صداقت، «سرشت جهانی شدن و زمینه‌های آن»، ماهنامه بورس، مهر ۱۳۶۷. 125.1367

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد



اکثر تعریف‌های جهانی شدن است که میزان دخالت و شرکت در شبکه ارتباطات جهانی بر حسب افراد، گروه‌ها، قومیت‌ها، کشورها و مناطق و قاره‌ها متفاوت است. از این دیدگاه جهانی شدن معطوف به افزایش پیوندها و همبستگی‌های میان دولت‌ها و جوامع تشکیل دهنده نظام جهانی مدرن است. افزون بر این‌ها، در اغلب تعریف‌ها، جهانی شدن را نوعی فرآیند همگونی و همسانی فزاینده به شمار می‌آورند. افزایش و گسترش امکان‌های ارتباطی و به تبع آن تشدید ارتباطات، برخوردها، وابستگی‌ها و تأثیرپذیری‌ها در سطح جهانی، نوعی همگونی و همسانی جهانی پدید می‌آورد. برخی نظریه‌پردازان این فرآیند همگونی را گسترش تجدد به اقصی نقاط جهان و جهانگیر شدن ویژگی‌های محوری فرهنگ و تمدن غربی می‌دانند، و برخی نظریه‌پردازان هم از این حدّ فراتر رفته جهانی شدن را نوعی یک‌دست‌سازی اقتصادی نیز نظر ایالات متحده آمریکا توصیف می‌کنند.<sup>۱۲۶</sup>

رونالد رابرتسون<sup>۱۲۷</sup> در تعریف خود از جهانی شدن اظهار می‌دارد:

**«مفهوم جهانی شدن، به درهم فشردن شدن جهان و تراکم آگاهی**

**نسبت به جهان به عنوان یک کل دلالت دارد».**<sup>۱۲۸</sup>

رابرتسون در شرح نظریه خویش در خصوص جهانی شدن بیشتر متمرکز بر نحوه اندیشیدن در باره جهان به عنوان یک قالب علمی است. فرمولی که وی برای جهانی شدن ارائه کرده است دارای چهار وجه است. این چهار وجه عبارتند از: جوامع (ملّی)، افراد، نظام ارتباطاتی بین جوامع و بشریت به معنای نوعی آن «نوع بشر»، این مدل نشان می‌دهد یگانگی جهان امری گریزناپذیر است.<sup>۱۲۹</sup>

---

126.20 . احمد گل محمدی، پیشین، صص 19 و 126.20

127 Ronald Robertson.

128.35 . رونالد رابرتسون، پیشین، ص 128.35

129.66-68 . همان، صص 129.66-68

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

به طور کلی این متفکران عموماً می‌پذیرند که جهانی شدن نیروی اصلی در پشت تغییرات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی سریعی است که در حال شکل دادن مجدد به جوامع مدرن و نظم جهانی هستند و همچنین باید گفت که جهانی شدن مجموعه‌ای از فرآیندهای پیچیده است نه یک فرآیند واحد و این مجموعه فرآیندهای پیچیده به شکل‌های متناقض یا مخالف عمل می‌کنند.

### تعریف جهانی سازی<sup>۱۳۰</sup>

«جهانی سازی» تعبیری است که برخی منتقدان جهانی شدن فرهنگ از آن به عنوان «غربی سازی» و «آمریکایی سازی» نام برده‌اند.

در این طیف گروهی قرار دارند که بر این باورند پدیده جهانی شدن ساخته دست قدرت‌های سرمایه‌داری برای چپاول کشورهای «جنوب» است و استیلای فرهنگی بر آنان و مسخ ارزش‌های قومی، مذهبی و ملی را در پی دارد و تلاش قدرت‌مندان و سرمایه‌داران بین‌المللی ساخت یک مدل واحد در تمامی ابعاد است. همچنان که «ادوارد سعید» می‌گوید:

*«ما شاهد یک نوع امپریالیسم فرهنگی هستیم که در صدد است از طریق گسترش رسانه‌های جمعی، فرهنگ کشورهای عقب‌مانده و ضعیف را تحت سلطه قرار دهد. به نظر طرف‌داران این نظریه، پدیده بحران هویت و گسست فرهنگی با ظهور مراحل پیشرفته جهانی شدن تشدید خواهد شد. از این رو فرهنگ‌ها انسجام خود را هر چه بیشتر از دست خواهند داد. این عده به دیدگاه «ماکس وبر» و عنصر «عقلانیت هدف‌مند وی در تبیین فرآیند سرمایه‌داری» استناد می‌کنند.»<sup>۱۳۱</sup>*

«بر اساس منطق وبری عنصر وحدت بخش در عصر مدرن عقلانیت ابزاری است. در چنین چارچوبی جهانی شدن که حاکمیت علم و صنعت را ارج می نهد، چیزی نخواهد بود جزء سلطه غرب بر کشورهای غیر غربی. منطق درون پندارزدایی وبری بر این بینش استوار است که آداب و سنن و ویژگی های فرهنگی در متن شرایط تاریخی و اجتماعی خاص قابل درک هستند و با توجه به این که منطق شکل دهنده سرمایه داری عقلانیت هدف مند است، پس جایگزین شدن سنن با عقلانیت سرمایه داری غیر قابل اجتناب می باشد چرا که جهانی شدن چیزی نیست جزء هم سطح کردن و این نیز هنگامی امکان پذیر است که معیار ارزیابی نه آداب و رسوم، بلکه عقلانیت جدا از ارزش ها باشد.»<sup>۱۳۲</sup>

واژه جهانی کردن<sup>۱۳۳</sup> گرچه به فرآیندهای وابستگی و همگونی جهانی معطوف است، اما براین دلالت دارد که قصد، برنامه و آگاهی معینی پشت این فرآیندها نهفته است.

به بیان دیگر، جهانی کردن در برگیرنده این معنا و مفهوم است که نیروهایی توان مند در قالب دولت - ملت و یا شرکت چند ملیتی، در راستای علایق و منافع خود به کار همگون و یک دست سازی جهانی پرداخته اند و به همین دلیل باید از جهانی کردن سخن گفت نه از جهانی شدن، ولی واژه جهانی شدن متضمن این معناست، که بسیاری از نیروهای جهانی ساز و همگونی آفرین، غیر شخصی و فراتر از کنترل و قصد هر فرد یا گروهی از افراد هستند.<sup>۱۳۴</sup>

### تفاوت جهانی شدن با جهانی سازی

برخی از نویسندگان تلاش می کنند تا میان دو مفهوم جهانی شدن و جهانی سازی تفکیک

132 1. M. Waters, Globalization, London: Routledh, 1995, pp. 12-17.

نیشیپ، تیوه و گنهرف، ندش ی ناهج، ی دمحم لگ دمحا : زا لقن دب

133 Globalizing.

. احمد گل محمدی، پیشین، ص 134.24

نمایند. از این منظر، جهانی سازی به عنوان پروژه‌های از قبل طراحی و هدایت شده مطرح می‌گردد و در ورای آن عاملیت و اراده انسانی نهفته است، در حالی که بر اساس جهانی شدن ما با فرایندهای طبیعی و غیر ارادی روبرو هستیم.

### جهانی شدن به مثابه یک پروژه<sup>۱۳۵</sup>

در تلقی جهانی شدن به مثابه یک پروژه، نقطه آغاز و فرجام قضیه مشخص است. به تعبیر صریح‌تر «جهانی سازی» نقشه‌ای برای تحقق رسالت قدیمی انسان سفید سرمایه‌داری است. در این دیدگاه جهانی شدن به مفهوم واقعی کلمه عبارت است از آمریکایی سازی، غربی سازی و استعمار از طریق کواکولا، جهانی شدن زبان انگلیسی و فرهنگ، اخلاق و مفاهیم آن هم آمریکایی است و این کشور (آمریکا) سکوی پرتاب موشک جهانی شدن است. اندیشه‌گرانی چون تامیلنسون، ورسلی، دیوید هلد، محمد ایوب و طیف وسیعی از مخالفان «جهانی شدن» خاستگاه و رویکرد انحصاری و خاص این روند را به چالش کشانده‌اند. تامیلنسون معتقد است که:

**«فرهنگ جهانی شده‌ای که ما هم اکنون با آن مواجهیم یک فرهنگ جهانی مبتنی بر هرج و مرج نیست، فرهنگی نیست که از جمع بین تجارب و نیازهای بشریت حاصل آمده باشد؛ حتی به صورت یکسانی از گونه‌های فرهنگی موجود تغذیه نمی‌کند بلکه حاکم گشتن یکی از گونه‌های فرهنگی است که از توان بیشتری برخوردار می‌باشد. در یک کلام، مقصود همان فرهنگ غربی.»<sup>۱۳۶</sup>**

ورسلی، همچون تامیلنسون بر آن است که شکل‌گیری فرآیند جدید «جهانی شدن» هر چند که که «دمکراسی» را به ارمغان آورد اما امکان سلطه همچنان وجود دارد که رقابت آمریکا و شوروی پیشین در دوران جنگ سرد را تداعی می‌نماید.<sup>۱۳۷</sup> طیف مهم دیگری که جهانی شدن را نوعی جهانی سازی اندیشیده و دوراندیشانه صاحبان ثروت و قدرت می‌دانند، متفکران تندرو مارکسیست و بنیادگرایان مسلمان هستند. مارکسیست‌ها

135 Globalization as a project.

136، 1381. جان تامیلنسون، *جهانی شدن و فرهنگ*، ترجمه محسن حکیمی، چاپ دوم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، 136، 1381. ص 56.

137. 289. قدیر نصری، «چیستی جهانی شدن»، فصلنامه *مطالعات راهبردی*، شماره سوم، سال 1380، ص 137، 289.



معتقدند که سرمایه سالاری در رقابت جهان گرایی ظاهر شده است. نویسندگان تندرو مارکسیست، دگرگونی‌های عمیق جهان شدن را موجب فرسایش مرزهای ملی ارزیابی کرده‌اند، اما نتیجه گرفته‌اند که سرمایه‌داری بزرگ‌ترین برنده بازی بوده است؛ به گونه‌ای که حاکمیت ملی دیگر نمی‌تواند آن را محدود کند و انقلاب اطلاعاتی، سرمایه‌داری را به مراتب نیرومند ساخته است.

از سوی دیگر اصول گرایان اسلامی هم، ادعاهای جهان صنعتی در زمینه حقوق بشر، دموکراسی و غیره را فریبنده دانسته و جهانی شدن را پروژه‌ای می‌دانند که غربی‌ها جهت تسهیل و تعمیق تراج منابع جهان سوّم باب کرده‌اند.<sup>۱۳۸</sup>

### جهانی شدن به مثابه یک فرآیند یا پروسه تاریخی

جهانی شدن به عنوان یک فرآیند، پدیده‌ای است که تقریباً به طور طبیعی از قرن نوزدهم در جهت یکپارچگی و همگرایی در جامعه بشری در حال انجام شدن می‌باشد. این فرآیند در دهه‌های آخر قرن بیستم در اثر پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک فزاینده جامعه بشری، شتابی مضاعف را در جهت تبدیل شدن جهان به یک واحد تجربه نموده است. پیدایش وسایل ارتباطی مثل تلفن، ماهواره، اینترنت و... زمینه‌ساز تحقق جهانی شدن به عنوان پروسه محسوب می‌شوند که انسان قرن 21 آن را تجربه می‌کنند: در چنین قرائتی جهانی شدن محصول فشردگی زمان، مکان، بریدن فضای زندگی مشترک اجتماعی از مکان، هم‌جواری و پیچیدگی ارتباط انسان‌ها می‌باشد که در پیدایش فرهنگ مشترک جهانی نمود پیدا می‌کند.<sup>۱۳۹</sup> جهانی شدن به مثابه یک فرآیند سمتی سودمند و سرشتی اجتناب‌ناپذیر دارد. طرفداران این دیدگاه از فرا رسیدن عصری سخن می‌گویند که گسست جدی و عمیق پدیدار شده و در این فرآیند علاوه بر در هم تنیدگی اجتماعی انسان‌ها، از لحاظ اقتصادی نیز هندسه جدید شکل می‌گیرد که بیش از آن که مبتنی بر جغرافیا باشد، به صورت موضوعی، بر تقسیم کار بنیاد یافته است و پیش از آن که حول محور محض انسان باشد، به توان کارآفرینی و عملی انسان‌ها توجه دارد و عامل تکنولوژی و الزامات اقتصادی، آن را اجتناب‌ناپذیر می‌کند.<sup>۱۴۰</sup>

---

138. همان.

139. غلامرضا بهروز لك، *مهدویت و جهانی شدن*، فصلنامه کتاب نقد، شماره 24-25، سال 81، ص 139.144

140. همان.

لذا جهانی سازی ناظر به سیاست‌ها و اهداف بازیگران برتر جهانی است و در راستای بسط ارزش‌ها و باورهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خاصی انجام می‌پذیرد، اما جهانی شدن ناظر به وضعیت طبیعی و غیر ارادی می‌باشد که بر بستر شرایط جهانی جدید و تکنولوژی ارتباطات شکل می‌گیرد.

گرچه با توجه به آنچه پیش بیان شد، ارائه تعریفی جامع و مانع از جهانی شدن بسیار دشوار است، با این حال بر اساس وجوه مشترک نام برده، تعریفی از جهانی شدن عرضه می‌کنیم که محور پژوهش و تحقیق حاضر باشد:

**«جهانی شدن عبارت است از فرآیند فشردگی فزاینده زمان و فضا که به واسطه آن مردم دنیا کم و بیش و به صورتی نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی واحد ادغام می‌شوند؛ به بیان دیگر جهانی شدن معطوف به فرآیندی است که در جریان آن فرد و جامعه در گستره‌ای جهانی با یکدیگر پیوند می‌خورند.»**<sup>۱۴۱</sup>

در باره تعریف مورد نظر نکاتی را باید بیان کرد. تعریف عرضه شده در واقع مبتنی بر تعاریف و دیدگاه‌های چند نظریه‌پرداز برجسته جهانی شدن است. محور بحث دیوید هاروی از جهان معاصر، مفهوم فشردگی زمانی فضایی است؛ گیدنز پیامدهای اجتماعی این فشردگی را بررسی می‌کند؛ رابرتسن عنصر آگاهی را نقطه عطفی در فرآیند طولانی مدت جهانی شدن می‌داند و مارتین آبرو هم جهانی شدن را شکل‌گیری یک جامعه جهانی در «عصر جهانی» به شمار می‌آورد.<sup>۱۴۲</sup>

#### د) نظریه‌های جهانی شدن

نظریه جهانی شدن علی‌الاصول اندیشه متعلق به حوزه اقتصاد و سیاست بین‌الملل می‌باشد، اما جامعه‌شناسانی نظیر رابرتسون در تحول کیفی این نظریه نقش اساسی داشته‌اند، و کوشیده‌اند تاریخ جامعی از چگونگی شکل‌گیری نظریه جهانی شدن در علوم اجتماعی ارائه دهند. این جامعه‌شناسان در تلاش بودند ضمن پوشاندن این نقصان و لحاظ کردن فرهنگ در نظریه جهانی شدن، این نظریه را به عنوان توضیحی برای شرایط عام حیات انسانی در تاریخ

---

۱۴۱. احمد گل محمدی، پیشین، ص ۱۴۱.۲۰

۱۴۲. همان. ۱۴۲.

معاصر مبدل سازند، گرچه به همین دلیل در مبهم ساختن آن نیز نقش اساسی داشته‌اند. جامعه‌شناسان دو تحوّل اساسی در این زمینه ایجاد کردند: اولاً، آنها جهانی شدن را به حوزه فرهنگ نیز گسترش دادند و به معنا و مفهوم جهانی شدن در این حوزه نیز پرداختند. ثانياً، جهانی شدن را نه به معنای جزئی و محدود، بلکه در صورتی کلّ و عام مطرح کردند که از ورود انسان و جامعه انسانی به شرائط و دوره تاریخی جدید حکایت می‌کرد. در هر حال با صرف نظر کردن از آنچه به طور جزئی و پراکنده در مورد دیدگاه‌های متضادّ و متفاوت در بحث مفهومی جهانی شدن گفته می‌شود، می‌توان نظریه‌های جهانی شدن را به دو دسته متفاوت تقسیم کرد؛ نظریه‌های مارکسیستی - نئومارکسیستی و نظریه‌های لیبرالیستی.

### 1- نظریه‌های مارکسیستی و نئومارکسیستی در مورد جهانی شدن

کارل مارکس<sup>۱۴۳</sup>: منطق انباشت سرمایه عامل و نیروی جهانی ساز در مارکس جهانی شدن به علاوه عام‌گرایی، به معنای یکی شدن، اتصال و پیوند ملّت‌ها و قرب زمانی - مکانی آنهاست. بر پایه منطقی که مارکس تجدد یا به تعبیر وی نظام سرمایه‌داری را می‌فهمید، جهانی شدن ضرورت چاره‌ناپذیر آن تلقی می‌گردید. به نظر او سرمایه‌داری و طبقه ذی نفع در این صورت‌بندی اجتماعی خاص، یعنی بورژوازی یا سرمایه‌دار در سراسر جهان «هر جایی لانه می‌گذارد، هر جا ساکن می‌شود، در هر جایی پیوند برقرار می‌کند». بری تأمین نیازهای تازه، سرمایه‌داری را به سرزمین‌های دور دست می‌کشاند و ملّت‌ها و کشورها را یکی پس از دیگری درگیر درگیر «مراوده همه‌جانبه و وابستگی متقابل و جهان شمول» می‌سازد. از نظر مارکس این تحوّل، تنها محدود به حوزه اقتصاد نمی‌گردد، بلکه تمام حوزه‌های سیاسی - اجتماعی و فرهنگی را هم در بر می‌گیرد. به نظر او به جای ساختارهای خوداتکا و بسته ملّی در تمامی جهان «تکای متقابل جهانی میان ملل می‌نشیند. در نتیجه همان گونه که در حوزه روابط مادی چنین اتّفاقی می‌افتد حوزه «تولید فکری» نیز ماهیت جهانی می‌یابد.<sup>۱۴۴</sup>

ماکس وبر<sup>۱۴۵</sup>: منطق عقلانیت عامل و نیروی جهانی ساز

---

143 K. marx.

144 1. K. marx, F. Engels, (1846), the communist Manifest, New York: promtheus Book, 1988, pp, 203-43.

84 ص 5831، «ین رشن ن: ارهت»، (ی‌داقتنا ده‌علاطم) نید و ن‌دش ی‌ناهج ی‌اهه‌یرظن، ن‌ایوچک ن‌بسح زا لقن ده.

145 M. weber.

وبر منطق گریزناپذیر عقلانیت را نیروی جهانی ساز می‌دانست که با گسترش آن همه فرهنگ‌ها ویژگی‌هایی مشترک می‌یابند یا به عبارتی، تحلیل می‌روند. ویژگی‌های مشترک مورد نظر وبر عبارت بود از غیر شخصی شدن روابط اجتماعی، پیشرفت فن‌آوری و اهمیت‌یابی تخصصی، ولی مارکس نیروی جهانی ساز را نه منطق عقلانیت بلکه منطق انباشت نظام سرمایه‌داری می‌داند. او که از این دیدگاه، جایگاهی به مراتب بالاتر از متفکران کلاسیک همچون (سن سیمون، آگوست کنت، دورکیم و...) دارد، بر آن است که چون نظام سرمایه‌داری برای محصولات خود بازارهای جدید جستجو می‌کند، نظامی جهل‌گیر است. البته این گسترش هم اقتصادی است هم فرهنگی، زیرا یک ویژگی جهانی به تولید و مصرف می‌دهد در واقع مارکس، پیوندی میان تولید سرمایه‌داری و فرهنگ مصرفی جهانی برقرار می‌کند که هنوز هم معتبر و مورد بحث است.<sup>۱۴۶</sup>

فردریک جیمسون<sup>۱۴۷</sup>: جهانی شدن یا «سرمایه‌داری متأخر»

جهانی شدن در نظریه جیمسون هم مسئله‌ای در ارتباط با مابعد تجدد است؛ به علاوه این که منطق تحلیل و فهم آن نیز منطق مارکسیستی می‌باشد. بر این اساس با این که مابعد تجدد از دید جیمسون اساسا مسئله‌ای ناظر به فرهنگ است بالضرورة صراحتا یا به طور غیر مستقیم به «ماهیت سرمایه‌داری چندملیتی» عصر حاضر ارتباط می‌یابد. این سرمایه‌داری اساسا با این ویژگی مشخص می‌شود که منطق سرمایه رابه حوزه فرهنگ یعنی حوزه سابقا مصون از نظام تولید سرمایه‌داری بسط داده و به آن ماهیتی کالایی می‌بخشد. با کالایی شدن فرهنگ و حاکمیت منطق سرمایه‌داری بر آن این حوزه استقلالی را که پیش از این داشت از دست می‌دهد. با این حال این به معنای از دست رفتن و نابودی فرهنگ به طور کامل نیست. چه از منظری مقابل ما شاهد «گسترش غیرعادی فرهنگ در سراسر قلمرو اجتماعی» هستیم «تا حدی که هر چیزی در زندگی اجتماعی از ارزش اقتصادی و قدرت دولت» و حتی «نقش ساخت روان» انسانی «به معنایی اصیل فرهنگی» شده است. این تحول است که به وضوح در پیدایی جهان مجازی و تبدیل واقعیت به شبه واقعیت‌ها و واقعیت‌هایی که تنها در تصاویر رسانه‌ها و در جهان رایانه‌ها وجود دارد قابل تشخیص می‌باشد.<sup>۱۴۸</sup>

با این حال جیمسون تأکید دارد که:

**«سرمایه‌داری جهانی شده با نفوذ در حوزه فرهنگ روساخت‌هایی با**

146 1. M. waters, Globalization, London: Routledge, 1995, p. 2.

147 F. Jameson.

. به نقل از حسین کچویان، *نظریه‌های جهانی شدن و دین مطالعه انتقادی*، تهران: نشر نی، 1385، ص 148.48

## پویایی‌های تازه‌ای ایجاد کرده است که کاملاً متفاوت با ویژگی‌های فرهنگ

در مراحل اولیه تجدد و سرمایه‌داری و یا حتی مرحله اخیر آن می‌باشد.»<sup>۱۴۹</sup>

مارکسیست‌ها و نومارکسیست‌هایی مانند لنین، سمیرامین، والرشتین و اسکلیر گرچه فرآیند یکدست و یکپارچه شدن جهان را می‌پذیرند، عامل و نیروی جهانی ساز و همگونی آفرین را نه انتخاب‌های عقلای افراد، بلکه سلطه شیوه واحد تولید کالا یا همان شیوه تولید سرمایه‌داری می‌دانند. والرشتین به عنوان برجسته‌ترین نظریه پرداز نومارکسیست نظام جهانی، عامل وحدت بخش نظام اجتماعی جهانی را اقتصاد می‌داند و جهانی شدن اقتصاد جهانی مدرن را اقتضای درونی سرمایه‌داری و نیاز آن نظام به رشد پایدار قلمداد می‌کند.

## 2- نظریه‌های لیبرالیستی و جهانی شدن

در میان نظریه‌پردازان لیبرالیستی، نظریه‌ای در باب جهانی شدن به معنا و مفهوم امروزی آن سابقه‌ای ندارد. آنچه در پیشروان این گروه می‌توان سراغ گرفت، جهانی شدن به معنای عمومیت یافتن تجدد، و بسط گسترش عام نهادها، هنجارها و قواعد آن به سراسر زمین می‌باشد. مطابق این نظریه‌ها تجدد پایان تاریخ بشریت می‌باشد؛ به این معنا که صورت نهایی حیات بشری به لحاظ ساختار و صورت اجتماعی در عرصه‌های مختلف آن جامعه متجدد است. این نظریه‌ها که تماماً اروپامدارند، تاریخ بشریت را به صورت حرکتی خطی از منشأ حیات تا جوامع قرن هیجدهم و نوزدهم اروپا تصویر می‌کردند. از این نظر همه جوامع می‌بایستی روند مشابهی را در تاریخ طی کرده، تا به عالی‌ترین سطح تمدن یعنی تجدد رسیده و زندگی خود را بر اساس معیارهای آن سامان دهند. نظریه تجدد، عقلانیت ابزاری و علم تجربی را معیار رشد تاریخ حیات بشری می‌داند که در قرن هیجدهم میلادی در اروپا به بالاترین سطح رشد خود رسیده بود، به بیان دیگر نیروی محرکه تاریخ یا عاملی که مراحل مختلف تاریخی را متقین می‌ساخت تغییر در میزان عقلانیت یا علم بشری بود.<sup>۱۵۰</sup>

آنتونی گیدنز<sup>۱۵۱</sup>: جهانی شدن تجدد

بحث گیدنز از جهانی شدن هم در واقع بحثی است در باره فضای زمان و دگرگون شدن نظم

۱۴۹. همان.

۱۵۰. حسین کچویان، *نظریه‌های جهانی شدن دین*، مجموعه مقالات چهارمین کنگره دین‌پژوهان، قم: احیاگران، ۱۳۸۲، ۱۵۰.

ص ۸۵.

151 A. Giddens.

و جایگاه آن دو در زندگی اجتماعی. او جهان شدن را «کنش از دور» یا «کنش با فاصله»<sup>۱۵۲</sup> تعریف کرده، ریشه و بستر آن را در فرآیند تجدد جستجو می‌کند؛ چرا که جهانی شدن چیزی جز گسترش تجدد در عرصه جهانی نیست. به بیان دیگر، گیدنز جهانی شدن را همانند تجدد، نتیجه نوسازی و نوسازی را نتیجه بر هم خوردن نظم و نسبت سنتی مکان فضا و زمان یا به اصطلاح جدایی زمان و فضا می‌داند.

از دیدگاه گیدنز در جوامع سنتی فضا و مکان و زمان به میزان زیادی منطبق هستند، کنش‌های اجتماعی فقط در فضایی محدود و منطبق با مکان معین صورت و معنا می‌یابد و اکثر کنش‌ها همواره چهره به چهره و بسترمند هستند.<sup>۱۵۳</sup> در چنین جوامعی فعالیت‌ها و اکثر کنش‌های اجتماعی به شدت زیر سلطه سنت و طبیعت قرار دارند، گستره مکانی و قضایی آن‌ها به هیچ روی نمی‌تواند از مرزهای محدود محلی فراتر رود و حضور شرط لازم و کافی هر گونه فعالیت اجتماعی است.<sup>۱۵۴</sup>

پس در اندیشه گیدنز برجسته‌ترین ویژگی و وجه تمایز دنیای ماقبل مدرن پیوند و انطباق زمان و فضا به واسطه مکان است.

وی جهانی شدن را نیز به عنوان «پیامدهای تجدد» و در درون آن و نه بیرون از آن تصور می‌کند.

با این که گیدنز قبول دارد که از عصر روشنگری در قرن هیجدهم میلادی به بعد غرب با «نزول تدریجی سروری» روبرو بوده است از «بسط رو به تزايد نهادهای متجدد در سراسر جهان» سخن می‌گوید. همین امر یعنی انتقال نهادهای تجدد به سراسر جهان، همان چیزی است که وی از آن به جهان شدن تعبیر می‌کند. وی در همین چارچوب جهانی شدن را نه بر پایه یک عنصر بلکه بر پایه چهار ویژگی توضیح می‌دهد. این چهار ویژگی یکی اقتصاد سرمایه‌داری، دیگری نظام دولت - ملت، سومی نظم نظامی جهانی و چهارمی تقسیم کار بین المللی می‌باشد.<sup>۱۵۵</sup>

---

152 Actionat distance.

153 1. S.Ha11 "the Question of cultural", in ha11, op, cit, p. 302.

به نقل از حسین کچویان، *نظریه‌های جهانی شدن و دین مطالعه انتقادی*، تهران: نشر نی، 1385.

154 2. A. Giddens, Beyond left and Right, (cambridge: polity, 1994), p. 6.

به نقل از حسین کچویان، *نظریه‌های جهانی شدن و دین مطالعه انتقادی*، تهران: نشر نی، 1385.

155 3. I bid, pp. 70-77.



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

این چهار ویژگی به ترتیب با شیوه تولید سرمایه‌دارانه، کنترل اطلاعات و نظارت اجتماعی، قدرت نظامی و صنعت‌گرایی ربط دارند که عناصر اصلی تجدّد را می‌سازند. از نظر وی رسانه‌ها



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

صرفاً ابزار گسترش و بسط این ویژگی‌های تجدّد به عالم هستند، نه این که خود مبین جهانی شدن باشند.<sup>۱۵۶</sup>

بنابر این از نظر گیدنز، جهانی شدن حاصل بر هم خوردن نظم سنتی فضا و زمان است که به واسطه جدایی فضا و زمان از مکان پدید می‌آید. این فضا و زمان جدا شده از مکان، در گستره‌ای نامتناهی با یکدیگر ترکیب و هماهنگ شده، امکان کنش و روابط اجتماعی را در جامعه‌ای بسیار بزرگ‌تر فراهم می‌کنند. بنابر این گستره تأثیرگذاری و تأثیرپذیری اجتماعی هم بسیار فراخ‌تر شده، جامعه‌ای جهانی شکل می‌گیرد و جهانی شدن معطوف به انواع پیوندها و رابطه خود با این جامعه جهانی است.

فرانسیس فوکویاما<sup>۱۵۷</sup>: جهانی شدن لیبرال - دموکراسی یا پایان تاریخ بشریت

پایان تاریخ عنوان مقاله‌ای بود که فوکویاما در تابستان 1989 م منتشر نمود، این مقاله به دنبال خود مباحثات جدی و دامنه‌داری را در بین اندیشه‌گران برانگیخت. فرض اصلی نظریه فوکویاما بر این بنیاد نهاده می‌شود که یک مسیر تکاملی زیربنای برای تاریخ وجود دارد و این مسیر به یک نقطه پایانی می‌رسد. فوکویاما در کتاب خود، روشن می‌کند که در تلاش است که با نظر به تحولات کنونی جهان «تاریخ عامی» بنویسد تا کل بشریت را در بر گیرد. این تاریخ عام جهانی باید همان هدفی را دنبال کند که اندیشه ترقی در نقطه آغاز شکل‌گیری لیبرالیسم اقتصادی و سیاسی متوجه آن بود.<sup>۱۵۸</sup>

با این که به این ترتیب جهانی شدن لیبرال دموکراسی سرنوشت محتوم بشر تلقی می‌شود، فوکویاما می‌گوید که در مرحله حاضر جهانی شدن حتی در حوزه اقتصاد هم «سطحی» و محدود است. تنها در حوزه روابط پولی است که چنین تحولی شکل عمیق و گسترده‌ای یافته است. به این ترتیب روشن است که جهانی شدن در حوزه فرهنگ در مرحله فعلی پدیده‌ای نیست که وی آن را تأیید کند. در این حوزه جهانی شدن کند و با دشواری پیش می‌رود. با این حال فرهنگ ملل آنجایی که به حوزه سیاست و اقتصاد ربط می‌یابد بالضرورة بایستی صورت فرهنگ لیبرال دموکراسی را بپذیرد.  
فوکویاما معتقد است:

---

156 1. A. Giddens, Ibid.pp. 77-80.

157 Francis Fukuyama.

158.91 . حسین کچویان، پیشین، ص 158.91



«جهانی شدن نام دیگری برای «آمریکایی شدن» است. جهانی شدن فرهنگ در سطح عمیق تر آن با مسئله «هنجارهای اخلاقی» سر و کار دارد که سازنده هویت انسان هاست. این حوزه‌ای است که سنتا زبان، دین و قومیت در آن نقش آفرینی می‌کند و به شدت در برابر تغییر و همگونی مقاومت می‌کند.»<sup>۱۵۹</sup>

مسئله دیگر در ادعای فوکویاما در خصوص جهانی شدن لیبرالیسم، جهانی شدن حقوق بشر، تجارت آزاد و چند مسئله دیگر است. فوکویاما به تفاوت‌های ملی توجه نمی‌کند و در نظر نمی‌گیرد که علی رغم اشکال سیاسی یا حکومتی، دولت‌ها با هویت جمعی‌شان تعریف می‌شوند تمایلات ملی و قومی در نظام‌های سیاسی غیر نمایندگی کاملاً برجسته است، چیزی که علی رغم توسعه اقتصادی و سیاسی لیبرالیسم همچنان نادیده گرفته شده است.<sup>۱۶۰</sup> در هر حال نظریه «پایان تاریخ» می‌گوید که به دلیل فقدان به دلیل‌های مقبر پس از شکست کمونیزم، نظام لیبرال دموکراسی صورت نهایی و عام تاریخ بشر خواهد شد. این یعنی نه تنها این صورت به همه جهان بالضروره گسترش خواهد یافت، بلکه در هیچ زمان دیگری در آینده از این صورت گذر نخواهد شد.

#### ه) ابعاد جهانی شدن

اگرچه جهانی شدن یکی از مراحل پیدایش و گسترش تجدد و سرمایه‌داری جهانی تلقی می‌شود، اما اینک بیشتر به ابعاد اقتصاد، سیاسی و فرهنگ آن تأکید می‌گردد. به شکلی که تأثیرات آن به گونه‌ای ملموس در زندگی روزمره و جنبه‌های مختلف آن، حتی در کشورهای پیرامونی همانند ایران، احساس می‌شود. بنابر این برای دستیابی به تصویری روشن‌تر و عینی‌تر از فرآیند جهانی شدن باید به شناخت نمودها و مصادق آن همت گماشت، در این قسمت از بحث قصد داریم مصادق‌های جهانی شدن را در عرصه‌های زندگی اجتماعی (اقتصاد، سیاست و فرهنگ) شناسایی و توصیف کنیم. بدین منظور، نخست از جهانی شدن اقتصادی، سپس از

159 1. Francis Fukuyama "the End of History" the National Interest, Number 16,

(summer 1989), pp, 4-5.

به نقل از حسین کچویان، *نظریه‌های جهانی شدن*، مجموعه مقالات چهارمین کنگره دین پژوهان، پیشین.

. محمد نوحیدنام، *پایان تاریخ در عصر جهانی شدن دمکراسی*، مجموعه مقالات فرهنگ در عصر جهانی شدن: 160.

چالش‌ها و فرصت‌ها، تهران: نشر روزنه، 1381، ص 230.

جهانی شدن سیاسی و سرانجام از جهانی شدن فرهنگی سخن خواهیم گفت.

## 1- جهانی شدن اقتصادی

جهانی شدن اقتصاد که به نظر غالب متفکران مسائل جهانی، وجه غالب جهانی شدن را تشکیل می دهد، با عالم گیر شدن نظام سرمایه داری و الگوی اقتصادی لیبرال تعریف می گردد. در بسیاری از نظریه ها و تعریف های جهانی شدن، بر عنصر اقتصادی این فرآیند تأکید شده و نظریه پردازان پرشماری، وجه غالب جهانی شدن را اقتصادی می دانند. از دیدگاه آنها گرچه فرآیند جهانی شدن بسیار فراگیر است و بر همه حوزه های زندگی اجتماعی تأثیر می گذارد، اما آشکارترین و برجسته ترین نمودها و مصداق های این فرآیند به حوزه اقتصاد اختصاص دارد. معمولاً جهانی شدن را به جهانی شدن تولید، توزیع و اعتبار یا تبدیل جهان به بازاری برای تجارت، تولید، فروش و سرمایه گذاری تعریف می کنند.

در حوزه اقتصادی جهانی شدن مفهوم خاصی دارد. جهانی شدن اقتصاد یعنی این که فرآیند توزیع و تولید کالا و خدمات در سطح جهانی و بدون توجه به مرزهای جغرافیایی - سیاسی انجام می گیرد.<sup>۱۶۱</sup>

بنابر این جهانی شدن اقتصاد یعنی کارخانه های جهانی، مدیران جهانی، سازمان دهی مدیریت در سطح جهان، تکنولوژی قابل استفاده در سطح جهان، ارائه خدمات بانکی، مالی، بیمه، حمل و نقل و... در سطح جهان. نتیجه فوق را می توان به این شکل توصیف کرد که دگرگونی هایی که مراحل پرشتاب آن در دهه اخیر طی شده است و امروزه همچنان ادامه دارد وضعیتی را ایجاد خواهد کرد که در آن تولیدات ملی، تکنولوژی ملی، شرکت های ملی و صنایع ملی وجود نخواهد داشت.

باری آکسفورد در مورد فرآیند جهانی شدن اقتصاد می گوید:

**«نکته اصلی این است که جهان در معرض فرآیند وابستگی و**

**پیوستگی متقابل فزاینده و شدیدی است، به گونه ای که سخن گفتن از**

**اقتصادهای ملی یا صلاحیت قضایی محلی به طور جداگانه، بر اساس**

**اصولی چون حاکمیت دولت - ملت سرزمین بیش از پیش نامناسب**

**می شود.»<sup>۱۶۲</sup>**

. احمد گل محمدی، پیشین، ص 161.64

. باری آکسفورد، پیشین، ص 162.182

تحوّلات و ویژگی‌های مطرح شده در خصوص اقتصاد جهانی را می‌توان نمود برجسته جهانی شدن اقتصادی و بنابر این فرآیند جهانی شدن به شمار آورد، چون هم به فشردگی زمان و فضا (کاهش شدید هزینه‌های ارتباط و حمل و نقل) معطوف است، هم به ادغام در جامعه جهانی (نفوذ بیش از پیش اقتصاد به درون موانع و مرزهای باقی مانده جغرافیایی - سیاسی) و هم به آگاهی نسبی از فرآیند فشردگی و ادغام جهانی مربوط می‌شود، ولی فرآیند جهانی شدن به هیچ وجه در اقتصاد خلاصه نمی‌شود.

## 2- جهانی شدن سیاست

جهانی شدن را از لحاظ سیاسی، باید رهایی امر اجتماعی از سیطره دولت دانست. در مراحل مختلف دوران مدرن، مرزهای جامعه توسط دولت تعریف و تحدید می‌شود و مرزهای سیاسی کم و بیش بر مرزهای اجتماعی منطبق بود. مرزهای فرهنگی - هویتی نیز به واسطه تلاش‌های پایدار و حتی کم و بیش خشونت‌بار دولت، از مرزهای ملی فراتر نمی‌رفت و هر گونه فرهنگ فراملی و فروملی نوعی ناهنجاری و یا بحران قلمداد می‌شد. ولی فرآیند جهانی شدن با فرسایش و نفوذپذیر کردن مرزهای ملی، زمینه جدایی جامعه، روابط اجتماعی و فرهنگ را از نهاد دولت - ملت فراهم می‌کند.

مقصود از جهانی شدن سیاست، کم‌رنگ شدن مرزهای ملی و فرو ریختن باورها و تصوّرات سنتی و کلاسیک از مفاهیم سیاسی نظیر حاکمیت، منافع ملی و غیره است. در حوزه سیاست با حضور و گسترش اختیارات نهادهای سیاسی جهانی، تحوّلات چشم‌گیری در حوزه قدرت و حاکمیت دولت‌های ملی و ماهیت نظام بین‌المللی رخ نموده است. به عبارت دیگر، عرصه‌های تصمیم‌گیری سیاسی بر فراز دولت‌های ملی در سطح جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی، از جمله مهم‌ترین بازیگران سیاسی در سطح بین‌المللی شده‌اند که قدرت تصمیم‌گیری در سطح جهانی دارند.<sup>۱۶۳</sup>

دیوید هلد از نظریه‌پردازانی است که در مورد جهانی شدن سیاست اندیشیده است. وی برای فهم این فرآیند از سطح روابط غیرسیاسی و بین‌جامعه‌ای شروع می‌کند و سپس بحث‌ها را گام به گام تا تضعیف دولت - ملت و سرانجام، استقرار حکومت جهانی به جای دولت ملی به

۱۶۳. کیت نش، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر، ۱۳۸۰، ص ۱۱۳.

پیش می‌برد. این مراحل را دیوید هلد این چنین توضیح می‌دهد: ۱۶۴

- 1- افزایش روابط اقتصادی و فرهنگی موجب کاهش قدرت و کارایی حکومت‌ها در سطح دولت - ملت می‌گردد. حکومت‌ها دیگر کنترل روی نفوذ و ورود اقلام اقتصادی از ورای مرزهای ملی ندارند.
  - 2- ظهور شرکت‌های فراملی و سازمان‌های غیر حکومتی<sup>۱۶۵</sup> بیش از پیش قدرت دولت‌ها را کاهش می‌دهد و اختیارات حکومت را محدود می‌سازد.
  - 3- اغلب حوزه‌های سنتی مسئولیت دولت و کار ویژه‌های حکومت‌های ملی باید در ارتباط با معیارها و هنجارهای بین‌المللی هماهنگ و تعریف شود. دولت‌های ملی نمی‌توانند امنیت ملی، منافع ملی و تهدیدات ملی را آن گونه که می‌خواهند، بدون توجه به علایق و منافع دیگر بازیگران بین‌المللی، تعریف کنند.
  - 4- نکته سوم ما را یک گام در محدودسازی اختیارات و حاکمیت ملی به پیش می‌برد. دولت‌ها ناگزیرند حاکمیت خود را در قالب واحدهای سیاسی بزرگ‌تر مانند جامعه اروپا، آسه آن، اپک و نفتا و غیره تعریف نمایند و بالاخره، در درون سازمان‌های جهانی و منطقه‌ای حاکمیت ملی کشورها تضعیف می‌گردد و کنترل حکومت‌ها در رخدادها و حوادث سیاسی ملی و منطقه‌ای کاهش می‌یابد.
- در نتیجه جهانی شدن در بر دارنده جریان کالاها، سرمایه، انسان‌ها، اطلاعات، عقاید اندیشه‌ها و خطرات بین مرزهای ملی است که با ظهور شبکه‌های اجتماعی و نهادهای سیاسی که دولت - ملت را محدود می‌کنند، توأم شده است.

### 3- جهانی شدن فرهنگ

جهانی شدن فرهنگ عبارت است از شکل‌گیری و گسترش فرهنگی خاص در عرصه جهانی. این فرآیند موجی از همگونی فرهنگی را در جهان پدید می‌آورد و همه خاص‌های فرهنگی را به چالش می‌طلبد. جهانی شدن فرهنگ بدین معناست که امروزه در اثر رشد چشم‌گیر رسانه‌های ارتباطی جمعی و تکنولوژی اطلاعات، به هم پیوستگی فزاینده فرهنگی در سراسر جهان به وجود آمده است؛ به بیان دیگر، جهانی شدن فرهنگ به امکان تعامل و درک بیشتر

---

164 1. David Held, Democracy and the Global order, (cambridge: 1995), p 126.

به نقل از: حسین کجویان، *نظریه‌های جهانی شدن و دین*، پیشین.

فرهنگ‌ها از همدیگر و فرآهم شدن زمینه‌های جذب بیشتر اشاره دارد. به سبب جریان آرام و گسترده اطلاعات، جوامع نسبت به هویت، فرهنگ، تورم‌ها و هنجارهای یکدیگر بیش از سایر زمان دسترسی دارند در این تلقی، جهانی شدن فرهنگ صرفاً به عنوان ایجاد شرایط و فضای مناسب برای درک و فهم الگوها و هنجارهای فرهنگی جوامع نسبت به همدیگر می‌باشد. بر خلاف برخی برداشت‌ها، جهانی شدن فرهنگ به مفهوم گرایش روزافزون به سوی فرهنگی واحد و یک‌پارچه نیست.<sup>۱۶۶</sup>

رابرتسون جهانی شدن را «احساس یکی شدن» تعریف می‌کند. احساس یکی شدن طریق دیگری است برای بیان این مطلب که جامعه بشری در حال هویت‌سازی نوینی است، اگر هویت‌سازی نوینی انجام می‌گیرد، اجباراً هویت‌ها و فرهنگ‌های پیشین مورد تهدید قرار گرفته‌اند.

فرهنگ‌های پیشین توسط پسوند «ملّی» تعریف می‌شوند، اما جهانی شدن این مفهوم را در بر دارد که عامل ملّی در فرآیند فرهنگ‌سازی رفته رفته کارکرد خود را از دست می‌دهد. پس احساس تعلق داشتن به یک فرهنگ ملّی نیز رو به ویرانی می‌رود. به عبارت دیگر، جهانی شدن در حوزه‌های مختلف از جمله در حوزه فرهنگی موجب نوعی واگرایی و هم‌زمان موجب همگرایی شده است. از سوی دیگر، احساس یکی شدن یا هویت‌سازی جهانی، نقش کلیدی را در ایجاد هماهنگی بین عین، ذهن، یا به عبارت دیگر بین جهانی شدن و فرهنگ منطبق با آن ایجاد می‌کند. از این جهت در عصر جهانی شدن یک واگرایی فرهنگ در سطح ملّی و یک همگرایی فرهنگ در سطح کلان و جهانی در حال شکل‌گیری است.

### رابطه فرهنگ و جهانی شدن

با وجود تفاوت و تنوع گسترده‌ای نظریه‌پردازی در مورد جهانی شدن فرهنگ می‌توان رابطه فرهنگ و جهانی شدن یا واکنش‌های فرهنگی به این فرآیند را در قالب سه دسته طبقه‌بندی کرد: همگونی فرهنگی؛ خاص‌گرایی فرهنگی؛ و آمیزش و تحوّل فرهنگی.

#### الف - همگونی فرهنگی

وجه تمایز همگونی فرهنگی عبارت است از نوعی انفعال و استحاله. در چنین رابطه‌ای معمولاً فرهنگ‌ها در برابر فرآیند جهانی شدن منفعل می‌شوند و حتی ضمن پذیرش فرهنگی که

جهانی شدن اقتصادی حاصل آن است، ویژگی‌های خود را از دست می‌دهند. به بیان دیگر برخی نظریه‌پردازان برآنند که جهانی شدن زیر سلطه نظام جهانی سرمایه‌داری و شرکت‌های قدرت‌مند چند ملتیتی قرار دارد و بنابر این جهانی شدن اقتصادی نوعی جهانی شدن فرهنگی را به دنبال می‌آورد. این برداشت از جهانی شدن، همان نظریه امپریالیسم فرهنگی است که فرآیند جهانی شدن را در خدمت گسترش نوعی فرهنگ مصرفی می‌داند.<sup>۱۶۷</sup>

البته چند نوع از این دیدگاه وجود دارد که در همه آنها بر یکپارچه شدن فرهنگی و کاهش تنوع و تفاوت فرهنگی تأکید می‌شود، یک روایت بسیار آشنا این است که جهانی شدن یعنی غربی کردن و فرآیندهای جهانی در خدمت تحمیل فرهنگی غربی بر دنیای غیرغربی هستند. این ویژگی‌های غربی عبارتند از سرمایه‌داری، اقتصاد سودمحور بازار، سیاست دموکراتیک و اندیشه سکولار نمود یافته در خرد علمی، فردگرایی و حقوق بشر که بار هنجاری و ارزش قومی دارند، این فرآیند برای برخی صاحب نظران خوشایند است. در این تلقی شبکه‌های اطلاعاتی ابزاری است که فرهنگ‌ها محلی و ملی را بین المللی نموده، آن را در اختیار جوامع جهانی قرار می‌دهد. در این حالت، جهانی شدن فرهنگ به سوی جهان چند فرهنگی حرکت می‌کند. شرایط جدید این فرصت را برای فرهنگ‌های ملی، مذهبی و قومی به وجود آورده که بر تعداد مخاطبان خود بیفزاید و علاقمندان جدیدی را در ورای مرزهای ملی ایجاد کنند. در این جا جهانی شدن فرهنگ الزاما به مفهوم گسترش فرهنگ مسلط نیست، اما به صورت طبیعی روند ایجاد شده به استیلاي فرهنگ ملل توسعه یافته و عقب‌نشینی یا تضعیف دیگر فرهنگ می‌انجامد.<sup>۱۶۸</sup>

روایت خاص تری از همگونی و یکپارچه‌سازی فرهنگی، آمریکایی کردن فرهنگ جهانی است. محور بحث در این روایت، همگونی فرهنگی به واسطه رسانه‌های آمریکایی است. طبق این دیدگاه می‌توان گفت که جهان به سمتی می‌رود که یک فرهنگ برتر جهانی را پذیرا باشد. آنتونی گیدنز، در ورای فرآیند جهانی شدن، نوعی «افزایش سریع در اجماع و پایه‌گذاری فرهنگ جهانی» را مشاهده می‌کند. نگاهی که متضمن چشم پوشیدن بر تنوع فرهنگی و تحقیر ملت‌های توسعه نیافته است به عقیده گیدنز جهانی شدن شامل تراکم فضا به عنوان یک کلّ و از طرف دیگر افزایش سریع در اجماع بر سر گونه‌ای فرهنگ جهانی است. جهانی شدن با

۱۶۷. یحیی گل محمدی، *جهانی شدن و فرهنگ*، مجموعه مقالات در عصر جهانی شدن: چالش‌ها و فرصت‌ها، به کوشش 167

محمد توجید فام، تهران: روزنه، 1381، ص 82.

۱۶۸. حسین کجویان، *نظریه‌های جهانی شدن و دین*، پیشین، ص 168.79

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

مشارکت تمامی مذاهب و تمدن‌ها به وقوع پیوسته است، اگر چه عده‌ای در محافل سیاسی غرب معتقدند که جهانی شدن شکلی از اشکال غربی شدن است و نماد تحقیرآمیزی برای کشورهای پیرامون به حساب می‌آید. وقتی فوکویاما، از پایان تاریخ در قالب پیروزی لیبرال دموکراسی سخن می‌گوید، در واقع تأکید دارد که فرهنگ غرب در قالب ایدئولوژی لیبرالیسم بلامنازع گشته و بر این گمان است که مردم کشورهای غیرغربی، بیشتر بدین علت که مجموعه اعتقادات و باورهای آنها را که بر یک رشته پیش‌داوری استوار بوده، به بن بست رسیده و در پی جایگزین به ارزش‌های غربی روی می‌آورند... جهانی شدن نظریه نسبیت فرهنگی را که بر هم‌تراز بودن فرهنگی‌های متفاوت استوار است، منتفی می‌سازد.<sup>۱۶۹</sup>

در واقع فوکویاما با تز پایان تاریخ<sup>۱۷۰</sup>، مدعی شد که لیبرالیسم با پایان جنگ سرد، به فرهنگ‌غالب جهانی تبدیل شده است. از نظر وی جهانی شدن معنایی جز جهان‌شمول شدن الگوی جامعه لیبرال غرب ندارد.

در واقع از منظر این دسته نظریه‌پردازان، مدرنیسم بر ارزش‌هایی چون عقل‌گرایی، سکولاریسم، فردگرایی و... تأکید دارد و مدعی است برای نیل به آزادی انسان‌ها از عجز و عقب‌ماندگی، این ارزش‌ها باید بدون در نظر گرفتن تاریخ، جغرافیا، اعتقادات هر قوم به مثابه یک فرهنگ جهانی گسترش یابد.<sup>۱۷۱</sup>

اما باید گفت؛ این دسته از نظریات با چالش‌هایی نیز روبرو شده است به عنوان نمونه، می‌توان گفت نقدهایی که بر همگون‌سازی فرهنگی وارد می‌آید، از این حیث است که آن را مساوی تحمیل فرهنگ غربی بر دیگر مناطق جهان می‌داند. بنابر این غرب با همگن‌سازی و یک‌دست نمودن جهان از طریق جهان کردن کالاهای مصرفی و فرهنگی خود، سعی دارد تا علاوه بر عالمگیر ساختن ارزش‌ها و الگوهای زندگی و رفتاری خود، همچنان سردمدار نظام اقتصادی

---

۱۶۹. محمد قراگوزلو، «جهانی شدن و تنوع فرهنگ‌ها» مجله *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، سال هفدهم، شماره اول، مهر و ۱۶۹  
آبان ۱۳۸۱، صص ۶-۱۶۵.

170 The End of History.

۱۷۱. داود کیانی، «فرهنگ جهانی، اسطوره یا واقعیت» *فصلنامه مطالعات ملی*، سال سوم، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۸۰، صص ۹۴-۱۷۱.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد

دنیا باشد. از نظر منتقدین اصلی جهانی شدن مانند «هربرت شیلر<sup>۱۷۲</sup>» و «ریتزر»<sup>۱۷۳</sup> فرهنگ مصرفی حاکم، به نوبه خود، منادی فرهنگ آمریکایی می باشد و می توان به جای جهانی شدن، اصطلاح

---

172 Herbert schiller.

173 Ritzer.



«مک دونالدی شدن» جهان را به کار برد.<sup>۱۷۴</sup>

می توان به طور خلاصه اشاره کرد که مفهوم امپریالیسم فرهنگی القاء می کند که به طور طبیعی یک نظام متمرکز سلسله مراتبی وجود دارد که می تواند سیطره روزافزون فرهنگی خاص خود را بر فرهنگ های دیگر کشورها اعمال کند.

ب - خاص گرایی فرهنگی

نوع دیگری از رابطه جهانی شدن و فرهنگ را می توان زیر عنوان خاص گرایی فرهنگی بررسی کرد. در نقد نظریه همگون سازی یا یکپارچه سازی فرهنگی، برخی نظریه پردازان مدعی هستند که واکنش فرهنگی در برابر فرآیند جهانی شدن به هیچ روی صرفاً انفعال، استحاله و تسلیم نیست. در بیشتر موارد واکنش فرهنگ ها با مقاومت و حتی مقابله پر تنش همراه است که معمولاً در قالب توسل به عناصر هویت بخشی زبانی، دینی، قومی و نژادی نمود می یابد. به بیان دیگر فرآیند جهانی شدن در عین حال که جنبه هایی از زندگی در دنیای مدرن را یک دست می کند، تفاوت های فرهنگی و هویتی را نیز تقویت و احیاء می کند. از این رو منتقدین تجدد، جهانی شدن را آغاز عصری جدید می دانند که با فرهنگی شدن زندگی و برجسته تر شدن هویت های گوناگون اجتماعی ویژگی می یابد. مدافعان تجدد هم در قالب مفاهیمی مانند ضدیت با دموکراسی، احیاء قبیله گرایی و بنیادگرایی، به این واقعیت اعتراف می کنند. دسته ای از خاص گرایی های فرهنگی خاص گرایی های قومی هستند. بر خلاف پیش بینی های مارکسیستی و لیبرالی مبنی بر افول و نابودی گریزناپذیر هویت های قومی، دنیای معاصر در دهه های اخیر شاهد احیاء و گسترش انواعی از هویت های قومی بوده است. گوناگونی نشانه های فرهنگی و اهداف متفاوت بسیج قومی، دیگر ویژگی این گونه خاص گرایی به شمار می آید. برخی جنبش ها استقلال فرهنگی می خواهند و برخی دیگر در جستجوی حقوق برابر در درون نظام سیاسی غالب هستند. به هر حال در همه موارد، این جنبش ها نموده های برجسته هویت گروهی و میل به توزیع عادلانه تر منابع سیاسی و اقتصادی هستند. سطح بالاتری از خاص گرایی قومی، تقویت و احیای ملی گرایی، در جوامع مختلف است. این گونه خاص گرایی هم که در سال های اخیر و در مناطق مختلفی مانند اروپای غربی، بالکان، آسیای مرکزی، آفریقا و آمریکای لاتین برجسته تر شده است، نوعی از مقاومت فرهنگی در برابر فرآیند جهانی شدن قلمداد می شود.<sup>۱۷۵</sup> از دیدگاه صاحب نظران، فرآیند جهانی شدن با گسترش

. داود کیانی، پیشین، ص 174.105

. یحیی گل محمدی، پیشین، ص 175.85

فرهنگ خاص خود در قالب شیوه‌های مصرفی استاندارد مانند مک دونالد یا کوکاکولا، پیوندها و تعلقات خاص با تاریخ و سرزمین را نابود می‌کنند. از این رو احساسات و فرهنگی‌های ملی تقویت و احیاء می‌شوند، چرا که «خاص زمان‌مندی و معنی‌دار» هستند. در واقع احیای ناسیونالیسم واکنشی است فرهنگی به فرآیند سیال، غیر شخصی، هویت‌زدا و نابرابری فرآیند جهانی شدن.<sup>۱۷۶</sup>

دسته دیگری از خاص‌گرایی فرهنگی بر محور دین و سنت‌های دینی شکل می‌گیرند. واکنش خاص گرایانه دینی نیز مانند دیگر خاص‌گرایی‌های فرهنگی در واقع واکنشی است به بحران هویت، بی‌تعیینی و ابهام، سیالیت، نسبی شدن و شبکه‌های غیر شخصی قدرت و ثروت که محصولات فرآیند جهانی شدن به شمار می‌آیند. این جنبش‌های خاص‌گرایانه، هویت‌بخش که در ادبیات معاصر تحت عنوان بنیادگرایی دینی بررسی می‌شوند، پدیده‌های پرشمار و گوناگون هستند.

پس طبق دیدگاه دوم، می‌توان گفت که جهان نه تنها به یک سمت همگون‌سازی حرکت نمی‌کنند، بلکه به سمتی حرکت می‌کند که قطب‌سازی (تضاد)، تنوع و گونه‌های مختلفی سر بر می‌آورد. این دیدگاه بیشتر، دیدگاه نظریه‌پردازان پست مدرن می‌باشد. طبق این دیدگاه، رویکرد فرهنگی پست مدرنیست‌ها نیز زیر سؤال بردن مفهوم فرهنگ جهانی به عنوان یک فراروایت مشتمل بر مجموعه‌ای از ارزش‌ها، اعتقادات و الگوهای رفتاری واحد در قالب یک جهان‌بینی همگن‌ساز است.<sup>۱۷۷</sup> در همین راستا، کنت نش بر این اعتقاد است، از آنجا که جهانی شدن با پسامدرنیته پیوند خورده است، فرهنگ جهانی نیز اغلب فرهنگی پست مدرن تلقی شده که سریعاً در حال پارگی، تغییر، گسستگی، تکرار، اختلاط و تلفیق شدن است.<sup>۱۷۸</sup>

### ج - همزیستی و تحوّل فرهنگی

خاص‌گرایی‌های فرهنگی قومی، ملی، دینی و اجتماعی به رویارویی با فرآیند همگونی فرهنگی برخاسته‌اند، به هیچ روی نمی‌توان دنیای پیچیده و متنوع فرهنگی را صرفاً عرصه تسلیم یا ستیز دانست. به بیان دیگر عملکرد دو نیروی تفاوت‌زدا و تفاوت‌زا در عرصه فرهنگی جهانی بخشی از واقعیت است. بازی فرهنگی در صحنه جهانی باری همه یا هیچ نیست و نوعی

---

۱۷۶. همان، ص 176.86

۱۷۷. داود کیانی، پیشین، ص 177.107

۱۷۸. کیت نش، پیشین، ص 178.83

همزیستی، اختلاط و تعالی فرهنگی هم امکان دارد.

این گونه واکنش که معمولاً تحت عناوینی مانند روش پیوندی<sup>۱۷۹</sup> تحولی<sup>۱۸۰</sup> و غیردفاعی<sup>۱۸۱</sup> توصیف می‌شوند، بر این نکته دلالت دارند که نمی‌توان گفت در عصر جهانی شدن، فرهنگ‌ها یا باید به خلوص و ریشه خود توسل جویند یا ادغام و ناپدید شوند، بلکه آنها می‌توانند

با متحوّل شدن و آمیزش با فرهنگ‌ها و هویت‌های دیگر به حیات خود ادامه دهند.<sup>۱۸۲</sup>

لذا در رویکرد سوّم، می‌توان بیان کرد که در عصر جهانی شدن هم جریان همگون‌سازی و هم جریان تنوّع فرهنگی وجود دارد و به نحوی این دو جریان با یکدیگر در رابطه متقابل و تعامل با یکدیگر می‌باشند، در واقع رابرتسون از اصطلاح «جهان شمولی امر محلی»<sup>۱۸۳</sup> و «محلی شدن جهانی»<sup>۱۸۴</sup> استفاده می‌کنند، تا بتواند این موضوع را توضیح دهد.<sup>۱۸۵</sup>

و در نظر این گروه از نظریه‌پردازان، در فرآیند جهانی شدن هم گرایش عام‌گرایانه وجود دارد و هم گرایش خاص‌گرایانه، هیچ کدام از این دو گرایش بر دیگری مسلط نمی‌شود و هر دو گرایش به صورت متقابل، به یکدیگر قوام می‌بخشند.

با توجه به مطالب فوق، در این رساله، ادبیات مفهومی جهانی شدن برای ما از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد و از آنجا که در این رساله تأثیر جهانی شدن با تأکید بر فرهنگ مورد نظر می‌باشد، جهانی شدن فرهنگ و نسبت آن امنیت ملی مورد توجه قرار می‌گیرد. لذا جهانی شدن

---

179 Hybridization

180 Translation

181 offensive

182.89 . یحیی گل محمدی، *جهانی شدن و فرهنگ، مجموعه مقالات*، پیشین، ص 89.

183.102 . رونالد رابرتسون، *جهانی شدن؛ تنوری‌های اجتماعی و فرهنگی جهانی*، پیشین، ص 102.

184 Universalition of Local.

185 localization of universal.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

فرهنگ، از یک جهت فرهنگ کشورها و سوی دیگر امنیت فرهنگی کشورها را تحت تأثیر قرار می‌داد که می‌تواند به دو صورت محدودیت‌ها و فرصت‌ها ظاهر شود. در قسمت بعد ادبیات نظری امنیت ملی مورد بحث قرار می‌گیرد.

## 2- امنیت ملی

الف: تعریف امنیت ملی

«امنیت ملی» یک مفهوم غربی و خصوصاً آمریکایی است که در سال‌های پس از 1945 م

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

رواج یافت. در مورد امنیت مّلی تعاریف مختلفی ارائه شده است. این مفهوم مانند دیگر مفاهیم علوم انسانی، دارای تعریفی واحد و مقبول تمامی یا حداقل بیشتر صاحب نظران نمی باشد. ریشه این عدم اتفاق نیز به تلاش افراد، گروه‌ها و کشورها در تلقی و برداشت متفاوت آن‌ها از این واژه باز می گردد. بر همین اساس، مثلاً آرنولد ولفرز می گوید: «امنیت مّلی نماد ابهام آمیزی است که اصلاً ممکن نیست دارای معنای دقیق باشد.»<sup>۱۸۶</sup>

در این جا ابتدا به چند تعریف از مفهوم امنیت مّلی اشاره نموده و سپس تعریفی را که این پژوهش بر پایه آن استوار است، ارائه می نماییم.

در دائرة المعارف علوم اجتماعی، این واژه چنین تعریف گردیده است؛ «توان یک ملت در حفظ ارزش‌های داخلی از تهدیدات خارجی»<sup>۱۸۷</sup>. سازمان ملل متحد طی پژوهشی در این زمینه با عنوان «مفاهیم امنیت» آن را چنین تعریف می نماید:

**«این که کشورها هیچ گونه، احساس خطر حمله نظامی، فشار سیاسی یا اقتصادی نکرده و بتوانند آزادانه گسترش و توسعه خویش را تعقیب کنند.»<sup>۱۸۸</sup>**

یکی از نخستین کسانی که امنیت مّلی را تعریف کرده است، والتر لیپمن است. لیپمن می گوید:

**«یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ، بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را پیش ببرد.»<sup>۱۸۹</sup>**

آرنولد ولفرز در جای دیگر امنیت را این گونه تعریف نموده است:

**«امنیت در یک مفهوم عینی، به فقدان تهدیدها نسبت به ارزش‌های اکتسابی تلقی می شود و در یک مفهوم ذهنی، امنیت [بر اساس فقدان دلهره و نگرانی از به مخاطره افتادن ارزش‌ها و توان مندی لازم در کسب نتایج**

---

۱. محمد بصیری، «مفهوم امنیت مّلی»، فصلنامه خاور میانه، ش 1، 1378، ص 186.69

۲. همان، ص 187.70

۳. حمید قاسمی، «برداشت‌های متفاوت از امنیت مّلی»، فصلنامه سیاست دفاعی، شماره دوم، صص 188.55-54

۴. جلیل روشندل، امنیت مّلی و نظام بین الملل، تهران: انتشارات سمت، 1374، ص 189.11



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

منصفانه ارزیابی می شود.»<sup>۱۹۰</sup>

---

. همان، ص 190.12



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

با توجه به این که امنیت ملی دارای دو بعد داخلی و خارجی می باشد که به یکدیگر مرتبط هستند، می توان آن را این گونه تعریف کرد:

**«امنیت ملی، یعنی دست یابی به شرایطی که به یک کشور امکان می دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بیگانه در امان باشد و در راه پیش برد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی و تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه فارغ از مداخله بیگانه گام بردارد.»**<sup>۱۹۱</sup>

اگر از حیطة مفهوم سنتی امنیت ملی که ناظر بر فقدان خطر و آسودگی از حملات نظامی دشمن است، خارج شده و به مفهوم جدید امنیت ملی ملتزم شویم، آن گاه گستره پیوند عمیق امنیت در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، دفاعی و... با جهان خارج به روشنی محقق می شود. هر چند در مفهوم نوین امنیت ملی، تعاریف متعددی ارائه شده است؛ اما همچنان امنیت ملی قبل از همه، مقوله ای ذهنی و ارزشی باقی مانده است.

والتر لیپمن و تراگر امنیت ملی را حفظ ارزش های حیاتی جامعه ذکر کرده اند. در این صورت، جهانی شدن ارزش ها و رسوخ آن در مرزهای ملی و قرار گرفتن آن در فرآیند جامعه پذیری، می تواند در قالب تعارض یا همگنی با امنیت ملی ظاهر شود. مطالعه چگونگی این تلاقی و تأثیر جهانی شدن بر امنیت ملی به ویژه امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، هدف تحقیق حاضر است.

### ب: نظریه های امنیت ملی

مفهوم «امنیت ملی» از مفاهیمی است که هم در بُعد نظری و هم در بُعد عملی توجه بسیاری از تئوریسین های روابط بین الملل و سیاستمداران را به خود جلب نموده است. ما در این قسمت سعی خواهیم کرد، ابتدا به نظریه های سنتی امنیت که همان، نظریه های سخت افزاری امنیت است اشاره کرده، و در ادامه به نظریه های مدرن امنیت که تعبیر به نظریه های نرم افزاری امنیت می شود و چارچوب رساله حاضر را تشکیل می دهد توضیح داده و از چارچوب نظری فراساختارگرایان که بر جدانپذیری امنیت ملی و امنیت جهانی، مفهوم نوین امنیت و به ویژه بُعد نرم افزاری امنیت مانند هویت، ارزش ها و هنجارها تأکید دارند از آن استفاده کرده و از دیدگاه های

۱۹۱. احمد نقیبزاده، *نظریه های کلان و روابط بین الملل*، تهران: نشر قومس، سال ۱۳۷۷، ص ۱۹۱.

نویسندگان این مکتب همچون، ریچارد اشلی، میخائیل شاپیرو، و آر،بی،جی، والکر و دیوید کمپل و... در این زمینه بهره خواهیم برد.

### 1- نظریه‌های سنتی امنیّت (امنیت سخت‌افزاری)

نظریه‌های سنتی امنیّت عمدتاً شامل نظریه‌های واقع‌گرایان و آرمان‌گرایان می‌باشد. مفهوم سنتی تأکید خاصی بر تأثیر تهدیدهای خارجی بر امنیّت داشت و در نتیجه راه تأمین امنیّت را نیز ابزار و وسایل نظامی می‌دانست که اصطلاحاً امنیّت سخت‌افزاری نامیده می‌شود. اگر جنگ میان کشورها امری عادی محسوب می‌شود، در واقع امنیّت ملی در چارچوب مفهوم سنتی آن تعریف می‌شود. لذا مفهوم امنیّت ملی نیز کاملاً جنبه نظامی به خود می‌گیرد و نیروی نظامی در روابط میان کشورها حرف آخر را می‌زند، حتی اگر کاربرد نیروی نظامی از لحاظ اخلاق مطلوب و مقبول نباشد. لذا مفهوم سنتی امنیّت دارای دو مفروض اصلی بود: اول، این که منبع تهدید خارجی است و دوم این که ماهیّت تهدید نظامی است.

### 2- نظریه‌های مدرن امنیّت (امنیت نرم‌افزاری)

باید اذعان نمود که تحولات بنیادین یکی دو دهه آخر قرن بیستم در عرصه بین‌المللی بر سیالیت و نسبیّت مفهوم امنیّت افزوده است، به عنوان نمونه پایان جنگ سرد، فصلی تازه در نگرش‌های امنیّتی جهان گشود و فروپاشی ابرقدرت شوروی تا حدّی وجهه نظامی «تهدیدات امنیّتی» را کم‌رنگ نمود و این امر برای بسیاری از کشورها، بازنگری در مفهوم «تهدید و امنیّت» را ضروری ساخت.

در عصر جهانی شدن در مقایسه با گذشته محیط بازی بین‌المللی تفاوت پیدا کرده است. تحوّل در دانش و ارتباطات، این محیط را دگرگون کرده و مفهوم فضا با توجه به تحوّل که در سرعت انتقال دانش، اطلاعات و تصویر به وجود آمده دگرگون شده است و محیط خاصی را به وجود آورده که باعث تحوّل در مفهوم بازی‌های جهانی شده است. دیگر نمی‌توان صرفاً بر ابعاد سخت‌افزار قدرت متکی بود، اهمیّت ابعاد نرم‌افزاری قدرت، بازی کلاسیک تعادل قوا را دستخوش تغییر کرده است، این عوامل سبب شده است تحوّل در محیط‌های امنیّت داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به وجود آید و بازیگران و بازی‌های جدیدی را به عرصه مناسبات امنیّتی وارد کند و نقش سنتی بازیگران کلاسیک را دچار تحوّل نماید.<sup>۱۹۲</sup>

۱۹۲. اصغر افتخاری، *نامنی جهانی، بررسی چهره دوم جهانی شدن*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰، صص ۱۹۲.



در عصر جهانی شدن امنیت جهانی جایگزین امنیت ملی می شود. منافع ملی جای خود را به منافع فراملی داده است. اقدام یک جانبه به اقدام چند جانبه مبدل شده است. امنیت مفهوم وسیع تری یافته است و مفاهیمی مانند محیط زیست، دموکراسی، امنیت اقتصادی، سیاسی، استقلال جامعه مدنی، هویت‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و... محورهای بنیادین امنیت را تشکیل می دهند. دولت به عنوان موضوع امنیت رفته رفته جای خود را به امنیت واحدهایی مانند قوم، ملت، فرد، نظام‌های ارتباطاتی، نظام‌های اجتماعی، اعتقادات یا نظام‌های سیاسی می دهد. ماهیت و منشأ تهدید دیگر صرفاً نظامی نیست، تهدید حالت نرم‌افزاری پیدا می کند. تهدید هم‌زمان درون مرزی و برون مرزی است و به طور فزاینده‌ای ابعاد اجتماعی، فرهنگ و ارتباطاتی پیدا می کنند.<sup>۱۹۳</sup>

### 3- نظریه‌های امنیتی فراساختارگرایان<sup>۱۹۴</sup>

این ره یافت در مورد امنیت به مراتب بیشتر از ره یافت‌های دیگر پست پوزیتویستی، مطالعات امنیتی سنتی را به چالش کشیده است. تأکید بر نظریه به جای واقعیات و عدم اعتقاد به جدایی عینیات از ذهنیات منجر به پذیرش امنیت به عنوان یک مفهوم ذهنی در برابر امنیت به عنوان یک مفهوم عینی نزد فراساختارگرایان شده است.

دیوید کمپل در کتاب خود تحت عنوان «نگارش امنیت» معتقد است:

**«مرزهای اخلاقی هویت به همان اندازه مرزهای جغرافیا در بررسی حوزه‌های درون/برون، خود/غیر خودی، داخلی/خارجی، حائز اهمیت**

**است.»<sup>۱۹۵</sup>**

مفهوم «تبارشناسی امنیت» یکی از موضوعات در مطالعات امنیتی پس‌ساختارگرایان است. مفهوم اصلی رویکرد تبارشناسی این است که چیزی به نام حقیقت وجود ندارد بلکه آنچه وجود دارد طرح حقیقت است، و این به آن معناست که احکام جهان اجتماعی فقط در قالب گفتمان‌های خاص حقیقت می‌یابند. از این طریق می‌توان فهمید چگونه برخی گفتمان‌ها به تبع

1. داریوش اخوان زنجانی، پیشین، صص 107-108. 193.

194 post structural security studies.

195 1. David campbe11, "writting security", manchester University press, 1992, p 37.

به نقل از: علی عبدالله خانی، *نظریه‌های امنیتی*، ج 1، ص 219.

برخی حقایق بر دیگران تسلط پیدا می‌کنند. مفهوم «دیگری» نیز یکی از مفاهیمی است که پسا ساختارگرایان تلاش دارند تا نشان دهند که هویت خودی از طریق اعمال دیگران شکل می‌گیرد. آنها بر نقش تفاوت‌ها، اختلافات و وجود گفتمان‌های تهدیدزا و خطرآفرین در شکل‌گیری هویت تأکید می‌ورزند.<sup>۱۹۶</sup>

در مجموع آثار فراساختارگرایان با مطالعات سنتی امنیت، همخوانی ندارد، زیرا با فرضیه‌ها و سنت‌های ذهنی کاملاً متفاوتی به مسائل نگاه می‌کنند. نوشته‌های پسا ساختارگرایان در زمینه امنیت عمدتاً بر انتقاد از واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی قرار دارد. نقطه تمرکز آنها در مبحث امنیت و ساختار نظام بین‌الملل بر نقد دیدگاه رئالیستی در خصوص تفکیک میان حوزه‌های ملی و بین‌المللی قرار دارد.

ریچارد اشلی با استفاده از تکنیک‌های ساختار شکنی تحلیل می‌نماید که سنت قوام‌یافته واقع‌گرایی جهت تقسیم حوزه‌ها به دو بخش ملی و بین‌المللی حالتی از ابهام را دارد. زیرا درست است که جامعه به مفهوم سنتی آن محدود به سیاست داخلی بوده، اما به نظر می‌رسد به واسطه عقلانیت، استدلال، پیشرفت و نظم دارای ویژگی جهانی و بدون محدودیت زمانی است.<sup>۱۹۷</sup> اشلی به عنوان نظریه‌پرداز فراساختارگرا تقسیم حوزه‌های ملی و بین‌المللی را بر مبنای محدود نمودن جامعه در سطح ملی پذیرا نبوده و به بیان دیگر قائل به تعریف امنیت در حوزه بین‌المللی نیز می‌باشد.

از نظر فراساختارگرایان حوزه‌های ملی و بین‌المللی واقع‌گرایی کاملاً جدا از یکدیگر هم نمی‌باشند، بلکه به معنای دقیق کلمه در تقابل یکدیگر قرار دارند. با این وجود، هیچ یک از این دو بدون دیگری نمی‌توانند به حیات خود ادامه دهند.<sup>۱۹۸</sup>

پسا ساختارگرایان بر اساس منطق دوگانه ملی - بین‌المللی در روابط بین‌الملل که توسط اشلی و والکر بنیان نهاده شده مطالعات خود را آشکارا بر ایجاد ارتباط میان امنیت و ساختار هویت ملی قرار داده‌اند. آنها مدعی هستند به جای یک دیدگاه ساده از امنیت دولت محور که به دنبال حفظ یک دولت یا اتحادی از دولت‌ها می‌باشد. بایستی تحلیل و ارزیابی ما از امنیت بر اساس عملکردهایی باشد که دولت‌ها از آن طریق هویت خود را می‌سازند.<sup>۱۹۹</sup>

---

۱. علی عبدالله‌خانی، *نظریه‌های امنیت*، جلد اول، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر 196

1383، ص 216.

۲. همان، ص 197.217

۳. همان، ص 198.218

۴. همان، ص 199.220

در دیدگاه پساساختارگرایی این هویت ثابت نیست و با تولید هویت از طریق ایجاد تمایز ایدئولوژیکی مداوم و مؤثر میان افرادی که در تعریف ایده‌آل‌ها اختلاف دارند، حاصل می‌شود.<sup>۲۰۰</sup>

کمپل با تغییر مفهوم سنتی، دیدگاه کاملاً جدیدی را مطرح می‌کند. وی بر این اعتقاد است که هویت یک کشور به تهدیداتی بستگی دارد که ایجادکننده ناامنی است. تهدیدات و ناامنی فقط در چارچوب تضعیف کشور معنا نمی‌یابد، بلکه همین تهدیدات و ناامنی اساس دولت و کشور را تشکیل می‌دهد و باعث تداوم دولت می‌گردد.<sup>۲۰۱</sup>

با توجه به مطالب فوق، دیدگاه پساساختارگرایی از چند جهت، از قابلیت‌های لازم برای تبیین امنیت ملی کشورها در عصر جهانی شدن برخوردار می‌باشد. لذا در این رساله تا حد زیادی از ادبیات و مؤلفه‌های نظری آن‌ها برای بررسی جهانی شدن و امنیت ملی ج.ا.ا استفاده خواهد شد. این قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها را می‌توان به صورت زیر بیان نمود:

اولاً؛ در عصر جهانی شدن با تحوّل در دانش و ارتباطات، تحوّل در محیط‌های امنیت

داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد شده و امنیت جنبه نرم‌افزاری پیدا کرده است، و در این عصر، امنیت جهانی و امنیت ملی در یکدیگر متداخل شده است.

ثانیا؛ امنیت مفهوم وسیع‌تری یافته است و شامل مفاهیمی همچون محیط زیست، دموکراسی، جامعه مدنی، هویت‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و... گردیده است.

ثالثاً؛ فراساختارگرایان با تأکید بر نظریه، عدم اعتقاد به جدایی عینیات از ذهنیات، معتقد به مفهوم ذهنی امنیت در برابر مفهوم عینی امنیت هستند و دارای محدودیت‌های نگرش سنتی به امنیت نمی‌باشند.

رابعاً؛ فراساختارگرایان بر خلاف رئالیست‌ها، قائل به جدایی محیط ملی از بین‌المللی نمی‌باشند، لذا متغیرهای سطح جهانی در مطالعات سطح ملی را ضرورتاً وارد می‌کنند و از نظر آن‌ها، مرزهای ملی به شدت کم‌رنگ شده و امنیت کشورها در قلمرو جهانی معنی می‌یابد و امکان جداسازی آنها وجود ندارد.

خامساً؛ ادبیات نظری فراساختارگرایان نسبت به دیدگاه سازه‌گرایان از قابلیت بیشتری برای

---

. همان، ص 200,221

. همان، 201

بررسی تأثیر جهانی شدن بر امنیت ملی ج.ا.ا. برخوردار می‌باشد، زیرا در این پژوهش تا حد زیادی جنبه‌های امنیت ملی کشور در سطح ملی مورد نظر می‌باشد و آثار پیامدهای سیاست‌های امنیتی ایران بر منطقه یا فرآیند جهانی شدن مورد هدف نمی‌باشد. در حالی که دیدگاه سازه‌گرایان به رابطه متقابل امنیت و نظام بین الملل پرداخته و قائل به نقش دولت‌ها به عنوان کارگزار نظام بین المللی در ساخت امنیت جهانی می‌باشد.

## ج - ابعاد امنیت ملی

### 1- امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی در دنیای پس از جنگ سرد، به طور روزافزونی به عنوان یک بُعد از امنیت مطرح می‌شود. خطر بزرگی که امروزه در مورد نظریات رایج امنیت اقتصادی وجود دارد این است که به غلط آن را تنها بُعد مهم در امنیت ملی تلقی نماییم؛ چنان که در دوران گذشته نیز چنین برداشتی در مورد امنیت نظامی وجود داشت. رابرت ماندل امنیت اقتصادی را این گونه تعریف می‌کند:

**«میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، هم از مجرای عمل کرد داخلی و هم حضور در بازارهای**

**بین المللی».**<sup>۲۰۲</sup>

مفهوم امنیت اقتصادی در خلال جنگ سرد، در کشاکش بالا بردن موازنه قدرت، ابتداء در بلوک غرب مطرح شد. در کنار پیمان‌های نظامی، بلوک‌های اقتصادی نیز در سطح بلوک و در مناطق تحت تسلط در سطح منطقه‌ای شکل گرفت. اما شکل‌گیری در نظریه‌هایی با مفهوم امنیت اقتصادی به طور مشخص پس از جنگ سرد آغاز شد. به طوری که امنیت اقتصادی به عنوان یکی از ابعاد مهم امنیت ملی مطرح گردید. در شرائط کنونی جهانی شدن اقتصاد دارای دو بعد عمده است که عبارتند از:

**«آزادسازی تجارت بین المللی برای کالاها و خدمات و آزادسازی**

**جریان سرمایه بین المللی. این دو ویژگی عمده که به مدد جهانی شدن**

**ارتباطات و توسعه تکنولوژی ممکن گشته، سه پیامد مهم را به همراه داشته**

---

. رابرت ماندل، **چهره متغیر امنیت ملی**، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات 202

راهبردی، 1377، ص 107.

است که عبارتند از آثار افزایشی، تخصیصی و توزیعی، در پیامد اول با افزایش سرمایه‌گذاری و تقویت فعالیت‌های ابتکاری مواجهیم که دارای آثار دراز مدتی می‌باشند. در نقطه مقابل، آثار تخصیصی کوتاه‌مدت قرار دارند. در مورد آثار توزیعی عملاً با نوعی توزیع کار، سرمایه در حالت کلی فواید ناشی از جهانی شدن مراجهیم»<sup>۲۰۳</sup>

به همین جهت جهانی شدن ضمن ایجاد محدودیت، می‌تواند امکانات مناسبی را برای همکاری فراهم آورد.

## 2- امنیت سیاسی

تفکیک امنیت سیاسی از سایر وجوه امنیت، امری پیچیده است، زیرا تکفیک امنیت سیاسی با امنیت (به معنای اخص امنیت) در عمل با مشکل روبرو خواهد بود. از این رو، گستره امنیت سیاسی، از امنیت یک نظام سیاسی، حاکمیت، دولت تا وجوهی از مسائل سیاسی در یک جامعه گسترده خواهد بود. تهدید سیاسی عموماً به عنوان زمینه‌ساز سایر تهدیدها و با مکمل آنها نیز عمل می‌کند. به اعتباری می‌توان چنین تلقی کرد که اساساً تهدید سیاسی متوجه تمامی سازمان‌های دولتی است. از آنجا که دولت اصولاً موجودیتی سیاسی است، تهدید سیاسی امکان دارد به همان اندازه تهدید نظامی هراس‌انگیز باشد.<sup>۲۰۴</sup>

در دهه‌های اخیر، توسعه شبکه‌های ارتباطی و ماهواره‌ای، تحول در امور پستی و مخابراتی، توسعه امور رایانه‌ای و به ویژه ظهور شبکه جهانی اینترنت رشد شتابنده‌ای به نزدیکتر شدن ملت‌ها به یکدیگر و کاهش اهمیت جغرافیا و مرزها داده است. به گونه‌ای که صحبت از وابستگی متقابل در میان نظریه پردازان سیاسی و اقتصادی باب روز شده است. وابستگی متقابل تا اندازه زیادی ناشی از حاکم شدن ساختارهای نظام سرمایه‌داری تحولات تکنولوژیکی - ارتباطاتی و انقلاب اطلاعات است. وابستگی متقابل در ضدیت با یکی از جنبه‌های مهم سنتی حاکمیت یعنی نفوذناپذیری مرزها برخاسته و مرزها را هر چه بیشتر نفوذپذیر ساخته است.

بنابر این در بُعد سیاسی امنیت ملی می‌توان به ابعاد فرعی مانند ساختار، ضعف و قوت،

. سید عبدالعلی قوام، جهانی شدن و جهان سوم، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، 203

1382، ص 86.

. علی ربیعی، مطالعات امنیت ملی، تهران: مرکز انتشارات وزارت امور خارجه، 1383، ص 137. 204

کارآمدی، میزان مشروعیت، امنیت دولت، احزاب، مسئله قومیتها و اقلیتها در جوامع، میزان نهادمندی جامعه مدنی در کشورها و شیوه مشارکت سیاسی اشاره کرد.

### 3- امنیت فرهنگی

مفهوم فرهنگ و به تبع آن توسعه فرهنگی هنوز از یک تعریف جامع و مقبول برخوردار نشده است. شاید یک تعریف نسبتاً قابل قبول را در اختصاص مظاهر معنوی یک تمدن و اطلاق فرهنگ بر آن بتوان جستجو کرد. اگر فرهنگ را مجموعه‌ای از سنت‌ها، آداب و عادات و مجموعه‌ای از ارزش‌ها تلقی کنیم که ساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر اساس آن استوار شده‌اند، می‌توانیم با این نگاه فرهنگ‌ها را به عنوان شاخص‌های متمایزکننده جوامع و کشورها قلمداد کنیم.

فرهنگ، و به طور اخص مذهب، در سال‌های دور به عنوان یک عامل «امنیت‌ساز» در دولت‌های ملی و «امنیت‌سوز» در مناقشات میان دولت‌ها مطرح بوده است. پایان جنگ سرد و سقوط کمونیسم، انگیزه‌های جدیدی را برای ارتقای مقوله فرهنگ در مطالعات سیاسی حتی به عنوان یک شاخه اصلی در آن فراهم نمود. اکنون فرهنگ از زوایا و چشم‌اندازهای متفاوتی مورد توجه قرار گرفته است. لاری دیاموند<sup>205</sup> با تأکید بر نگرش آلموند به جنبه‌هایی از فرهنگ سیاسی تأکید می‌کند که موجب تحلیل رفتن حکومت‌های اقتدارگرا و گسترش جامعه مدنی و نهادهای دموکراتیک می‌شود. بنیامین باربر<sup>206</sup> نیز فرهنگ را در بستری سیاسی و از زاویه تعارض میان سرمایه‌داری مصرف‌گرا و بنیادگرایی مذهبی و قبیله‌ای و به عنوان مقوله‌ای مؤثر در روابط بین الملل مورد بررسی قرار می‌دهد.<sup>207</sup>

نکته اساسی که در رابطه با بعد فرهنگی امنیت ملی وجود دارد این است که هر معنایی را که از فرهنگ و فرآیند جهانی شدن آن در نظر داشته باشیم، نمی‌توانیم بدون در نظر گرفتن مقوله ارتباطات و تأثیر شگرفی که تکنولوژی ارتباطات در این فرآیند دارد تحلیل و تفسیر کنیم. گسترش ارتباطات و پیدایش و حاکمیت قدرت‌مندان فناوری نوین ارتباطات، بی‌تردید یکی از عوامل مهم و شاخصه‌های جهانی شدن فرهنگ جدید است.

پیرامون این موضوع می‌توان به دیدگاه رابرتسون اشاره کرد، وی بر لزوم برداشتی چندبعدی و کثرت‌گرا از نظام جهانی تأکید دارد که هویت‌های فرهنگی متعدد چون محلی، ملی

---

205 Larry Diamond.

206 Benjamin Barber.

207. علی ربیعی، پیشین، ص 151.

و... عناصر تشکیل دهنده آن هستند.<sup>۲۰۸</sup> یعنی در مقابل فرآیند یکسان‌سازی، جریان و فرآیند تکثرو تنوع نیز حضور جدی و تأثیرگذاری در عرصه روابط بین الملل دارد که گفتمان یکسان‌سازی و یکپارچه‌سازی فرهنگی را به چالش می‌کشد. به عبارت بهتر به نظر می‌رسد جهانی شدن و توسعه ارتباطات پدیده‌ای نیست که توانایی، ظرفیت جذب و ادغام تمام هویت‌ها و فرهنگ‌های قومی، ملی و مذهبی را در خود داشته باشد، چرا که تمامی این خرده فرهنگ‌ها مستقل از ساز و کارهای فرهنگی جهانی شدن در فعل و انفعالات عدیده روابط بین الملل اثرگذار هستند. در تحلیل نهایی باید گفت، پیشرفت وسایل مدرن ارتباطی در راستای فشرده ساختن جهان، فرصت مناسبی را برای مراکز و نهادهایی که دارای اندیشه و نظریه هستند فراهم ساخته است تا نسبت به برقراری ارتباطات گسترده و متقابل با مردم و بسط و گسترش فرهنگ‌های جدید و ایجاد نوعی هژمونی فرهنگی همت گمارند. بنابر این به نظر می‌رسد که در این فرآیند با هویت‌ها و فرهنگ‌های متعدد و متکثر روبرو خواهیم بود و کشورها در بعد فرهنگی با چالش‌های امنیتی مواجه خواهند بود، در این راستا استفاده مناسب از تکنولوژی ارتباطات تقویت زیرساخت‌های فرهنگی، غنی بودن فرهنگ‌ها و قدرت مقاومت آن‌ها در برابر فرهنگ‌های رقیب نیز حائز اهمیت است.

### جمع‌بندی

امروزه فرآیند جهانی شدن کلیه ابعاد و سطوح زندگی انسان معاصر را تحت تأثیر قرار داده است. و در این میان «امنیت» و «امنیت ملی»، با توجه به جهانی شدن از مفهوم سنتی خود یعنی، فقدان خطر به مفهوم نوینی تغییر یافته و شامل سطوح مختلف امنیت در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به صورت ایجابی گردیده، و محدودیت‌ها، چالش‌ها و فرصت‌های را برای امنیت ملی کشورها به ویژه در بُعد فرهنگی آن‌ها فراهم کرده است. این فرآیند نه تنها زمینه‌ساز همانند شدن جهان بلکه از عوامل تشدیدکننده هویت‌های قومی و ملی گردیده و فرصت‌های نوینی را نیز برای بازشناسی ارزش‌ها، هنجارها، هویت‌ها، مرزها و... فراهم نموده است. لذا در عرصه جهانی شدن نیاز به بازتعریفی مجدد از مفهوم امنیت و امنیت ملی احساس می‌شود.

---

208 1. Ronald, Rebertson. *Globalization: social theory and Global Culture*. London,

1992. p 68.